

IL GÜN

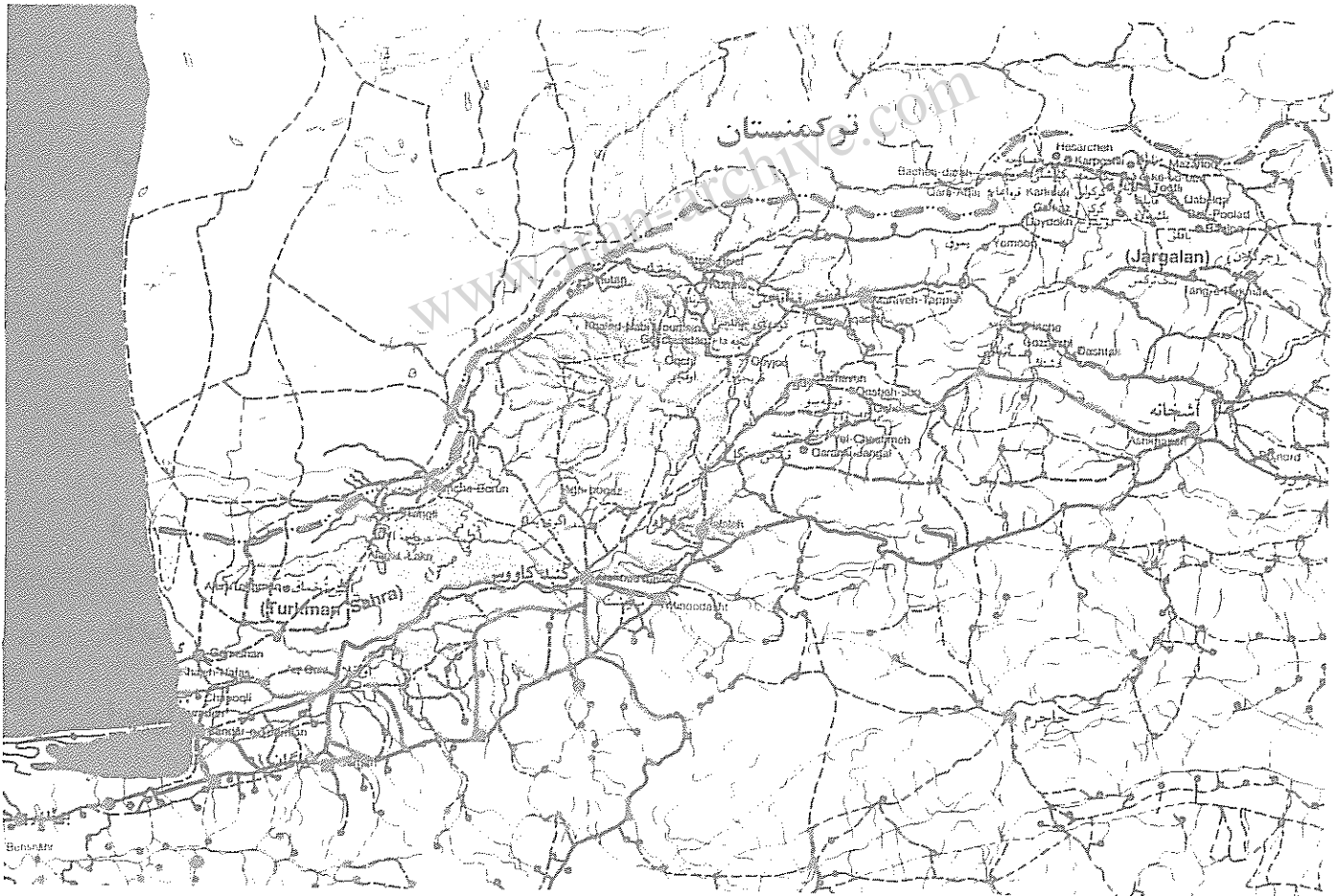
ایل گون

No. 12 December 1999

سال سوم - شماره ۱۲ آذر ۱۳۷۸

Garassyz türkmen neşriýesi

نشریه مستقل ترکمن



فهرست مطالب :

- ۲ درگیری جناح ها و معیارها
- ۵ تبهکاری دولتی روسیه در جمهوری چین
- ۸ هشت سال استقلال ترکمنستان
- ۹ حفظ تمامیت ارضی ایران؟!
- ۱۱ اقلیت های دینی و مسئله ملی
- ۱۲ آیا هزاره سوم پایان راه روزنامه ها در جهان است؟
- ۱۳ درباره خط ترکمنی
- ۱۴ معرفی کتاب
- ۱۵ وقتی که پرستو ها بر می گردند
- ۱۶ توضیحات وزیر کشور درباره سرکوب کردهای ایران
- ۱۷ فرش ترکمن : از "ایشان قیزی" تا "گلناز"
- ۲۰ نبردهای آق قلا
- ۲۱ اخبار
- ۲۹ نامه های رسیده

درگیری جناح ها و معیارها

دوجناح ، و در درجه اول میان خامنه ای و خاتمی، بستگی خواهد داشت. واقعیت این است که جناحهای حکومتی به نیکی می دانند که با توجه به گسترش اعتراضات عمومی نسبت به شرایط موجود، چند سال آینده در تعیین وضعیت و سرنواشت جمهوری اسلامی تعیین کننده خواهد بود. آنها نمی توانند به روال سابق حکومت خود را ادامه دهند، تحولاتی پیش خواهد آمد. هر کدام از جناحها نیز با وقوف به این امر سعی دارند با بدست آوردن اکثریت در مجلس آینده سیاست های خود را در رابطه با پیشبرد جمهوری اسلامی دیکنه کنند. هر کدام دیگری را متهم به سیاست نابودی جمهوری اسلامی می کنند هر کدام سعی دارند به سیاق خود حکومت را از سقوط نجات دهند.

در حال حاضر با توجه به نزدیکی انتخابات نبرد بین " خودیها" جریان دارد. عبدالله نوری در دادگاه می گوید که حاکمیت از آن مردم است و خاتمی، رئیس جمهور، نیز در فرانسه اظهار داشت که رئیس جمهور همه مردم ایران است و کسی به اتهام داشتن عقیده مخالف بازداشت و زندانی نمی شود. آقای نوری در مقابل فشار دادگاه و نیروهای راست این حرفها را می زند و آقای خاتمی تحت فشار افکار عمومی جهانی.

بقیه در صفحه بعد

تصمیم گرفتند قبل از آن مرحله نوری را از صحنه سیاسی حذف کنند. واقعا که نایش مضحك و در عین حال تراژدی نیز هست که نشان دهنده سطح رشد مسئولی مملکتی نیز میباشد.

سید ابراهیم نبوی از طنزنویس های روزنامه های طرفدار خاتمی در یکی از طنزهایش می نویسد " این مسئولین محترم مملکت که کار خیری ازشان بر نمی آید، فقط برای ما سوژه طنز درست می کنند. از صبح تا شب رفتارهایی می کنند که باعث اغراق در وضعیت می شود و موقعیت طنز بوجود می آورد. ما کار سختی نمی کنیم، طنز نوشتن در این وضعیت خیلی سخت تر از طنز نوشتن است." (پیام مامون شماره ۲۸ شهریور ۱۳۷۸)

حجت الاسلام عبدالله نوری علیرغم طرح مسائل بسیاری در رابطه با وضعیت سیاسی و اجتماعی و در دفاع از خود، از جانب هیئت نظارت در این دادگاه محکوم اعلام گردید. از میدان بدر کردن نوری برای جناح راست حاکمیت پیروزی بزرگی خواهد بود. ولی بظاهر عواقب این پیروزی برای جناح راست به سادگی قبلی ها نخواهد بود. نوری از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی تاکنون در کلیدی ترین مقامهای حکومتی بوده و از بسیاری از بده و بستانها و از بسیاری از اسرار پشت پرده خبر دارد. اینکه نوری تا چه حد پیش آمد و یا خواهد آمد و جناح مقابل تا چه حد در این بازی پیش بینی نموده باز به توافقیهای پشت پرده سران

با نزدیک شدن انتخابات مجلس ششم درگیری بین جناحهای حکومتی شدت و عشق بیشتری می یابد. بعد از تعطیلی روزنامه سلام و محکومیت مسئول آن، موسوی خونیینی ها، اینک عبدالله نوری زیر ضرب نیروهای راست حاکمیت قرار گرفته است. وی از پیگیرترین و جسورترین یاران خاتمی است. حجت الاسلام نوری بعد از استیضاح و برکناری از مقام وزارت کشور به مقام معاونت ریاست جمهوری منصوب گردید. وی علاوه بر این عضو شورای امنیت ملی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. وی با بدست آوردن بیشترین آراء، در انتخابات شورای شهر تهران به مقام ریاست این شورا رسیده بود. حال این فرد با این همه مقام و پست های کلیدی در حکومت بجرم توطئه بر علیه نظام محاکمه می گردد و جای تعجب اینکه به غیر از مقام ریاست شورای شهر تهران که وی جهت کاندیداتوری در انتخابات مجلس ششم از آن استعفا داده، بقیه مقام های خود را دارا بوده و همچنان در جلسات مهم و امنیتی کشور نیز شرکت دارد. با تمام اینها او در يك دادگاه به اتهاماتی که برای يك فرد عادی حکم اعدام می تواند داشته باشد، محاکمه می گردد.

هدف این نمایش کنونی تعطیلی روزنامه خرداد و حذف نوری از صحنه انتخابات مجلس است. شورای نگهبان به سختی می توانست صلاحیت نوری را با حق نظارت استصوابی خود رد کند. به این دلیل آنها

ادامه از صفحه قبل

درگیری جناح ها ...

آقای سوری در دادگاه گفت که قتل‌های دکتراندیشان از زمان وزارت فلاحیان در وزارت امنیت شروع شده و وی باید پاسخگو باشد. حال با این بیان حجت الاسلام نوری این سوال مطرح می‌شود که چرا آقای نوری در آن زمان که این قتلها صورت گرفته، و به احتمال بسیار قوی با توجه به مقام‌هایی که داشته از آنها مطلع بوده، هیچگونه زبان نکشود؟ آیا به مصلحت نبود؟ اکنون مسکن است گفته شود که در جریان مبارزات و بخصوص بعد از روی کار آمدن خاتمی آنها پیر درسا آموخته اند که در جانب مردم باسد. اگر این چنین نیز باشد پس چرا از مطلوبیت دانشجویانی که که دستگیر شده و همچنان در زندانها هستند و بعضا به زندانهای طولانی محکوم شده و برخا نیز حسی محنوم به اعدام نیز شده اند، حرفی می‌زند؟ چرا آقای نوری و یاران او تلاشی در این امر نمی‌کنند؟

آقای خاتمی خود را رئیس جمهور همه ایران دانست و دامیه دفاع از منافع تمام مردم ایران را دارد ولی هم اکنون بطور مشخص - بعضی صحرا بدون سروصدا برنامه‌های ... می‌سازد می‌شود. ابتدا طرحهای ... می‌سازد استن کلستان به مرکزیت ... می‌سازد سدیهای شهری بدتر از آن ... می‌سازد. هم اینت برنامه ضد ملی ... می‌سازد سوان طرح اسکان عشایر ... می‌سازد در منطقه مروری ترکمن ... می‌سازد سسان پیش برده می‌شود. به

آنها زمین و وام جهت مسکن و کار می‌پردازند. حاکمیت میخواهد با این عمل اولاً ترکیب اجتماعی - ملی منطقه را بهم بزند که این منطقه کردنشین در بین ترکمن ها و بخصوص بین ترکمن های دو طرف ایجاد کند. با این حساب ایند حالی بین ترکمنستان و ترکمن صحرا بوجود می‌آید. درثانی در آینده اگر لازم باشد می‌تواند دو ملت تحت ستم را در مقابل هم قرار دهد. این عمل ضد ملی در زمان حاکمیت آقای خاتمی پیش برده می‌شود. این طرح ها نه در استانداری خراسان یا کلستان بلکه در ارکانهای بالاتر کشور برنامه ریزی می‌شوند. آقای خاتمی که صحبت از جامعه مدنی، دموکراسی و گفتگوی تمدنها می‌کند چرا مجری این گونه طرح های ضد ملی در این منطقه مانند ترکمن صحرا می‌کرده؟

درگیری بین جناحهای حکومتی امری است واقعی و به هیچ وجه بنا به ادعای برخی جریانات سیاسی تاتار و یا ناپیش نمی‌باشد. در این درگیری ها نیروهای به اصطلاح دوم خرداد مواضع بسیار مترقیانه تری نسبت به نیروهای محافظه کار درون حاکمیت دارند. ولی وجود این وضعیت بدین معنی نیست که دم فرو بندیم و سیاستی مشابه سیاست اتحاد و اتحاد سالهای ۶۰-۵۹ سازمان اکثریت و یا حزب توده پیش رود که در آن جنبش مردم فدای جریان ضدامپریالیست! خط امام کردید.

حمایت از سیاست های خاتمی در مقابل جناح راست دلیل بر سکوت در قبال سیاست های نادرست وی نیست و هرگونه انتقاد و فشار از پایین به خاتمی و یاران وی فقط تضعیف او نبوده بلکه او را به پیشبرد

این مبارزه به نفع آنچه که قولش را به مردم داده مجبور خواهد کرد. حضور توده های مردم در جنبش دموکراسی در ایران و نیروهای فعال خارج از حکومت نقش بسیاری در مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی دارند. مبارزات را فقط در تهران و فقط میان جناح ها خلاصه کردن ندیدن ابعاد بسیار گسترده مبارزه در سطح ایران خواهد بود و مسلماً به همان دنباله روی از یکی از جناحها خواهد انجامید.

برای ما بعنوان روشنفکران ملیتهای تحت ستم عملکرد نیروهای حاکمیت در مناطق ملی بخش قابل توجهی از نظرات ما را در قبال آنها مشخص خواهد کرد.



www.iran-archiv.com

تبہکاری دولتی روسیہ در جمهوری چین

جامعه خود را محق و تنها مدافع منافع روسها نشان دهد. بر اثر این تبلیغات پوتین نخست وزیر روسیه به سبب غرور ملی روسها تبدیل شده است. برای حفظ منافع باند حاکم پوتین خود را برای انتخابات آینده نیز آماده می کند و یلتسین از وی بعنوان جانشین خود نام می برد. آنها چنان تبلیغاتی را براه انداخته اند که برخلاف درگیریهای سال ۹۶ ارتش روسیه در چین، حتی دمکرات ترین سیاستمداران روسیه نیز نمیتوانند بر علیه این جنگ حرفی بزنند.

از دلایل دیگر این بحران عبور شاه لوله های نفت و گاز از این منطقه است. این لوله ها در زمان اتحاد شوروی جهت انتقال نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز به روسیه و دنیای خارج ایجاد شده بود. علاوه بر سودی که از این انتقال بدست می آید، کنترل انتقال منابع عظیم نفت و گاز در نبرد اقتصادی بین المللی اهمیت فراوانی دارد. این لوله ها تنها امکان رقابت روسیه با شرکتهای بین المللی و کشورهای غربی میباشد. در حالی که بقیه رقبا راههای ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان را مطرح می کنند، روسها با حفظ و تسلط تمامی مناطق تحت عبور این شاه لوله ها و امن نشان دادن آن میخواهند که از این خوان یغما بهره ای ببرند. به این جهت است که روسها با رشد جریانات ملی مذهبی در مناطق داغستان موقعیت خود را در خطر دیده و به آنجا لشکرکشی نمودند. بقیه در صفحه بعد

شرکت داشته و روزانه بیش از ۷۰ حمله هوایی بر علیه مواضع نظامی و غیر نظامی صورت می گیرد.

سه سال پیش روسها با شکست در جنگ با چین ها عقب نشینی نمودند. آنها قرارداد آتش بس را امضاء کرده و تعهد نمودند که به بازسازی در منطقه یاری رسانده و در انتقال نفت از جمهوری چین به سایر نقاط مزاحمت ایجاد نمایند. اما همه این تعهدات روسیه روی کاغذ مانده است. روسیه نه تنها در جهت انجام تعهدات خود یک گام نیز برنداشته، بلکه مانع از صدور نفت چین ها گشته است.

بحران در داغستان صرفاً مسئله منطقه ای نبوده و زمینه های گسترده ای دارد. از جانی روسیه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد. یلتسین و باند او میلیاردها دلار از وام های دولتی روسیه از بانکهای بین المللی و دیگر ثروتهای روسیه را به حسابهای شخصی خود در بانکهای غرب واریز نموده اند. تمامی منابع اقتصادی، ثروتهای عمومی و مقامات کلیدی کشور تحت کنترل این افراد انگشت شمار قرار دارد. در حالی که مردم روسیه در وضع اقتصادی بسیار وخیمی بسر می برند آنها زندگی افسانه ای و متجلی دارند. شکست در انتخابات آتی می تواند وضعیت فراتر از «شاهانه» آنها را به خطر اندازد. این دارودسته تلاش دارد با ایجاد وضعیت فوق العاده در جامعه، با توجه به اینکه اکثر مطبوعات و رادیو تلویزیون روسیه در کنترل آنها قرار دارد، در افکار عمومی

در دنیای متمدن امروز باز هم شاهد سرکوب خونین ملتی در سرزمین و کاشانه خود هستیم. جهت پیشبرد مقاصد سیاسی تنگ نظرانه و یا منافع گروهی محدود در قدرت حاکمه، ملتی به بهانه های مختلف مورد وحشیانه ترین تضعیقات و سرکوبها قرار می گیرد.

چند ساختمان مسکونی در مسکو در اثر انفجار بمب تخریب و تعداد زیادی از مردم بیگناه کشته شدند. وزارت کشور روسیه چین ها را، بدون ارائه مدرکی، مسئول این انفجارها دانست. بدنبال این امر تبلیغات گسترده ای در روسیه بر علیه ملت های قفقاز و آسیای میانه براه انداخته شد. «کله سیاه» ها در مسکو و دیگر شهرهای بزرگ روسیه تحت فشار و بازجویی و دستگیری قرار گرفتند. بر اساس گزارش خبر گزارها هم اکنون در روسیه پاکسازی نژادی براه انداخته شده است. مردم آسیای میانه که سالیان سال در روسیه کار و زندگی میکردند بعنوان عناصر ضد نظم اجتماعی معرفی گشته، دستگیر و تبعید میگرددند. بنا به گزارش مجله اشپیکل آلمان در دو هفته آغاز جنگ در داغستان بیش از ۴۰۰۰۰ نفر «کله سیاه» از روسیه اخراج شده اند. آنها بدون دلیل دستگیر شده و در قطارهای مخصوصی به آسیای میانه بر گردانده می شوند.

بدنبال این وضعیت ارتش روسیه به جمهوری چین در داغستان هجوم آورده و اکنون بیش از دو ماه است که جنگی نابرابر جریان داشته و ملتی مورد کشتار قرار دارد. یک لشکر ۱۰۰۰۰۰ نفری روسیه در این نبرد

ادامه از صفحه قبل

تبهکاری دوئتی روسیه ...

در این میان بایستی به جنبه های تاریخی اختلافات بین روسها و ملت های قفقاز اشاره نمود. ملت های قفقاز، بخصوص چچن ها، از زمان تصرف این منطقه توسط روسیه تزاری هیچوقت حاکمیت مطلق روسها را نپذیرفته اند. حتی در دوران حکومت شوروی نیز ناآرامی ها در این منطقه بر علیه روسها وجود داشته است.

چچن و سایر جمهوری های داغستان بعد از انحلال اتحاد جماهیر شوروی بعزت و ابستگی شدید اقتصادی آنها به روسیه و خرابی وضعیت اقتصادی خود روسیه، دچار مشکلات فراوانی گشتند. سرمایه گذاری قابل توجهی از جانب روسیه و دیگر کشورها در منطقه صورت نکرده و طبق سیستم غلط سابق از این مناطق فقط بعنوان منابع مواد خام برای صنایع روسیه استفاده شده است. عدم شناخت صحیح از مذهب در اثر سیاست های ضد مذهبی رژیم شوروی نیز باعث سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم توسط برخی عناصر و جریان های ارتجاعی گردیده است. وجود بیکاری گسترده و مجموعه عوامل دیگر عوارض جانبی فراوانی بر وضعیت اجتماعی جامعه نهاده است.

روسیه تلاش در تروریست نشان دادن همه مردم چچن دارد. آنها حضور افرادی مانند خطاب اردنی در میان چچن ها را منبع تبلیغات و توجیه اعمال سرکوبگرانه خود فرار می دهند. ماسخادوف رئیس جمهور چچن ها می گوید ' ما بعنوان سرپلی برای تروریسم، افراطی کری و فوندامنتالیسم متهم

و معرفی می شویم.

پوتین نخست وزیر روسیه می گوید که در داخل چچن ها هیچکس نیست که بتواند طرف مصاحبت و مذاکره ما قرار گیرد. وی ادامه می دهد که تمام چچن های بالای ۱۲ سال تروریست هستند.

ارتش روسیه همه راههای ارتباطی بین چچن و دنیای خارج را و همچنین جریان برق و گاز را نیز به سوی گروزی، پایتخت چچن، بسته است. مردم جمهوری چچن در وضعیت اسفباری بسر می برند. حتی دارو برای معالجه زخمی های بمبارانهای هوایی ارتش روسیه موجود نیست. ارتش روسیه از خروج مردم عادی، کودکان، زنان، پیرمردان و پیرزنان نیز به جمهوریهای همسایه و بالعکس را نیز ممنوع کرده است. تاکنون بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر جهت فرار از بمباران و حملات موشکی روسیه از شهرها خارج شده و در مرز همسایگان خود از جمله اینکوشو هستند. تاکنون بیش از ۴۰۰۰ نفر کشته شده اند. رادیو و تلویزیون روسیه خبر از کشتار جمعی چچن ها نداده، بلکه خبر و گزارش از پیروزیهای پی در پی ارتش روسیه در جنگ با 'تروریستهای مسلمان' را میدهد. پوتین، نخست وزیر روسیه نیز در هر سخنرانی خود می گوید که 'همه چیز بر طبق برنامه پیش می رود.' 'دنیای متمدن' نیز تاکنون عکس العمل جدی در مقابل این کشتار جمعی انسانها از خود نشان نداده است. حتی کنفرانس کشورهای اسلامی که جمهوری اسلامی ایران هم اکنون رئیس دوره ای آن است بر علیه این جنایات ارتش روسیه بر علیه یک کشوری که به ادعای خود مسلمان است، اعتراض و واکنش مناسب را نداشته است. ماسخادوف از بسیاری از سازمانهای بین

المللی و اتحادیه اروپا و حتی آمریکا خواسته است که در این درگیری وساطت نمایند و مانع از کشتار بیشتر مردم گردند. اما روسیه تاکنون تأکید داشته است که مسئله چچن ها مسئله داخلی فدراسیون روسیه است و هیچکس حق دخالت ندارد. روسیه حق ندارد که با این ادعای خود به هر کشتاری در داخل فدراسیون روسیه بر علیه ملت های دیگر که نمیخواهند تحت تسلط بی چون و چرای روسها زندگی کنند، دست یازد.

در جلسه اخیر سازمان امنیت و همکاری اروپا که با شرکت سران ۵۴ کشور در ترکیه برگزار گردید، جنگ روسیه بر علیه چچن ها به یکی از موضوعات عمده کنفرانس تبدیل شد. سران کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس خواستار حل سیاسی مسئله و اعزام هیئتی از جانب این سازمان به منطقه شدند. یلتسین با هرگونه دخالت خارجی شدیداً مخالفت کرد. اما تحت فشار دیگر کشورها روسیه قطعنامه پایانی را پذیرفت و با اعزام هیئت موافقت نمود. در قرارداد جدید امنیتی که مسکو نیز آنرا امضاء کرده آمده است که کشورهای عضو نه فقط در مقابل هم بلکه در مقابل مردم خود نیز برای رعایت اصول این سازمان جوابگو هستند و با این اصل دخالت در برخی مسائل داخلی همدیگر نیز در نظر گرفته شده است. یعنی اینکه مسئله حقوق بشر مسئله داخلی کشورها نیست. هنوز ساعاتی از امضاء قرارداد نگذشته بود که وزیر کشور و وزیر دفاع روسیه با اعزام هیئت و حل سیاسی مسئله مخالفت کردند.

روز بعد خود وزیر خارجه که از جانب

بقیه در صفحه

ادامه از صفحه قبل

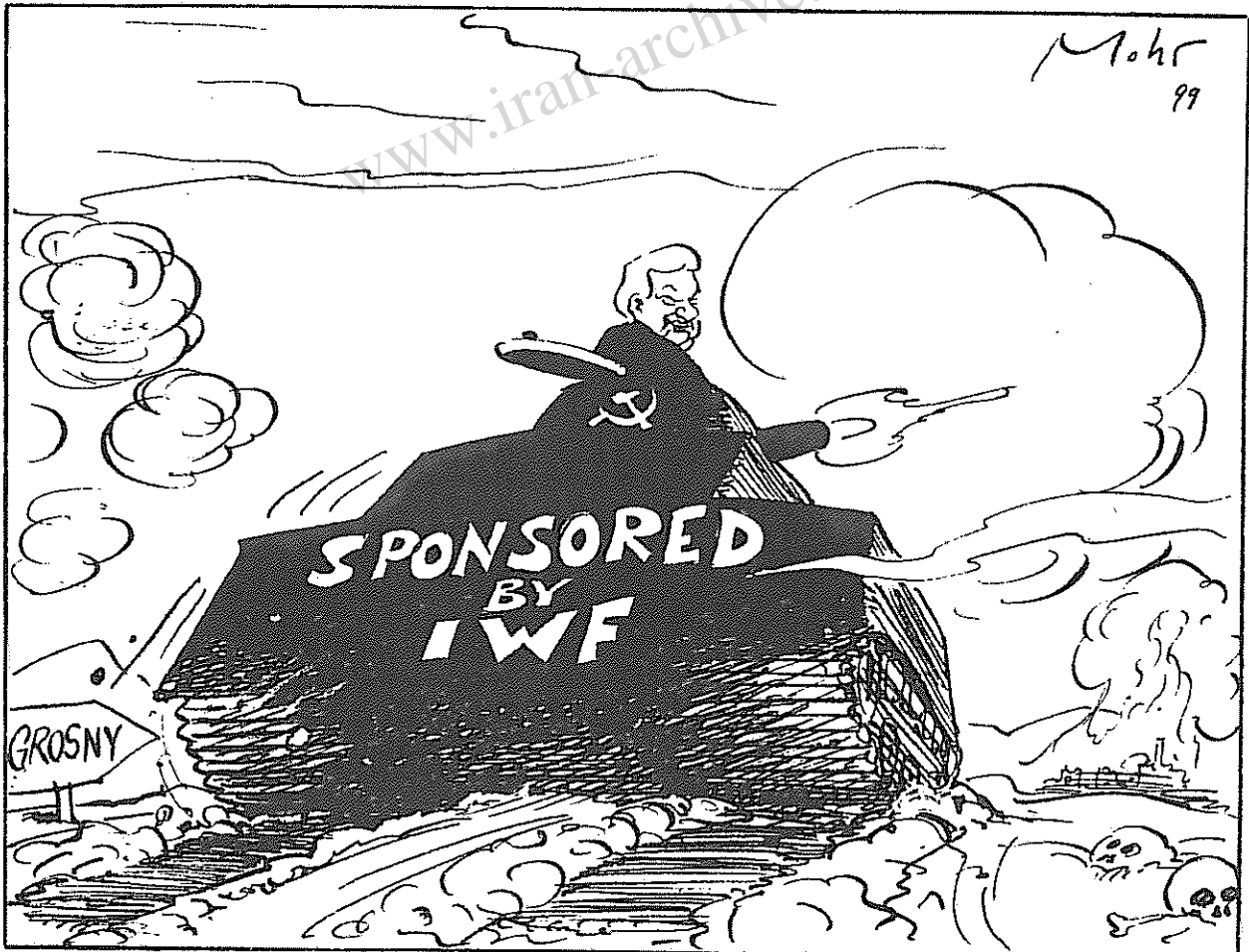
تبهکاری دولتی روسیه...

روسیه قرارداد را امضاء کرده بود تعهد خود را پس گرفت. روسیه فقط معتقد جنگ و سرکوب است. بدین خاطر برای مجامع بین المللی فقط دادن قطعنامه کافی نیست بایستی همانطور که سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن در مورد کوزوو وارد عمل شدند این بار نیز قاطعانه اقدام نمایند. هرچند که روسیه در

شورای امنیت سازمان ملل حق وتو دارد ولی هم اکنون از نظر اقتصادی کاملا وابسته به دنیای غرب است و آنها می توانند روسیه را تحت فشار قرار دهند. روسیه ۱۸۰ میلیون دلار از وامهای اعطایی بانکهای بین المللی را که قاعدتا می بایستی در خدمت سازندگی به کار گرفته میشد جهت جنگ با چین ها اختصاص داده است. ملتی را تروریست و سزاوار ناپودی دانستن اوج تبهکاری ای است که حاکمیت روسیه در قبال چین ها اعمال می کند. درگیری

ارتش روسیه در سالهای ۹۶ ۹۴ نشان داد که با زور و کشتار نمیتوان مسئله ای را حل نمود. ارتش روسیه در آن سال حتی از نظر نظامی نیز شکست خورد. مسلم اینکه این بار نیز ارتش روسیه نخواهد توانست مقاومت ملتی را که خود به اداره خود تصمیم گرفته بشکند و آنرا به ناپودی بکشاند. حاکمیت روسیه نخواهد توانست به خاطر برخی امیال سیاسی و اقتصادی خود ملتی را نابود کند.

متراد



هشت سال استقلال ترکمنستان

هشت سال از استقلال جمهوری ترکمنستان می گذرد. هشت سال راهی پر فراز و نشیب و سخت که ترکمن ها را در آستانه هزاره نو از مسکو دور و علیرغم فشار غرب این جمهوری توانست بی طرفی خود را حفظ کند. اهمیت ترکمنستان تنها بخاطر همسایگی این جمهوری با ایران نیست، بلکه بیشتر بخاطر منابع و ذخایر زیر زمینی آن است. در هشتین سالگرد استقلال نیروهای مسلح ترکمن رژه رفتند و جنگنده های نیروی هوایی در فضای شهر عشق آباد به پرواز درآمدند تا قدرت نظامی خود را به نمایش درآورند. ارتش روس ها پس از دهها سال حضور خود بالاخره از این کشور خارج می شود. تصادفی نیست که نیازوف رییس جمهور ترکمنستان بارها روسیه را بخاطر کشتار کوك دفعه که ۱۱۸ سال پیش روی خاک و همپنین غارت گاز این کشور مورد سرزنش قرار داده است. مسکو نیز سدور گاز ترکمنستان را از لوله های خود از سه سال پیش مسدود کرده است. فرار شهروندان روس از ترکمنستان در هشت سال گذشته بیشتر و بیشتر شده است. هم اکنون از جمعیت ۷۵۰ هزار نفری روس ها که در زمان اعلام استقلال در ترکمنستان زندگی می کردند حدود صد هزار نفر باقی مانده اند. در اداره جات مقام های کلیدی که در زمان شوروی در دست روسها بودند

هم اکنون به کادرهای ترکمن واگذار می شوند. روس ها با از دست دادن امتیازات گذشته و زندگی هسان با مردم ترکمن را نمی توانند تحمل کنند و خود را با شرایط جدید تطبیق دهند بنا بر این بر سرعت مهاجرت خود افزوده اند. بنا به اعلام سفارت روسیه در عشق آباد بیش از ۴۵ هزار خانوار روس نبار خواستار مهاجرت به روسیه هستند. "روسی زدانی" در تمام امور ادامه دارد. در ادارت دولتی زبان ترکمنی جایگزین زبان روسی می شود و دولت ترکمنستان سیاست جایگزینی زبان ترکمنی را تقویت می کند. برای مثال نیازوف در جلسه ای با کارشناسان و مدیران بانک تجارت خارجی بخاطر آنکه شرکت کنندگان خواستار اداره جلسه به زبان روسی شده بودند آنها را مورد سرزنش قرار داد. از لحاظ اقتصادی نیز روسیه هم اکنون چهارمین طرف بازرگانی ترکمنستان پس از ترکیه، اوکراین و ایران قرار دارد. پس از هشت سال نام ترکمنستان هنوز از لیست سیاه سازمان بین المللی دفاع از حقوق بشر بخاطر پایمال شدن حقوق شهروندان خود حذف نشده است. پس از هشت سال ترکمنستان هنوز کشوری تک حزبی است و اجازه فعالیت به احزاب دیگر داده نمی شود. اپوزسیون داخلی وجود ندارد و فعالین مخالف دولت نیز عملاً در مسکو و یا در پایتخت های دیگر جمهوری ها زندگی و فعالیت می کنند. این امر را بایستی در سیاست ترکمن ها دوراندیشان قلمداد کرد که دوری از مسکو به نزدیکی به قدرت های بربرک دنیا و یا

قدرت های منطقه ای نینجامیده است. سیاست بی طرفی ترکمنستان باعث شده است که کشورهای همسایه بویژه ایران و رژیم طالبان و مخالفین آن نسبت به ترکمنستان سیاست خصمانه ای اتخاذ نکنند. اشتقاد غرب از ترکمنستان بخاطر رعایت نکردن دموکراسی در کشور روز به روز ضعیفتر می شود. نیازوف که لقب "ترکمن باشی" به خود گرفته مدل دموکراسی غرب را هنوز برای جامعه ترکمن زود می داند و در مناسبت های مختلف بوضوح اعلام کرده :

"ما برای دموکراسی عجله نمی کنیم."

وی به مردم ترکمن وعده می دهد که تا سال ۲۰۱۰ میلادی یعنی تا پایان یافتن برنامه ۱۰ ساله توسعه، دموکراسی را در جامعه ترکمن برقرار کند.

در تحولات جامعه ترکمنستان نیازوف نقش تعیین کننده ای را ایفاء می کند. ارکان ها دولتی از جمله مجلس ترکمنستان که همه نمایندگان از طرفداران نیازوف هستند در تحولات ترکمنستان کوچکترین نقشی ندارند. آینده کشور و پیشرفت آن در گرو اجرای سیاست های دموکراسی یعنی آزادی مطبوعات، آزادی احزاب سیاسی، آزادی دکراندیشان است که نتیجتاً به شکل گیری مراکز و ارگان های دموکراسی و تقسیم قدرت در کشور می انجامد.

طاهیر

"حفظ تمامیت ارضی ایران"؟!

قبول دارند. از این نیروها باید پرسید که چگونه می شود شعار 'حفظ تمامیت ارضی ایران' در سرلوحه برنامه های آنان قرارمیکرد؟ این سؤال را طرح می کنیم چونکه این شعار فقط و فقط در مقابل خواستهای ملیت های تحت ستم ایران مطرح می گردد و در مفهوم ادبیات سیاسی ایران معنایی به جز سرکوب آزادیها و حقوق انسانی آنها ندارد. این شعار به موازات گسترش ستم های ملی از جانب حاکمیت که از نمایندگان سیاسی ملت فارس تشکیل میشد ترویج گردید. این شعار زمانی مطرح شد که ملیتهای تحت ستم ایران با اشکال مختلف مبارزه حق و حقوق خود را از حاکمیت شوونیست و عظمت طلب خواستار شدند. این شعار ضدملی ترین نیروهای ایران است که در ادامه بخشا آگاهانه و بخشا نیز ناآگاهانه به شعار سازمانهای چپ ایران مبدل شده است. این در حالی است که از جانب آنها هیچ گونه برنامه عملی مشخصی در رابطه با رفع ستم ملی، این معضل بزرگ دوسوم مردم ایران، ارائه نمی کرد. این نیز ناشی از درکی است که به ملیت های غیرفارس و مسائل دردناک آنها در امر مبارزه سیاسی - اجتماعی ایران نقشی قائل نیست.

در حال حاضر نیز آن بی عدالتی ها و ستم ها همچنان ادامه دارد و جالب اینکه این شعار بیشتر از جانب اپوزیسیون

بقیه در صفحه بعد

اما یک فرد ترک، کرد، ترکمن و... محل زندگی خود، منطقه خود را، سرزمین آباء و اجدادی خود می داند. وی از زمانهایی در آنجا می زیسته که نامی و نشانی از حاکمیت ملت فارس و شاید هم از خود آن ملت در سرزمین کنونی ایران اثری نبوده است ولی بر اثر تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی و در طی قرنهای مناسبات متقابل همدیگر را پذیرفته و با هم زیسته اند و کشور کنونی ایران را تشکیل داده اند.

با توجه به تجربیات و تغییر و تحولاتی که بخصوص در چند دهه اخیر صورت گرفته نشان از آن دارد که 'حفظ تمامیت ارضی' در کشور های چند ملیتی زمانی می تواند ضمانت واقعی داشته باشد که تمامی ملت های ساکن آن سرزمین در اداره امور منطقه خود و در تمامی کشور سهم برابری داشته باشند. در غیر اینصورت سخن از 'حفظ تمامیت ارضی' حرفی زورگویانه و استعمارگرانه ای خواهد بود.

ستم ملی در ایران واقعیتهای انکارناپذیر است. برخی جریانها مانند نیروهای سلطنت طلب آگاهانه ستم ملی و برخا وجود ملیتهای دیگر را انکار می کنند. زبانهای آنها نیز لهجه های مختلف از فارسی می دانند. با سلطنت طلبان و نیروهای همسوی آنها در این امر صحبتی نیست. چون در اساس فکر و نگرش آنها مفهوم عدالت اجتماعی، آزادی و انسان دوستی معنا و جایی ندارد. روی سخن با نیروهایی است که خود را چپ و دمکرات و یا جمهوریخواه می دانند و حداقل در حرف وجود ستم ملی در ایران را

خانواده ای خوشبخت است که همه اعضا خانواده در صلح و صفا و آرامش خاطر با هم زندگی کنند. زندگی در چنین محیطی پیوند آنها را کسست ناپذیر می سازد. خانواده به مثابه یک اجتماع کوچک اتحاد داوطلبانه و آگاهانه اعضا آن است. اگر بنا به عللی جنگ و جدال دائمی در روابط فی مابین حاکم باشد، سعادت و آرامش هر کدام در جدایی داوطلبانه خواهد بود.

ایران نیز به مثابه یک خانواده بزرگ است. در ایران ملیت های گوناگونی زندگی می کنند که در طی سالیان دراز زندگی مشترک پیوندهای بسیاری در عرصه های گوناگون یافته اند. بر فرهنگ و ادب و شیوه زندگی اجتماعی همدیگر تأثیرگذار بوده اند.

با به حکومت رسیدن رضاخان میرپنج بعنوان نماینده سیاسی ملت فارس در ایران تبلیغ و پیشبرد شوونیسم فارس جهت پیشبرد مقاصد سیاسی و اقتصادی قدرت های بزرگ مانند انگلستان در دستور کار قرار گرفت. در روند ایران به خانواده ای تبدیل شد که در آن حاکمیت، که از آن ملت فارس است، خود را برترین ملت ایران و قیم بقیه دانسته و ایران را ملک مایملک خود و بقیه ملتها را بدون حق و حقوق دانست. این سیاست در دوران حکومت جمهوری اسلامی نیز ادامه یافته است. در این حکومت جنبه مذهبی ستم ملی نیز افزوده شده است. آخوندهای ترکمن جهت برگزاری مراسم خود نیز آزاد نیستند و امام جمعه ها از سوی حکومت شیعه باید تأیید بگیرند. دین رسمی مذهب شیعه و زبان رسمی نیز زبان فارسی است.

ادامه از صفحه قبل

"حفظ تمامیت..."

جمهوری اسلامی مطرح می‌کردد تا از جانب خود جمهوری اسلامی. آنچنان بر طبل 'حفظ تمامیت ارضی' می‌کوبند که اگر احيانا در آینده حاکمیت از آن آنان گردد بایستی منتظر سرکوب و فجایع بیشتری بود. حفظ تمامیت ارضی ایران تابع پیش شرطهای دموکراتیک اولیه بسیاری است که در رأس آن برابری حقوق همه ملیتهای ساکن ایران در امور اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ایران است. اما امروز این شعار نه تابع آن شرایط دموکراتیک بلکه خود به اساس تبدیل شده است. وقتی که این شعار بدون توجه به واقعیات جامعه ایران و بدون پرداختن به آنها به اساس تبدیل گردد یعنی اینکه حفظ یکپارچگی ایران به قیمت سرکوب خونین ملت های معترض. بنا بر این دیدگاه طرح هر خواست، مطالبه هر حقوق اجتماعی، ملی و فرهنگی بوی جدایی طلبی خواهد داد و چون اصل 'حفظ خاک' است پس بایستی سرکوب شوند.

حال به تئوری برخی نیروهای چپ و دمکرات باور کنیم. به زبان ساده می‌گویند که الان قضیه را شلوغ نکنید. بگذارید ما حاکمیت دموکراتیک را در ایران تشکیل بدهیم بعدا مسئله ملی را خودمان حل خواهیم کرد. مذهبیبون نیز زمانی که علیه رژیم شاه مبارزه می‌کردن، در مقابله با خواستهای برحق ملت‌های کرد، ترکمن و بلوچ می‌گفتند که برادران عزیز تفرقه ایجاد نکنید! انقلابمان پیروز شود. وقتی هم که قدرت سیاسی را بدست گرفتند به بهانه نوضه استکبار جهانی علیه دولت نوپا و

انقلابی' و عدم تضعیف آن و سپس به بهانه جنک هشت ساله بین ایران و عراق به سرکوب خلقهای تحت ستم و انکار حقوق ملی آنان و بقول محقق آذربایجانی علیرضا اردبیلی (سردبیر نشریه تریبون) به قتل عام فرهنگی و مدنی جهت نابودی زبان و کلیه ثروتهای آنان ادامه داده و می‌دهد.

گیریم که شما نیز حاکمیت ملی دموکراتیک خودتان را تشکیل دادید. در تهران مقرهای حکومتی را مستقر ساختید. بعد میماند مسائل ملی ملتها. با آنها به مذاکره می‌نشینید. ممکن است برخا در بعضی موارد به توافقی‌هایی نرسید و اختلافهایی اساسی داشتید در آنجا چه خواهید کرد؟ وقتی که شما شعار 'حفظ تمامیت خاک' و 'قسم به خاک کل ایران' را اساس خود قرار دهید چاره و راه دیگری بغیر از سرکوب آن ملت تحت ستم نخواهید داشت. در اینجا سؤال دیگری مطرح میشود که آیا هدف شما، سازمانهای چپ، آزادی و سعادت انسانهاست و یا اینکه می‌گویید برخی ملت ها درک از آزادی و عدالت اجتماعی ندارند و از روی نادانی! برخی خواستها را مطالبه میکنند و میخواهید به شیوه ولایت فقیه با درک خودتان خوشبختی! را به آنها بدهید و خاک ایران را حفظ کنید. در اینصورت حاکمیت دموکراتیک مورد نظر شما از حفظ خاک مشروعیت و سرچشمه می‌گیرد نه از اصل آزادی انسانها.

در دنیای امروز شاهد همکاریهای منطقه ای و نزدیکی هرچه بیشتر کشورها هستیم. با توجه به وضعیت اقتصادی بین المللی این همکاریها اصولیت می‌یابد. در کشور ما ایران نیز هر منطقه ای خصوصیات ویژه و امکانات اقتصادی متفاوتی دارد و استفاده برابر حقوق از امکانات اقتصادی همدیگر به

رشد همه جانبه ایران یاری خواهد رساند. تنوع فرهنگی و زبانی در خدمت رشد و شکوفایی همگان بوده و تأثیر ادب و فرهنگ هر منطقه و برخورد سالم آنان به فرهنگ ایران را غنا خواهد بخشید. در این راستا منطقی است که تمامیت ارضی ایران داوطلبانه حفظ شود. مهم ایجاد آن شرایطی در کشور است که منجر به 'حفظ داوطلبانه' گردد. در اینصورت است که انسانها و استعدادها زمینه رشد و تکامل خواهند یافت و این عالیترین و انسانی ترین شکل خواهد بود که شاید کمتر کسی با آن مخالفت کند. اما وقتی که 'حفظ اجباری' در میان باشد، وقتی که سرزمینی با ملتش بمانند مستعمره ای رفتار شود دیگر باقی ماندن و 'حفظ کل ارض ایران' بی معنی خواهد بود.

در شرایط کنونی ایران حکومت مرکزی همه قدرت را در کل ایران قبضه کرده و ملت‌های تحت ستم هیچ گونه حق و حقوقی در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ندارند. با توجه به این شرایط اینکه ما، بعنوان یک ملت تحت ستم، بگوییم 'ایران یکپارچه خواهد ماند' بسیار بی معنی است. اصولا ما، یک ملت مشخص، نمیتوانیم تصمیم بگیریم که ایران یکپارچه خواهد ماند یا خیر. ما قیم دیگران نیستیم. ما بعنوان ملتی که هیچ حق و حقوقی ندارد نمیتوانیم مدافع این شعار باشیم. این شعار کسانی است که قدرت مرکزی را دارند و یا فکر می‌کنند که قدرت حاکمیت، به شکل موجود، به آنها خواهد رسید.

متراد

اقلیت های دینی و مسئله ملی

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مذهب تشیع مذهب رسمی کشور است. اولین اصل پیمال شدن حقوق اقلیت های مذهبی از این اصل قانون اساسی آغاز می گردد. در ایران اقلیت مذهبی به کسانی گفته می شوند که به ادیان غیر از اسلام اعتقاد دارند از جمله: کلیسی، آشوری، زرتشتی و ارمنی بزرگترین اقلیت دینی ایران ارمنه هستند. تعداد نمایندگان اقلیت های دینی مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران در مجلس فعلی ایران ۵ نفر است.

دین بهائیت از نظر جمهوری اسلامی "ظالمه و استعمار ساخته" شمرده می شود و کوچکترین حرکت بهائی ها رسماً با قساوت سرکوب می گردد. قتل و اعدام افراد بهائی امری است پذیرفته شده از طرف هر دو جناح حاکم. جناح خاتمی که نزدیکی تمدن ها را تبلیغ می کند اخیراً به درخواست و مراجعت برخی از بهائی های ایران برای فعالیت آزاده جرأت نکرده است پاسخ دهد. اخیراً اعضای هیئت پارلمانی انگلیس که با نمایندگان اقلیت های دینی دیدار و ملاقت کردند در کنفرانس مطبوعاتی خود در سفارت بریتانیا اعلام کردند که بهائیت بایستی در ایران به عنوان یک اقلیت دینی به رسمیت شناخته شود.

جناح راست حاکمیت سخنان وی را "پروپی انگلیسی ها" نامیدند و جناح اصلاح طلب نیز سکوت را ترجیح دادند. البته بایستی

فراپوش کرد که نماینده انگلیس در جای دیگر اعلام کرده است که بهائیان را مانعی در روابط انگلیس و ایران نمی شمارد.

این امر نشان می دهد که در سیاست های غرب منافع اقتصادی در اولویت قرار دارد و حمایت از کوچکترین تحول در جامعه ایران را بایستی در چهارچوب توجهات سیاست غرب در قبال ایران دانست. بیشترین انتقاد غربی ها از سیاست های ج.ا. در قبال اقلیت های مذهبی محدود است به مسیحیان ساکن ایران و پس از دستگیری کلیمی های ایران نیز نظر رسانه ها و سیاستگذاران به آنها نیز جلب شده و درباره سنی ها هیچگونه اعتراضی نمی شود.

سنی ها از نظر جمهوری اسلامی تحت عنوان "برادران اهل سنت" تا حدی قابل تحمل هستند که در چهارچوب نظام عمل کنند. جمهوری اسلامی برای پیشگیری از اعتراض اهل سنت ایران مدرسین مدارس مذهبی، امام جمعه و امام مساجد را از افراد "خودی" انتخاب میکنند. امام جمعه اهل سنت زاهدان مولوی عبدالحمید در اعتراض به این مسئله می گوید: "مدارس و مساجد اهل سنت باید از آزادی برخوردار باشند. سخنان مولوی که بصورت پراکنده در نشریات طرفدار خاتمی نیز انعکاس یافته بود نشان می دهد که اهل سنت در ایران خواستار کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی ایران از مدارس و امور مذهبی سنی هاست. هنوز مدارس مذهبی سنی ها در ایران قانونیت ندارد و از طرف جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نمی شود. امام جمعه زاهدان در اینباره حتی در خطبه های نماز جمعه میگوید:

"باید مدارس و مساجد اهل سنت از آزادی کامل قانونی برخوردار باشند و باید اصحاب مدارس در تعیین مدرس برای مدرسه خویش آزادی داشته باشند و مردم برای آن که چه کسی امامشان در نمازها باشد آزاد باشند." با وجود اینکه تزییقات مذهبی بخشی از فشارهای حاکمیت بر اقلیت های ملی است مسئله اقلیت های مذهبی ایران در مطبوعات و مجامع بین المللی بیشتر از مشکلات و مسائل امور اقلیت های ملی مطرح است. دستگیری یهودی ها به جرم جاسوسی در ایران باعث شده است که مسئله اقلیت های مذهبی در میان افکار عمومی جهان بیشتر از هر زمان دیگر طرح شود. طوری که جمهوری اسلامی به دست و پا افتاده و دست به اقدامات مقابله با این فشار زده است. یکی از این اقدامات ترتیب دادن نشست ها و گرد هم آبی تخصصی " بررسی حقوق بشر در قوه مجریه" است که یکی از موضوعات اصلی این گردهم آبی پیشبرد حقوق اقلیتهای مذهبی بوده است. در این گردهم آبی جمهوری اسلامی تلاش کرد که از نمایندگان اقلیتهای مذهبی مهر تأییدی مبنی بر آزادی فعالیت آنها بگیرد. نمایش دیگر جمهوری اسلامی برای مقابله با فشار افکار عمومی جهان ترتیب دادن دیدار و ملاقات نمایندگان اقلیت های دینی با مقامات غربی است. دیدار وگه استرومن، قائم مقام وزارت امور خارجه نروژ و هیات همراهش و همچنین ملاقات استین کریستینسن رئیس کمیته سیاست خارجی حزب سوسیال دموکرات دانمارک با نمایندگان اقلیت های دینی ایران در این راستاست.

آیا هزاره سوم پایان راه روزنامه ها در جهان است ؟

اینترنت رفته رفته در حال براندازی نظام مطبوعات نوشتاری است و با رشد روزافزون کاربرد آن در سطح جهان به نظر میرسد، سال دوهزار پایان راه رسانه های مکتوب در جهان باشد.

بر اساس این گزارش دوره انتشار روزنامه های چاپی دگرگون شده و امروزه روزنامه های پرتیراژ جهان شماره های خود را به صورت الکترونیک منتشر میکنند.

'مایکل کولدن' نایب رئیس روزنامه نیویورک تایمز آمریکا در این خصوص معتقد است که دیگر نمی توان استراتژی مجزا برای هر یک از مقولات رسانه های مکتوب، سمعی بصری و اینترنت بکار بست.

روش کار مطبوعات الکترونیک متفاوت از روزنامه های نوشتاری است. در روزنامه الکترونیک، ابتدا حجم انبوهی از اطلاعات داده می شود و بطور تنوریک دقیقاً مانند یک روزنامه مکتوب، اطلاعات تخصصی نیز در این نشریه الکترونیک یافت می شود. طرفداران نظریه کاربرد روزنامه الکترونیک تنوع زیاد مطالب در این نشریات را نسبت به مطبوعات مکتوب، از جمله امتیازهای آن بر می

شمردند.

به عبارت دیگر نود درصد خوانندگان روزنامه های الکترونیک دنبال اطلاعاتی هستند که آنها را در روزنامه های مکتوب پیدا نمی کنند. به این خوانندگان موضوعی، باید خوانندگان قومیتی و یا جغرافیایی را نیز افزود. اینترنت در واقع مرزهای جغرافیایی را میان خوانندگان یک نشریه در می نوردد و خوانندگان یک روزنامه الکترونیک در نقاط مختلف جهان می توانند با وارد شدن به سایت مخصوص آن در آن آگاه شوند. در حالی که روزنامه مکتوب تنها در نقاط بخصوصی از کره زمین توزیع می شود و در اختیار خوانندگان قرار می گیرد. همچنین قومیت های مختلف سایت های مخصوصی در اینترنت دارند که می توانند از طریق آن از اخبار مورد علاقه خود آگاه شوند.

دومین ماهیتی میان روزنامه های مکتوب و الکترونیک در این است که اطلاعات منتشر شده در روزنامه الکترونیک می تواند بطور دائم در دسترس قرار گیرند. در حالی که روزنامه های مکتوب به علت استهلاك

تدریجی کاغذ آنها اطلاعات مندرج در آنها غیر قابل استفاده میشود. به همین خاطر است که اصطلاحاً روزنامه الکترونیک را "رسانه سیال و پویا" نیز می نامند.

تفاوت دیگر این است که اینترنت بطور عمقی سمت و سوی خواندن مطالب را تغییر می دهد. به عنوان مثال در این روش مطالعه روزنامه براحتی می توان با استفاده از دستگاه رایانه به نکات و مطالب و یا تصاویر مهم و برجسته متن خبر دسترسی پیدا کرد.

مساله ای که در مورد روزنامه های الکترونیک بسیار مورد انتقاد صاحب نظران قرار گرفته، راهنمایی خوانندگان این نشریات است.

با همه این تفاسیر، آنجلو آکوستینی مدیر موسسه روزنامه نگاری بولونیا معتقد است: از این پس نمی توان به هیچ خبرنگاری تضمین داد که خواننده بی مطالب وی را بدون این که به سراغ منبع اطلاعاتی دیگری نرود، دنبال کند.

درباره خط ترکمنی

زبان پدیده ای است پیچیده و بغرنج که نقش اساسی در ایجاد تفاهم و آمیزش آحاد یک جامعه دارد. زبان وسیله انتقال فرهنگ، منطق و تفکر انسانی است. ایجاد شعور و خودآگاهی و تمدن انسانی بدون زبان غیر ممکن است. زبان پدیده اجتماعی و زنده ای است که تحول و تکامل می یابد و در روند تکاملی خود از مراحل گوناگون گذر می کند. محققین زبان و زبانشناسی متفق القولند که هر قدر زبانی ناقص تر و فقیرتر باشد به همان میزان فرهنگ و تفکر نازلتر و بی رنگ تر است.

با توجه به اهمیت بدیهی زبان در تکامل فرهنگ، تمدن و تفکر اجتماعی می خواهم در اینجا تأملی گذرا درباره موقعیت زبان و خط ترکمنی بکنم. اکنون زبان ترکمنی خاصه خط ترکمنی به مشکلات گسترده ای گرفتار شده است. از یک سو سیاست های عملی و حاکم بر ایران مانع از سیر آگاهانه و تکاملی زبان ترکمنی است. از سوی دیگر روشنفکران، محققین و علاقمندان زبان ترکمنی بویژه در خارج از کشور هر یک سازی برای خود می زنند.

هدف از نگارش این مطلب بحث و بررسی مشکلات و ارائه راه حل نیست، چرا که این مهم در حوزه امکانات و افراد متخصص قرار دارد. منظور نگارنده کوشش کردن دوباره برای جدی گرفتن زبان و خط ترکمنی و جلب توجه افراد آگاه برای چاره جویی های مشترک است.

یکی از مشکلات عمده زبان ترکمنی مسأله

خط است. خط و الفبای (ترکمنی) همان زبان نیست، در عین حال رابطه آن دو از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اکنون یکی از موانع جدی رشد زبان ترکمنی فقدان خط و الفبای معین و استاندارد است.

در جمهوری ترکمنستان وضع بطور محسوسی امیدوار کننده است. هر چند در آنجا نیز بعد از استقلال کشور ترکمنستان دو گونه الفبا وجود دارد، الفبای سیرلیک و خط لاتین. تصمیم دولتمداران و آکادمیسین های جمهوری ترکمنستان مبنی بر گذار از الفبای سیرلیک به لاتین تصمیم درست و آینده نگرانه ای بود. هرچند این گذار خالی از جنبه های منفی نیز نیست. بهرحال این روند در جمهوری ترکمنستان آغاز شده و بتدریج پیش می رود.

متأسفانه در میان ترکمن های ایران نوعی از 'ملوک الطوائفی' در رابطه با الفبا و خط ترکمنی حکمفرماست. خطی که در ترکمن صحرا متداول است بر الفبای عربی استوار است. این خط دارای یک سلسله معایب جدی است، مخصوصاً قادر نیست حروف صدادار ترکمنی را بدرستی نشان دهد. این به نوبه خود باعث هرج و مرج در تلفظ و درست خوانی و املاء کلمات می گردد. بی تردید این ناهنجاری در صرف و نحو دستوری نیز بی تأثیر نخواهد بود. ولی از سوی دیگر فرهنگ و ادبیات نوشتاری چندصد ساله ما با این الفبا نکاشته شده است. بعلاوه بعلت آموزش اجباری زبان فارسی که توسط همان الفبا صورت می گیرد

مردم انس و الفت بیشتری با آن دارند. در خارج از کشور تعدادی از روشنفکران ما برای خود الفبای لاتین را برگزیده اند و مقالات و آثار خود را به حروف لاتین می نگارند. شاید محاسن خط لاتین نسبت به الفبای عربی بیشتر باشد، بویژه اینکه خط لاتین در علائم سمبولیک علوم جاافتاده، تکنولوژی مدرن امروز نیز دارای همین نشانه ها و علائم خطی است. طبعاً این امر زمینه یادگیری دانش را در جریان تحصیل تسهیل می سازد. مضافاً ضعف الفبای لاتین با توجه به صداهای مخصوص زبان ترکمنی، نسبت به خط عربی کمتر به نظر می رسد. تجربه کشور ترکیه و موفقیت آنها در متحول ساختن زبان ترکی صحت این ادعاست.

با همه این تفاسیر، خطاست که یک یا چند نفری دور هم بنشینند و برای زبان ترکمنی الفبائی برگزینند، بدون آنکه به مجموعه شرایط حاکم و آینده زبان ترکمنی توجه نمایند. توسل به چنین روشهایی به آفرینش اغتشاشات بیشتر دامن خواهد زد. آنچه بدوش روشنفکران علاقمند و متعهد زبان ترکمنی قرار دارد، کاستن اغتشاش و تلاش برای دستیابی به یک الفبای مورد قبول عموم که بتواند زمینه های درست نویسی و درست کویی کلمات ترکمنی را فراهم سازد. این مهم با در نظر گرفتن شرائط، امکانات و حتی المقدور با هماهنگی نویسندگان و ادبا و فرهنگ

معرفی کتاب

نام کتاب :

سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی

مؤلف : دکتر جواد هیئت

انتشارات : نشر نو ، تهران

تاریخ انتشار : چاپ اول ۱۳۶۵

چاپ دوم ۱۳۶۶

تعداد : ۱۶۰۰ نسخه

کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی در ۴۱۷ صفحه شامل تقریظ، مقدمه، چهار بخش، ضامنم و تصاویر الحاقی است.

تقریظ کتاب به قلم ' استاد دانشمند آقای دکتر حمید نطقی' است. وی زحمات و شجاعت دکتر جواد هیئت را در تألیف این کتاب ارزشمند با توجه به 'دشواریهای ناشی از تازگی نسبی دانش تورکولوژی' و ' نبودن منابع لازم در دست پژوهشگر'، تحسین نموده است.

دکتر نطقی در این گفتار همچنین به تلاشهای گسترده ای که برای تحریف تاریخ و زبان ترک صورت گرفته اشاره وار می پردازد و شان می دهد که " آقای دکتر هیئت در چه سنگلاخ صعب العبوری راه سپرده است."

دکتر نطقی در مورد این کتاب می گوید "که این مجموعه هم زبان شناسی ترکی، هم سرگذشت بی پیرایه این زبان و هم جنکی جالب و سودمند است ... که شالوده این اثر چهل سال پیش هنگامی که آقای دکتر هیئت به

مطالعات تورکولوژیکی خود پرداخته، گذاشته شده است."

مقدمه

در ابتدای مقدمه دکتر هیئت می نویسد 'زبان ترکی زبان گفتار و کتابت بیش از یکصد و بیست میلیون مردم مسلمان آسیا و قسمتی از اروپا را تشکیل می دهد. (آمار رسمی سال ۱۹۷۰ میلادی) و یکی از زبانهای قدیمی شرق است و در حدود هزار و پانصد سال سابقه تاریخی دارد. مردمی که به لهجه ها و شیوه های مختلف ترکی صحبت می کنند از چین تا نزدیکی های اروپای مرکزی سکونت دارند و با آنکه قرنهایست در جامعه و کشورهای مختلفی زندگی می کنند معینا هنوز زبان خود را حفظ کرده و جز اقلیت کوچکی (ترکان یاقوت و چوواش) که در دوران ماقبل تاریخ از دیگران جدا شده اند بقیه می توانند زبان یکدیگر را کم و بیش بفهمند و از آثار ادبی یکدیگر با اندک اهتمامی استفاده کنند.'

دکتر هیئت در این مقدمه به دلایل و مسیر مهاجرت ترکان از آسیای مرکزی، از مناطق میان کوههای اورال و آلتای به دیگر نقاط اشاره نموده و امپراطوریه و حکومتهایی را که که توسط ترکان برپا شده و به ' ایجاد ملل جدید و تمدن و فرهنگهای جدید' انجامیده بر می شمرد.

وی از علاقه برخی از پادشاهان ترک به زبان فارسی سخن رانده و منجمه به سلطان محمود غزنوی که ترک زبان بوده اشاره کرده و میگوید ' شاهنامه که در زنده نگه داشتن فارسی مهمترین نقش تاریخی و ادبی را ایفاء نموده است' به دستور این پادشاه ترک از جانب حکیم طوس فردوسی ساخته و

پرداخته شده است.

در این مقدمه دکتر هیئت می گوید ' زبان ترکی از لحاظ قاعده و کرامر یکی از با قاعده ترین زبانهاست و از جهت افعال نیز شاید از غنی ترین زبانها باشد'. کتابهای بسیاری در زمینه زبان و ادبیات ترکی نوشته شده که به ' علل سیاسی و سیاست شوونیستی رژیم پهلوی ... در این مقوله سکوت یا نفی' شده است که در بخشهای مربوطه در کتاب با دلایل و مدارک به اثبات این ادعای خود می پردازد.

بخش نخست کتاب 'شامل کلیات درباره تاریخ زبان و لهجه های ترکی و تاریخ ترکی قدیم یعنی ترکی کتیبه های ینی سنی، اورخون و ایغوری است که از قرن پنجم - ششم تا دهم میلادی را شامل می شود.'

این بخش دارای دو قسمت ۱- منشاء زبان ترکی ۲- ساختمان و مورفولوژی زبان ترکی است.

بخش دوم کتاب ' درباره تاریخ ترکی میانه است که آثار ترکی خاقانی (قراخانیان)، خوارزم، آلتون اوردو و جغتایی را در بر میگیرد و از قرن ۱۱-۱۶ میلادی ادامه دارد.'

این بخش شامل سه قسمت ۱- ترکی قدیم ۲- ترکی میانه ۳- سیر تکاملی ترکی جغتایی و ویژگی های آن است.

بخش سوم کتاب ' شامل فصلهای زبان و ادبیات جغتایی در دوره اوزبکان، تاریخ بقیه در صفحه بعد

وقتی که پرستوها بر می گردند

بهار با شکوفه ها و سبزه ها سر میرسید ، به کوه و برزن زندگی دوباره بود . نسیم شمالش ، روح و روان را ، نوازش ملایمی می بخشید .

آنا چشم دوخته بود به لانه پرستویی که هر سال بر میکشت . آنرا سفید و تعمیرش کرده بود . دکرکون شدن آب وهوا و طبیعت او را سرزنده نمی کرد ، بلکه او را در غم و ماتم بیشتر فرو می برد . تنها یک چیز در دل آنا بود و آن دیدار و گفتگو با پرستوی بهاریش بود .

می بایست از سفر باز می گشت . بهار هر سال منتظر میشد . سالها بود که آشیانه اش را ترک کرده بود . آیا او را طوری شده بود ؟ به کدامین گرمسیر ممکن بود رفته باشد ؟ نکند او ره کم کرده باشد ؟

همواره در راز و نیاز نمازش او را دعا می کرد . آنا به غیر از وقت بهار که پرستوها راه سفر می بستند ، قناریش را به اطاق خوابش آورده بود تا او را به یاد پرستویش نظاره کند . به یکباره از وجود قفس دل آزرده شده و آنرا در هوای آزاد پرواز داد تا شاید از پرستوی سینه قرمزش پیامی آورد .

پرستوها همراه بهار بر می گشتند ، پرستوی سینه سفید و نوک طلایی نغمه خوان در لانه خویش جا گرفت . لبخند معنی داری بر لبان آنا غنچه بست ، که شاید پیامی ! به یکباره چشمانش از امید برق زده و غرق در اشک گردید .

آنا وسائل خوابش را به اطاق پذیرایی آورده

بود که درست در مقابل لانه پرستویش بخوابد و بی وقفه آنرا بنکرد .

پرستوی سینه سفید نوک طلایی انکار حال آنا را درک می کرد ؛ عادتش بود که خود را در لانه اش کاملاً جابجا کرده و سرش را بر لبه آن تکیه داده و نگاهش را درست به نگاههای او می دوخت . گویا معنای حرفهای آنا را می فهمید .

آنا نگاهش را به او دوخته و باور داشت که حرفهایش را دارد می فهمد .

تو پرستوی من را ندیدی ؟

در آن سفر ؛ در آن سفر دور و دراز ؟

در آن گرمسیر ؟

نکند به باتلاقی بوده باشد او ؟

عین تو بود . ناز و دوست داشتنی ، البته کمی با تو فرق داشت ، سینه اش قرمز بود ، پر از درد و خون ، قلبش می رنجید ، از این رو خون دل را به سینه کشیده بود . کاکل به سر بود و نوک سفید . زیبا می خواند ، هرچه در توان داشت می خواند . بدخواهان از اینرو او را سنک زدند . او پرواز کرد ، به سفر دور و درازی رفت که شاید پرستویی به دیاری دیگر بود ، که چشم می دوخت به بهاری ، در دیاری دیگر .

اشک در چشمان آنا تصویر را مخدوش می کرد . چشمانش را تنگ می کرد تا تصویر را درست ببیند . ماهیچه های چشم آنا چنان خسته می شد که پرستو و لانه اش را در یک نقطه دور و دراز و سیاهی می دید که بعضی وقتها نقطه سفیدی با حرکتها و

جابجایی پرستو ، امتداد نگاههای آنا را همراهی میکرد ، در این حال بود که آنا به خواب می رفت .

ایوب کرکزی

معرفی ...

ترکی اوغوز و زبان یا لهجه های منشعب از آن یعنی ترکی ترکیه ، ترکی آذربایجانی ، ترکی ترکمنی که به ترکی غربی معروف است و از قرن ۱۳ تا زمان حاضر ادامه داشته است .

بخش چهارم کتاب ' به تقسیم بندی زبان و لهجه های زنده امروز و ویژگی های آنها اختصاص داده شده است .

ضمیمه کتاب شامل ۱- درباره نام و موقعیت زبان ترکی آذربایجان ۲- کتابهای ترکی آذری بعد از انقلاب ۳- کتابهای ترکمنی است .

در انتهای کتاب نیز کتابنامه آورده شده است .

دکتر جواد هیئت ضمن بررسی تاریخی سیر تکامل زبانهای ترکی ، شرح مختصری از شعرا و نویسندگان دوره های مختلف داده و نمونه هایی از آثار آنان را جهت درک ویژگیها و خصوصیات هر لهجه و سبک آورده است .

این کتاب تحقیقی دکتر هیئت از آثار بسیار ارزشمند درباره زبان و ادبیات ترک است .

توضیحات وزیر کشور درباره سرکوب کردهای ایران

سرکوب کردهای ایران اخیراً در مجلس ایران طرح شده و در مطبوعات ایران نیز انعکاس یافته است.

نماینده سنندج و دیواندره و کامیاران باشجاعت از وزیر کشور آقای موسوی لاری درباره سرکوب تظاهرات مردم سنندج توسط نیروهای انتظامی مستقر در کردستان توضیح می خواهد:

مردم بی گناه و بی تقصیر این منطقه به صحنه آمدند و در چهارچوب منافع ملی تجمع کردند و شعار دادند. نیروهای نظامی و انتظامی به یکباره رودرروی مردم قرار گرفتند و آنان تاوان سنگینی پرداختند و داغدار شدند. وزرات کشور به تذکرات قبلی من پاسخ نداده و به همین دلیل مجبور شدم مطالبم را در صحن مجلس مطرح کنم. موسوی لاری در پاسخ خود تلاش کرد مسئله را بی اهمیت جلوه داده و با کلی کوئی آن را ماست مالی کند:

بعد از دستگیری اوجالان یک نوع عاطفه قومی بوجود آمد و مردم در برخی شهرستانها در مخالفت با این مسئله تظاهرات کردند. ما متوجه شدیم دست هائی می خواهند این مسئله را

تبدیل به مسئله مردم ما و ایران کنند. وی تاکید داشت که بیان احساسات در چهارچوب مقررات برای همه آزاد است. تهران، شیراز، اصفهان و سنندج و ارومیه فرق نمی کند. همه اینها زیر چتر نظام جمهوری اسلامی هستند اگر حضور آنها در چهارچوب قانون

باشد... سه تا چهار هزار نفر در آن تجمع غیر قانونی سنندج حضور داشتند و از همان لحظات اولیه معلوم بود آنچه مسئولان حدس می زدند، درست است. افرادی که در جریان این تظاهرات دستگیری شدند از عوامل حزب منحلۀ دموکرات و کومله بودند که به اموال مردم آسیب رساندند، اماکن عمومی را آتش زدند و اقدام به تیراندازی کردند و انصافاً نیروهای اطلاعاتی و انتظامی خویشتنداری کردند.

وی با طرح این موضوع که دست های ناپاک و مرموز در این جریان نقش داشتند و دوستان خودی هم ندانسته به دام افتادند می گوید:

بنا بر این بنده اعتقاد دارم مردم کرد بخصوص مردم انقلابی سنندج باید مسأله خود را از چند آشوب طلب جدا می کردند. نماینده سنندج با شجاعت به مخالفت با او پرداخته و می گوید: هر جا کم می آوریم، می گوئیم مردم احساساتی هستند و عقلشان را از دست داده اند.

آیا همه سه هزار نفری که آمدند، ضد انقلاب بودند؟ وی از وزیر کشور می پرسد: دست های مرموز چه کسانی هستند که همیشه مردم کردستان با این چماق چوب خورده اند. سؤال من اینست که پس نقش مدیریت هدایت کننده این جریان کجاست؟

اما وزیر کشور همچنان حرفهای خود را تکرار کرده و می گوید: ظاهراً بنده و آقای ادب خیلی اختلاف نظر در یک نکته نداریم و این اینکه مردم مسلمان کرد ایرانی، خود را جزئی از مجموعه این نظام می دانند اما اختلاف در سر این است که اظهارات بنده بر اساس اطلاعات است نه مسائل ذهنی. دقیقاً آنچه ادب به عنوان عملکرد مردم سنندج بیان می کند، بنده می گویم مردم نبودند عواملی که به ساختمان ها و اماکن عمومی حمله کردند و دستگیر شدند از کشورهای مجاور و برای اقدامات خصمانه آمده بودند. موسوی لاری اعلام کرد:

هم برای بنده و هم برای مدیران اطلاعاتی کشور، عوامل تحریک کننده کاملاً شناسائی شده اند که به موقع به این مسأله رسیدگی خواهد شد. نماینده سنندج پاسخ های وزیر کشور به سئوالش را قانع کننده ندانست و پرسش وی برای بررسی بیشتر به کمیسیون نظارتی اصول ۸۸ و ۹ قانون اساسی مجلس ارجاع شد.

فرش ترکمن ؛ از "ایشان قیزی" تا "گلناز"

کویند روزگاری ترکمن ها بیست و چهار طایفه بودند و در کرانه جیحون سکونت داشتند. یکی از این طایفه ها که "قالق" نام داشت ، گرفتار تباهی و فساد و موجب برانگیختن خشم همسایگان شد که همسایگان تصمیم گرفتند نابودشان کنند. ابتدا "قالق" ها را کشتند و سپس هر کسی را که کلاه پوستی بر سر داشت از بین می بردند که نسل ترکمن ها در معرض نابودی کامل قرار گرفت و چون چنین شد، ریش سفیدان قوم برای بقای نسل ترکمن با مشورت هم صندوقی ساختند و دو دختر و سه پسر را همراه آب و آذوقه در آن نهادند و بر جیحون رها کردند تا هر جا که در امان باشند از صندوق بیرون آیند و نسل ترکمن را از انقراض نجات دهند. صندوق چند شبانه روز بر روی آب می

رفت آنگاه که سیمرخ آن را از آب گرفت و بر کرانه نهاد. کرانه همه باتلاق ، نیزار و جایگاه خوکان بود.

سرنشینان صندوق مدتی در لانه خود زندگی کردند و از علف و ریشه گیاهان خوردند تا اینکه از ایشان فرزندی پدید آمد و بر جمعیت شان افزوده شد و بدین ترتیب نسل ترکمن و آداب و رسوم آنها از نابودی نجات یافت .

سالها بعد یکی از دختران که "ایشان قیزی" (دختر روحانی) نام داشت و با سواد بود، گفت : اکنون زمان آن رسیده است که به سرزمین اجدادی خود باز گردیم.

در بازگشت ازبکها از آنان استقبال کردند و آنها بار دیگر در سرزمین نیاکان خود اقامت گزیدند. پس از مدتی "ایشان قیزی" به قوم خود پیشنهاد کرد آنچه را که بر آنها گذشته است

بر پوست آهویی بنویسند تا آیندگان از احوالشان با خبر شوند. اما دیری نگذشت که پوست آهو از بین رفت . بنابراین این تصمیم گرفتند آن را بر روی سنگ بنویسند اما سنگ را آب باران شست .

سرانجام "ایشان قیزی" بر آن شد داستان را بر قالی نقش کند و چنین شد که نخستین فرش ترکمن بافته شد. قطعه ای از فرش ترکمنی که از زیر یخهای "پازیریک" سیبری کشف شد، قدمت قالی ترکمن را به دوران قبل از میلاد مسیح می رساند.

قالیبافی در میان ترکمنها اصولا هنر و کاری زنانه است . هوشنگ پورکریم در مجله هنر و مردم با اشاره به این مساله می نویسد: همه کارهای پالودن پشم گوسفند و رنگ کردن و نخ ریسی را زنان کهنسال ترکمنی بر عهده دارند.

بقیه در صفحه بعد

اما قالی را زنان جوان ترکمن که چشمانی تیزبین و انگشتانی باریک و سریع و سلیقه ای بسیار خوب دارند ، خوب می بافند . دکتر منصور گرگانی در مورد نقشها و طرحهایی که بین ترکمن ها رواج دارند و بوسیله زنان بافته می شود، در کتاب " اقتصاد گرگان و گنبد و دشت " اینطور می نویسد: نقشهای قالی ترکمن " تکه " " ارساری " " ماری گل " و ... است که به بیش از ۱۰۰ نوع میرسد .

اگر روی هر یک از این نقوش قدری تامل کنیم و تفکر، متوجه می شویم هر کدام با زبان بی زبانی بیانگر گوشه ای از تاریخ ، امیال و آرزوهای قوم ترکمن است که در قالب نقشها جلوه گر شده است و پیوند معنوی و روحی با نسل ترکمن دارد .

امروزه قالی ترکمن با آن همه سال قدمت ، تنوع و رنگ و نقش ، به علت مناسبات غلط حاکم بر سیستم بازار فرش دچار بحران شده است . بحرانی که آنرا از صدور و تحصیل ارز باز میدارد و موجب افول کوبک بخت فرش ترکمنی شده است .

عبدالحمید پوری مدیر عامل تعاونی فرش دستباف آق قلا و کارشناس فرش ترکمن میگوید: راه رهایی فرش ترکمن از بن بست ، در این چند کار است .

پرورش کرم ابریشم و نوغان داری و توسعه صنایع وابسته به آن ، کشت گیاهان رنگزا بویژه " روناس " ، آموزشهای لازم برای رنگرزان منطقه با رنگهای طبیعی و شیمیایی ، آموزش بافندگان بر اساس شیوه های استاندارد و تهیه نقشه قالی ، تبدیل واحدهای اندازه گیری بومی، محلی ابعاد قالی بر واحدهای متریک ، تنوع بخشیدن به اشکال قالیها بمنظور انطباق بیشتر آنها با اشکال اتاق ها و یا زیبایی بیشتر دکوراسیون ، ایجاد شرکتهای تعاونی فرش دستباف و رنگرزان ، انتخاب افراد لایق و کاردان برای مدیریت شرکتهای ایجاد موزه فرش در منطقه ، تهیه طرحهای قدیمی و بازدید کارشناسان فرش از موزه های فرش خارج از کشور بستگی به همت و اراده مسوولان و دست اندرکاران دارد که چه کنند .

استان گلستان با بیش از ۱۵۰ هزار بافنده (که عمدتاً زنان ترکمن هستند) یکی از بزرگترین مناطق تولید فرش در کشور است. هنر و صنعت فرش شاید تنها حرفه ای باشد که مشاغل جنبی فراوانی دارد. با تولید یک قطعه فرش سنتی ، کشاورز ، دامدار، پشم ریس ، نخ تاب ، طراح ، رنگرز، پرداخت کن ، رفو کن ، فرش فروش ، صادرکننده و ... همراه قالبباف و نزدیکان او به کار مشغول میشود و از این راه ارتزاق می نماید و با رکود این صنعت همه آنان بیکار میشوند .

رجب عمادالدین یکی دیگر از کارشناسان فرش ترکمن عمده ترین علل بحران فرش ترکمن را وجود واسطه های طماع میداند و میگوید: دلان سودجو برای پر کردن جیبهای خود کودکان و نوجوانان را در محلهای غیر بهداشتی و کم نور و مرطوب بکار میکشند و با روشهای غلط تولید (بی گره بافی و جفتی بافی) آنها را وادار به تولید میکنند و این کار را رواج میدهند و رنگهای شیمیایی را جانشین رنگهای سنتی

میکنند و با صدور آن به خارج از کشور حیثیت قالی ترکمن را لکه دار می نمایند. کلناز شادکام قالیباف نمونه بندرترکمن در این مورد گفت: واسطه ها تنها به فکر منافع خودشان هستند. آنها با شیوه های مخصوص خود قالیهای ما را به قیمت بسیار ارزان میخرند. در مرز زاهدان و پاکستان با قیمت های گران به خارجی ها می فروشند. اینجا واسطه های بازاری دست به یکی کرده اند و علیه بافنده ها ایستاده اند و حاصل خلاقیت و رنج ما را به یغما می برند. اگر سری به مطب پزشکان و درمانگاهها بزنید صف طویل دختران و زنان رنگ پریده ترکمن را با چشمانی گود رفته و کم سو مشاهده خواهید کرد که به علت کار زیاد روی دار قالی، بینایی و توان جسمی خود را از دست داده اند و در مقابل پول اندکی برای معاش و رهایی خانواده از مشکلات فراوان عایدشان می شود. قربان تاج پوری طراح و محقق نمونه فرش ترکمن میگوید:

تعاونی های فرش دستباف می توانند با تهیه توزیع نخ مرغوب با قیمت های مناسب و خرید قالی قالیبافان ضمن حذف واسطه ها و دلان، آنها را در ادامه کارشان تشویق کنند. برگزاری اردوهای آموزشی، بیمه کردن مربیان و قالیبافان، چاپ و توزیع کتابهای قالی، تهیه نقشه های تلفیقی جدید و گسترش دارهای عمودی برای رهایی از بحران و ساماندهی کیفی به وضعیت فرش ترکمن بسیار موثر است.

آری، مردم این دیار در حال حاضر از هنر فرش دور، و از فرش هنری، غریب شده است و غریبی فرش ترکمن تا کی ادامه خواهد یافت؟ هنر آفرینان فرش را چه حمایتی باید؟ زنان و دخترانی که دست و ذهنشان با تار و پود و رنگ فرش عجین است آماده حرکتند، مسوولان چطور؟

ادامه از صفحه ۱۱

اقلیت های دینی...

اخیراً حتی به منظور به اصطلاح تجلیل از شهدای اقلیت های مذهبی در جنگ جایگاه ویژه ای در آرامگاه خمینی برای خانواده های اقلیت های دینی در نظر گرفته شده است. در صدمین سالگرد خمینی جمهوری اسلامی پنج هزار نفر از اقلیت های مذهبی به نمایندگی کلیبی ها، آشوری ها، زرتشتی ها و ارمنی ها را از شهرهای شیراز، یزد، اصفهان، اراک، سلماس و اهواز به تهران آورد تا نشان دهد که در سایه جمهوری اسلامی همه مذاهب از آزادی کامل برخوردارند. سرکوب اقلیت های مذهبی در کشور "تک مذهبی" ایران همانند سرکوب احزاب در کشور تک حزبی است. بنابراین آزادی مذاهب در ایران همچون آزادی احزاب در کشور است و جزو لاینفک آزادی در جامعه بشمار می آید. دستیابی به خواست های مذهبی در ایران بخشی از دستیابی خواستهای ملی است و از این نقطه نظر خواست های مذهبی جزو خواست های دموکراتیک محسوب می شود و بایستی نه تنها این خواست ها را طرح کرد، بلکه بخشی از برنامه ها و خواستهای دموکراتیک خود قرار داد.

طاهیر

بندر ترکمن - ناز محمد پقه

گرفته شده از روزنامه صبح

ایران. دوم آذرماه ۱۳۷۸

نبردهای آق قلعه

مقاله ای که اینک از نظر خوانندگان محترم میگذرد، پیرامون وقایع آق قلعه در اواسط سال ۱۲۰۰ هجری قمری میباشد. این وقایع شرح نبردهایی است که در زمان پادشاهی فتح علی شاه، هنگامیکه یکی از پسرانش بنام محمد قلی که در آن زمان حکومت استرآباد (کرکان) را بعهده داشته بوقوع پیوسته است.

جریان این وقایع توسط مصطفی قلی خان که خود فرمانده دژ آق قلعه در این نبردها بوده است به رشته تحریر در آمده است. نگارنده این مقاله را با استفاده از آرشیو اسناد تاریخی بخش خاورشناسی کتابخانه سلطنتی تهیه کرده است. سند در شانزده صفحه بطول بیست و یک و نیم سانتیمتر و در دوپست و یک سطر نوشته شده است. در حقیقت این نوع نوشته ها نوعی گزارش روزنامه ای در آن روزگار بشمار میرفت. هر چند او در این گزارش بمشابه یک مامور دولتی حوادث را از دیدگاه خود شرح میدهد، ولی بررسی دقیق آن حوادث مهم انجام شده در بخشی از ترکمن صحرا را از نقطه نظر نظامی و اجتماعی آشکار می سازد.

همچنین موضوعی که اهمیت این گزارش را افزون میکند این است که در هیچ یک از تواریخ دوره قاجار ذکری از این وقایع بیان نیامده و این به نظر مبهم و شاید شکفت آور باشد زیرا هنگامیکه جزئیات وقایع ساده نیز در تواریخ قاجار تشریح میشوند چرا از چنین واقعه بس مهم سخنی به میان نیامده است.

رهبر طرف دیگر نبرد شخصی بنام بابا شجاع الدین معروف به "ایشان" از ترکمنان طایفه یلقلی است. ایشان اسم خاص نیست بلکه نامی است که ترکمنها به پیشوایان مذهبی و دینی خود میدادند. ترکمنها به رهبران مذهبی خود احترام زیادی قائل هستند و برای اینکه هر چه بیشتر ادای احترام نمایند نام او را ذکر نمی کنند بلکه او را "ایشان" یا حضرت "ایشان" میخوانند.

در تاریخ دوره قاجار، قبل از سال ۱۲۵۷ هجری از چنین شخصی سخنی بیان نیامده است و فقط در این سال است که گفته شده شخصی از سلسله نقشبندیه دعوی تصوف و کرامت نموده و تعداد زیادی از ترکمنان یسوت و کوکلان به او گرویده بودند.

نبردهای اق قلعه

این شخص که مسبب ایجاد اغتشاش در نواحی استرآباد گردیده بود عاقبت بوسیله اردشیر میرزا سرکوب و ستواری کردید. و در منتظم ناصری برای وقایع سال ۱۲۵۷ هجری قمری چنین آمده است "... هم در این سال مختوم قلی خان ترکمان بیکی از نقشبنديه دعوی تصوف و کرامت میکرد و به زبان ترکی ترکمانی مناجات و اشعار بنظم در می آورد. جمعی از ترکمانان کولان و بیوت به او گرویده او را ایشان خواندند و پیرو و مرید در نواحی استرآباد به اغتشاش پرداختند. (۱)

اما نام ایشان که در این گزارش نامه ای آمده است نیز از آن کسی است که در بالا ذکر کردید. نبردهایی که در این گزارش تشریح گردیده نیز از وقایع حوادثی است که در هنگام پادشاهی محمد قلی و زمانهای بعد از او در استرآباد و حومه اق قلعه بوقوع پیوسته است. زیرا:

۱- محمد قلی این شاهزاده تا سال ۱۲۲۹ هجری قمری حکمران مازندران و استرآباد بوده و بعد به پایتخت و سپس به همدان حریمت کرده است. بعد از فوت فتح علی شاه و به سلطنت

رسیدن محمد شاه کویا این شاهزاده مورد بی مهری فرار گرفته به همدان عزیمت نموده و در آنجا میزیسته است زیرا در وقایع سال ۱۲۵۲ هجری قمری آمده است "... که در این سال محمد قلی میرزا ملک آرا بتوقف همدان مأمور گردید... (۲)

۲- نام محمد قلی و یا نیرزای ملک آرا که بعنوان حکمران مازندران مکرر در این گزارش نامه ای آورده شده است و حتی در مواردی خود او مستقیماً در نبرد شرکت داشته است. پس با قاطعیت میتوان اظهار کرد که این نبردها قبل از سال ۱۲۲۹ هجری قمری بوقوع پیوسته است.

۲- در متن گزارش روزنامه ای از باستان ها (۳) یا برجهایی سخن بیان آمده که در اطراف قلعه وجود داشته و مصطفی قلی خان فرمانده قلعه، دستور تعمیر آن را داده است. سالهای بعد از آن نیز این برجها وجود داشته کنالینکه در سال ۱۲۶۲ که اق قلعه بدست حسام السلطنه فتح میشود. در ناسخ النواریخ چنین آمده است: و این قلعه چنان محکم است که بر فرار دیوار آن دو فراده سوپ با هم نمیتوان سور داد. (۴)

ولی کویا در زمان ناسرالدریس... برجهای قلعه اق قلعه ویران شده و از بین رفته است زیرا در کتاب مازندران و استرآباد چنین آمده است "... در انتهای ست شمالی آن در کنار کرکان رود ویرانه های حصار اق قلعه واقع است که از میان آن عبور نموده به پل کرکان که چهار طاق داشت رسیدیم. بنابراین اظهار محله اق قلعه در زمان قابوس به اسپه دژ معروف بوده که ترکمن ها آن را به اق قلعه ترجمه کرده اند. برج آن در زمان ناسرالدریس شاه ساخته شده بود تا دشت ترکمن را از آنجا دیده بانی کنند. ولی سربازانی که مأمور آنجا می شدند در واقع زندانیانی در میان چهارچوب دیوار قلعه بودند و با آنکه شهر را از دور می دیدند، نمی توانستند ارتباط خود را با شهر استرآباد حفظ نمایند. (۵)

اگر نوشته این کتاب را که متکی بر اظهارات مردم میباشد صحیح بدانیم باز بخوبی روشن میگردد که وقایعی که در این گزارش روزنامه ای بیان شده است در سالهای قبل از سلطنت ناسرالدریس شاه اتفاق افتاده است زیرا از طبعی خط ناسرالدریس شاه که در

نبردهای آق قلعه

پشت این گزارش وجود دارد حدوث این واقعه را در گذشته نشان میدهد و از سوی دیگر بر طبق گفتار اهالی ، فقط اشاره به يك برج در زمان ناصرالدین شاه در آق قلعه شده در حالیکه در این گزارش از تعدادی برج سخن میرود ، در نتیجه میتوان اظهار داشت که برجهای آق قلعه که در زمان پادشاهی محمد شاه و قبل از آن وجود داشته و از آن صحبت شده است تا زمان ناصرالدین شاه ویران شده و از بین رفته است و در این هنگام فقط يك برج مجددا بر روی بنای این قلعه ساخته اند تا بتوانند دشت ترکمن را دیده بانی نمایند.

با توجه به این موارد است که باید گفته شود نبردهای آق قلعه که در این گزارش روزنامه ای بیان شده تا کنون در هیچیک از تواریخ ثبت و ضبط نکرده و از این نظر دارای اهمیت بسیار است زیرا واقعه ای از تاریخ کشورمان و ملت ترکمن که امکان داشت دستخوش نابودی و فراموشی شود، آشکار میگردد.

وقایع اتفاقیه آق قلعه و کیفیت آمدن ایشان با اجماع طوایف یموت از این قرار است . با چاپاری که در اواسط ماه صفر روانه بود معروض داشت که روز هفتم شهر مزبور از استرآباد به عزم آق قلعه روانه ، چون آب قراسو طغیان داشت و عبور ممکن نبود در کنار رودخانه نزدیکی سیاه بالا اردو زده توقف نمود در آن بین خبر رسید که شخص افغانی از سمت دریا به حسن قلی آمده ادعای بعضی کرامات بی جا کرده ترکمانان یموت به دور او جمع شده او را به اترك آورده اسباب کرده اند که با اجماع و شورش به دور آق قلعه بیایند، فوج لاریجانی هم آق قلعه را خالی کرده بودند ناچار نور محمد خان سرهنگ را با سیصد نفر سرباز با ناو از رودخانه گذرانده با عالیجاه آدینه خان به آق قلعه فرستاد.

خود در کنار قراسو معطل بود تا آب قدری کم شد چون خبر اجماع یموت و حرکت ایشان افغان روز به روز به تواتر میرسید مراتب را به خدمت سرکار نواب والاملك آرا معروض و استدعا کرد که عمله و چوب بفرستند که زود پیل بسته شود. تا روز دوازدهم

عمله رسید دو روز خود فدوی سرکاری کرده به هر نوع بود پیل را بسته روز چهاردهم صفر قورخانه و بند را از رودخانه گذرانده تا عصر به آق قلعه آمد.

صبح روز چهاردهم سرکار نواب والا از استرآباد به اردو تشریف آورده بود از کوچیدن اردو بقدر يك میدان هم با فوج تشریف آوردند چون بقدر نیم فرسخ صحرا را آب گرفته بود در اکثر جاها تکتلوی (۶) اسب را آب میگرفت. دیگر تشریف آوردن ایشان جز زحمت فایده نداشت . مراجعت فرموده قرار فرمودند محض ورود به شهر دویست نفر پیاده و صد نفر سوار استرآبادی که بلذیت داشته باشند با قورخانه و آذوقه و سایر ملزومات بفرستند.

بعد از ورود به آق قلعه برج و باره و خندق و قلعه را با توپ و قورخانه و غیره ملاحظه نموده بسیار تعجب نموده که مامورین و سخاوری و ساخلوری کرده اند حالت آق قلعه از این قرار است . حالت برج و باره و خندق قلعه این است که آنچه در این مدت ساخته اند اولاً همه را بی قاعده و بی مصرف بوده است . ثانياً

نبردهای آق قلعه

هسکی خراب شده است . آن خرابه ارک قدیم معقول جانی بود اینکه تازه ساخته اند استحکام او را هم ضایع کرده طوری است که از برای دشمن بیشتر بکار میخورد. چنانچه امینی مامور و حقیقت را معلوم کرده معروض دارد حاصل عمل سه ساله معلوم می شود. خلاصه در این مدت جانی که یک نفر بتواند سنگر کرده و تفنگ بیندازد نساخته بودند. هر مامور و ساخلوی بوده در میان قلعه کومه و کپر ساخته می نشسته اند. خدا گواه است که یک مرقل نداشتند. فدوی ناچار در چهار گوشه قلعه چهار باستیان بنا گذاشته بهرطور بود شب و روز کار کرده تا روز نوزدهم تمام کرده بهر باستیان یک عراده توپ گذاشته سنگر معتبری از برای توپچی در بالای باستیان ساخته ، چهار پنج مرقل به جهت انداختن توپ گذاشته دور قلعه را چون دیوار قلعه اکثر خراب و پیاده میتواند داخل قلعه شود خاکریز خندق را تعمیر کرد که عبور نتوانند.

عمل توپخانه پنج عراده توپ در آق قلعه هست سه عراده آن قنداقش شکسته بزمین افتاده بود ، دو عراده دیگر را در جای گذاشته بودند که ابتدا بکار مدافعه نمی خورد. از برای ساختن قنداق و آتشخانه و سایر اسباب چوب قنداق و اسباب بدرقه به هیچ وجه در قورخانه نبود. خبر آمدن ایشان هم متواتر میرسید. خلاصه خداوند عالم است که شبها را نخواستند سرریز را نگذاشته ام آرام بگیرند تا باستیان و سنگر ساخته اند چقماق و فوج را با نجار و آهنگری که در میان سرریز بوده است نشانده بهر طور بود قنداق دو عراده توپ بوصولی بقول ترکها جلقاق کرده بهر باستیان یک عراده توپ گذاشت .

عمل قورخانه جزئی قورخانه که در آق قلعه بود همه را رطوبت کشیده مثل خمیر بود، همه بهمه پنج هزارو پانصد دانه فشنگ و چاشنی موجود بود صورت بازدید قورخانه را خدمت سرکار نواب والا فرستاد لکن خود آرام نگرفته باروت رطوبت دار را به آفتاب داده باروت منجمد شده را از نو کوفته کیسه ها را از نو بسته تا روز نوزدهم از برای هر توپ پنجاه شصت تیر کلوله و ساچمه بسته موجود نمود. در باب آذوقه چون بعد از آمدن فوج

فدوی از رامیان و فندرسک به استرآباد سه روز متوالی باران می آمد بعد از قطع باران دیگر مجال ندادند که در استرآباد توقف نموده تهیه آذوقه شود همان روز که جیره فوج را دادند همانروز کوچاندند. هشت روز هم در سیاه بالا معطل شد خدا گواه است که آذوقه سه روزه نداشتند.

روز نوزدهم صفر خیر رسید که ایشان با سوار قراچچی اترکی و جودبای و چاروا از اترک حرکت کرده به اوبه یلقی که یک فرسخی آق قلعه است آمدند. مراتب را به سرکار نواب والا معروض داشت که بزودی قورخانه و آذوقه و تفنگچی بفرستند. در این هنگامه از استرآبادی سوای یک نفر حسینقلی خان فوجردی و پسرش که نواب والا فرستاده بود فدوی در آق قلعه نگاهداشت . احدی در آق قلعه نبود خلاصه سرکار والا در جواب عریضه فدوی مرقوم داشته بودند امروز که نوزدهم است خواستیم بیانیم باران آمد استخاره کردیم بد آمد فردا خواهیم آمد و ملزومات را خواهیم آورد غرض این است که از برای روز محاصره جنگ چیزی نرسید.

نبردهای آق قلعه

صبح روز اربعین ایشان با سوار و پیاده یسوت به دور آق قلعه آمد تا نزدیکی ظهر تیپ آراسی کرده در اطراف قلعه تفنگچی و شخالچی و سوار گذاشت. قریب ظهر ایشان با تیپ بزرگ که سه چهار هزار سوار و سه بیدق داشت یک مرتبه حرکت کرده به قلعه هجوم آوردند. همینکه به نزدیکی قلعه رسیدند فدوی گفت شیپور کشیده از باستان ها و سنکرها یکمرتبه شلیک کردند. جمعی از آنها کشته و بقیه هسکی متفرق شدند. پنج نفر پیش ایشان نماند. دو مرتبه بیدق دار را زده بیدق افتاد. باز ایشان خود بیدق را گرفته بدست دیگری داد تا پای خود ایشان هم زخمدار شد. چون کلوله سربازی بود منزل قدری دور بود او را نینداخت فرار کرده در پشت دیوار خرابه به شهر آق قلعه پیاده شده زخمش را بست و قریب دو ساعت معطل شد که سوار متفرق شده را جمع نماید. از هر طرف همه سوار پنجاه سوار جمع شدند نزد او بیایند. با یک کلوله توپ آنها را متفرق و پریشان ساخته مجال جمع آوری به آنها نداد.

شمخالچی و تفنگچی هم که در اطراف قلعه بودند چون در دور قلعه خراب شهر قدیم و سنکرهاى نواب میرزا اردو داشتند همه جان پناه است. شخالچی آنها چند نفر سرباز را زخمدار کردند با توپ علاج نشد آخر الامر به قدر دویست نفر سرباز از قلعه بیرون کرده نیزه پیش یورش برده آنها را دواندند. خود ایشان هم بعد از ملاحظه این حالت و جمع نشدن متفرقه سوار شده فرار کرد. تا سه ساعت به غروب مانده از آن جمعیت که عددش را خدا میداند یک نفر باقی نمانده شکست خورده فهمیدند که خیال آق قلعه را باید از سر بیرون کنند. بعد از آنکه ایشان با جمعیت یسوت شکست خورده از اطراف آق قلعه رفتند و اطمینان حاصل نمود تفصیل نوشته خدمت سرکار نواب فرستاد.

از قضا صبح همان روز اربعین نواب معزى الیه با پانصد نفر سوار و پیاده از استرآباد به عزم آق قلعه روانه شده در کنار قراسو از آمدن ایشان به دور آق قلعه مطلع شده در خانه عالیجاه آدینه خان که در کنار قراسو

در پای تپه نرگس نواب والا از برای او ساخته است چون خندق و خاکریز معتبر و محکمی دارد توقف فرموده عالیجاه محمد خان یوزباشی را شهر فرستاد که توپ و جمعیت بیاورد. تا وقت عصر یک عراده توپ و جمعیت زیاد با مرحوم رئیس العلسا و تفنگچی شهر و دهات و جمعی دیگر از آقایان از قبیل آخوند ملا محمد نصر آبادی و ملا محمد ولی کرد محله و تفنگچی عالیجاه محمد صادق خان کرد محله خدمت نواب والا آمدند. در آن بین عریضه فدوی هم رسید. از شکست ایشان و یسوت خوشحال شده نزدیک غروب از خانه عادینه خان روانه دو ساعت از شب بیست و یکم گذشته تشریف فرمای آق قلعه شده کیفیت جنگ با ایشان و حرکت توپچی و سرباز را مطلع شده باستان و سنکرها را ملاحظه فرموده زیاده از حد التفات و مرحمت فرمودند. بقدر بیست با آرد و ده بار برنج هم آورده بودند. از قرار قیمتی که در شهر اتباع نموده بودند به سرباز تقسیم کرده وجه قیمت دریافت گردید. قدری قورخانه و فشنگ آورده بودند تحویل قورخانه شد. چون سرکار نواب خیال چند روز توقف

نبردهای آق قلعه

داشتند که قرار عمل بنایی را بدهند . بعضی از تفنگچیان را با مالی که آذوقه و قورخانه حمل نموده بودند مرخص و روانه فرمودند .

ظهر روز بیست و یکم خبر رسید که آلمان به تاخت قریه سرخونکلاته رفته است . سرکار نواب و مرحوم رئیس العلما با توپ و جمعیت زیاد از آق قلعه روانه تا تپه داراجق تشریف بردند . چون سوار آلمان برگشته به منزل رسیده بود عالیجاه عبدالصمد خان را با تفنگچی مقصودلو و آقا نظام الدین روانه سرخونکلاته نموده مراجعت به آق قلعه فرمودند . معلوم شد که بعد از شکست خوردن و برگشتن "ایشان" و سوار یموت از آق قلعه شب کنکاش کرده به ایشان گفته اند مقصود ما از این اجماع تلافی خون خالد قلی خان است ما را جمع به دور آق قلعه بردن و گلوله توپ خوردن چه خاصیت دارد و قرار داده بودند که صبح به اجماع به تاخت سرخونکلاته بروند بعد هم سراغ کنند در هر جا خود سرکار نواب و عبدالصمد خان را سراغ کنند آنجا بروند . به همین قرار فاتحه خوانده صبح زود سوار شده بسر خونکلاته رفته . سنگر نارته که همیشه تفنگچی و ساخلو دارد تصرف و عباس خان پسر مشارلیه را با چهل و دو نفر مرد و زن اسیر کرده مراجعت کردند ، کاظم خان بیچاره را در همانجا شناخته اند برادر عبدالصمد خان است به قتل رساند ، عباس خان بیچاره را بعد از آمدن به اویه فهمیده اند پسر عبدالصمد خان است او را در درب خانه خالد قلی ریز ریز کردند .

بعد از این واقعه اهل استرآباد زیاده از حد مشوش و مضطرب شده بعضی از سوار و پیاده که در خدمت نواب والا بودند در باطن بنای تفرقه گذاشتند و خدمت نواب والا عرض کردند که هر گاه شما در آق قلعه بمانید ترکمان ولایت را خراب میکند مقصود هر کس رفتن به خانه خود بود . تا وقت غروب چون مرحوم رئیس العلما و آقایان دیگر در منزل کمترین بودند نواب والا نزدیک غروب تشریف آورده در باب توقف آق قلعه و تشریف بردن به استرآباد مشورت فرمودند . فدوی عرض کرد البته توقف آق قلعه خوب است . اولاً در تنبیه همه طوایف یموت از آق قلعه به سهولت ممکن است و از شهر ممکن نیست .

از آق قلعه اگر صبح قشون روانه شود تا عصر جودبای را تاخته تا عصر برمیکردد ، اگر به سمت یلقی و داز و دیجی و غیره برود باز تا عصر مراجعت میکنند . از شهر هر جمعیتی روانه شود باید یکشب در کنار قراسو و اکس توقف کند ثانیاً ایشان با جمعیت یموت در میان طایفه یلقی در نیم فرسخی آق قلعه نشسته هزار نوع ادعا دارد . او را در اینجا گذاشته به شهر تشریف ببرید باعث جرات آنها و اغتشاش عمل کل یموت و خرابی ولایت خواهد شد . سرکار والا فرمودند جمعیت نداریم . عرض کردم فوج خرقان حالا دیگر لزوم ندارد در کوهسار بماند عمل حسین خان فرنکی و گرفتن مالیات کوهسار بوده هم میشود سیصد نفر تفنگچی دو دانگه بوده هم میشود سیصد نفر تفنگچی دو دانگه در تخش محله چرا بماند احضار کنید . نوکر استرآبادی هم از سواره و پیاده دو هزار نفر است فرضاً هزار نفر اینها به جهت حفظ قراولخانه و سرحدات در ولایت بمانند هزار نفر دیگر را احضار فرمایند . چهارصد نفر سوار خواجهوند چه فایده دارد در شهر

نبردهای آق قلعه

شود از نه بلوک استرآباد بلوکی دویست نفر ایلجار بخواهید همه اینها را به آق قلعه جمع کرده توپهایی که در شهر است آورده طایفه یلقتی را که در نیم فرسخی ایشان را جا داده است تنبیه نمایند. بعدا اگر طوایف دیگر اظهار خلاف کردند آنها را تنبیه نمایند. اگر در آق قلعه جمعیت و اردویی باشد که ترکمان بداند از آق قلعه بسر خانه او خواهند رفت . ترکمن جرات نمی کند خانه خود را خالی گذاشته به تاخت ولایت برود. حقیقتا مرحوم رئیس العلما هم همه عرایض فدوی را تصدیق کرد. سرکار نواب چنان تصور فرمودند که کمترین از توقف در آق قلعه ترسیده این مصلحت بینی را به جهت آنکه در اینجا تنها نانم میکنم فرمودند جمع کردن این جمعیت. و آمدن فوج خرقان و غیره چند روز طول میکشد. میرویم به شهر اینها را احضار کرده با جمعیت و استعداد درست به فوج می آیم بعدا اگر لازم شد به آق قلعه می آیم چون اصرار فدوی فایده نداشت سکوت کرد تا صبح روز بیست و دوم سرکار

کردن گذاشتند تا بنه و قورخانه را بار کنند و توپ را حاضر نمایند. دو ساعت طول کشید قراولان از بالای برج و باستیان خبر دادند که قدری سوار نمایان است . فدوی خدمت نواب والا رسیده عرض کرد که از دیروز خبر تشریف فرمائی سرکار شهرت کرده است دور نیست اینها خبر را شنیده منتظر تشریف فرمائی سرکار باشند و در بین راهها خدا نخواستہ صدمه برسانند. خوب است تشریف فرمائی امروز را موقوف فرمایند . اول قبول فرمودند بعد چند نفر از کسان خود سرکار و محمد خان یوزباشی قاجار و غیره عرض کرده بودند سوار کجا بود، ده بیست سوار آدینه خان است که قراولان دیده خبر داده اند. فدوی در نزد مرحوم رئیس العلما و آقایان نشسته بود که صدای شیپور دوم بلند شد، کمترین و رئیس العلما تعجب کرده فدوی عرض کرد علاینه به نظر می آید که تشریف فرمائی سرکار نواب باعث بر هم خوردن و خرابی ولایت و بدنامی دولت است . مرحوم رئیس آخوند ملا محمد نصرآبادی و ملا محمد ولی کرد محله را خدمت سرکار

نواب فرستاد که این تشریف فرمائی مصلحت نیست خوب است موقوف فرموده . وقتی تشریف ببرید که حضرات خبردار نباشند. فرموده بودند کریم خان آتابای برود خبر بیاورد هرگاه سوار زیاد هست موقوف میکنیم والا میرویم . ساعتی گذشت یکمرتبه صدای شیپور سوم بلند شد. دیدیم سرکار نواب سوار شده فدوی از دنبال رفته در دم دروازه معلوم شد کریم خان خبر آورده که ده بیست سوار بیشتر نبود. سرکار نواب محض شنیدن این حرف سوار شده اند. خلاصه فدوی بقدر يك میدان در خدمت سرکار نواب رفته بود مرخص فرمودند مراجعت به آق قلعه نمود. عالیجاه محمد صادق خان کرد محله را با تفنگچی و هیجده سوار محمد قلی خان یوزباشی پسر مشارالیه در آق قلعه گذاشته قرار فرمودند که محض ورود به شهر قورخانه و آذوقه و دویست نفر تفنگچی و صد نفر سوار با آهنکر و نجار و سراج و اسب و اسباب و ملزومات توپخانه و طبیب و جراح بفرستند. چهار ساعت از روز بیست و دوم صفر

نبردهای آق قلعه

گذشته سرکار نواب از آق قلعه روانه استرآباد شده مرحوم رئیس العلماء و سایر آقایان و تفنگچیان که همراه ایشان بودند همگی در خارج خرابه شهر آمده رسیدند. بقدر نیم فرسخ از آق قلعه دور شده بودند که جلو سوار الامان رسیده از دو بر بنای تیراندازی گذاشته چون سوار جمع نشده بود خودداری کردند تا در نزدیکی خانه آدینه خان "ایشان" با تیپ بزرگ و بیدق رسیده مرحوم رئیس العلماء را در سر توپ شهید کرده توپ را گرفته چند نفر دیگر را به قتل رسانده چند نفر اسیر کرده. سرکار نواب، علیقلی خان سرتیپ خواجوند و محمود خان بوریاسر و جمعی دیگر از سواره و پیاده خود را به خانه آدینه خان رسانده در آنجا محصور شدند. عالیجناب آخوند ملا محمد نصرآبادی و هادی خان برادر محمد صادق خان کرد محله از معارف اسیر شدند. جمعیت یموت با "ایشان" دور خانه آدینه خان را گرفته محاصره کردند. سرکار نواب و همراهان نیز پاداری کردند. شب بیست و سوم را "ایشان" با جمعیت یموت در دور خانه آدینه خان و سر تپه نرگس جمع بودند. سرکار والا هم در خانه آدینه خان و سر تپه نرگس جمع بودند. سرکار والا هم در خانه آدینه خان محصور شد، محمود باشی قاجار را روانه استرآباد کرده از سلطان حسین نایب الحکومه امداد خواست. نایب الحکومه قریب پانصد نفر از سادات ها و ملا و شیخ الاسلام و اعیان و کسبه شهر و دویست نفر تفنگچی دهات جمع کرده روز بیست و سوم از استرآباد روانه نمود که در خانه آدینه خان نواب والا را امداد کنند. بعد از آنکه آقایان شهر با جمعیت به سیاه بالا رسیدند "ایشان" و ترکمانان خبر دار شده جلو آنها را گرفته بعضی جنگ کرده بعضی مجال جنگ نکرده. هنوز آنجاها آب داشت در میان آب و گل دور آنها را گرفته و قریب بیست نفر از آنها را با محمود خان یوزباشی قاجار به قتل رسانده اغلبی از اهل شهر را اسیر کردند. شیخ الاسلام بعد از جنگ بسیار قریب چهار صد نفر در دست آنها اسیر و دستگیر شدند. بعضی از تفنگچیان دهات که جنگ

دیده بودند خود را بلطایف الحیل با جنگ و کریز به جنگل رسانده متخلص شدند. حقیقتا از این جهت اهل ولایت اضطراب و تشویش بسیاری به هم رسانده ترکمان هم کمال جرات و جسارت به هم رسانده دور خانه آدینه خان را سخت گرفته عرصه را به نواب والا و محصورین تنگ کردند. در این دو روز که نواب والا از آق قلعه تشریف بردند چون آمد و رفت ترکمان به آق قلعه بکلی موقوف و مقطوع شده بود فدوی به هیچ وجه نتوانست از حال ایشان مطلع شود. همین قدر معلوم بود که در خانه آدینه خان جنگ است و صدای توپ و تفنگ میرسید. تا بعد از بر هم زدن اهالی شهر سوار بسیاری برگشته به منزل دادبهای خود می رفتند. با دوربین معلوم بود که اکثری پیاده در جلو دارند. فدوی نهایت تشویش و اوقات تلخی به هم رسانده چنان تصور کرد که خانه آدینه خان را گرفته اند چند نفر از کسان عالیجاه محمد صادق خان کرد محله را فرستاد در اطراف آق قلعه در سر بلندی ها ایستاده بهر نوع است يك نفر ترکمان پیدا کرده بیاورند. قریب غروب يك نفر ترکمان آوردند بعد از تحقیق معلوم شد که

نبردهای آق قلعه

صدمه ای به نواب والا نرسیده . اما قضیه امداد شهری و غیره اینطور شده است . فدوی نهایت اوقات تلخی به هم رسانده یقین کرد که دیگر از شهر و بلوک امدادی به نواب والا خواهد رسید . هر چه تصور کرد که نصف فوج را در آق قلعه گذاشته نصف دیگر را برداشته به امداد نواب والا برود . دید آن استعداد نیست امر منحصر است . تخلیه آق قلعه آن هم بدون حکم مایه بحث و ایراد خواهد . مبلغ پنج تومان به آن ترکان داده قرار داد عریضه خدمت نواب والا بنویسم ببرد بدهد به آدینه خان یا شیخ علی خان جواب بگیرد . عریضه خدمت نواب والا عرض کرد که اسب توپخانه و مال قورخانه میدانید که نیست اگر تخلیه آق قلعه و آمدن به آنجا لازم میدانید فدوی مضایقه از اینکه هر چه اسب دارد با اسب صاحب منصبان به توپ بسته و مال و بنه و جیسا قورخانه بار کرده بنه و اسباب و اوضاع خود و فوج را کلا ریخته به امداد بیاید اگر از شهر و جاهای دیگر امداد خواهد رسید و آمدن کتترین لازم نیست مرقوم دارند .

روز بیست و سوم عریضه نوشته نردبان را روانه نمود . روز بیست و

و چهارم جواب رسید سرکار نواب والا مرقوم داشته بودند دیگر از هیچ طرف راه امید و امدادی نیست اگر می توانید امروز عصر والا فردا صبح زود به هر نوع است خود را برسانید . تخلیه قلعه و ریختن بنه و اسباب سهل است . فدوی محض وصول حکم سرکار اسب و اسباب و توپ و مال و قورخانه را جابجا نموده حتی خود را قرار داد پیاده برود . جواب سرکار را نوشت که دو ساعت به صبح مانده روانه شده اول طلوع در دور خانه آدینه خان حاضر خواهیم شد حرکت روز با اطلاع این جمعیت مسکن نیست . فدوی در تهیه رفتن به امداد سرکار نواب والا بود که شب بیست و پنجم روانه شود . دو ساعت به غروب مانده خبر رسید که " ایشان " کشته شده و جمعیت يموت متفرق شد . معلوم شد که گفتگو میکردند که نواب هفت هزار تومان بدهد مانع نشود به شهر برود . سرکار نواب پول را قبول کرده است " ایشان گفته است باید علی قلی خان سرتیپ و محمد حسن ، محمد میرزا و حسین قلی خان شیخ و آدینه خان و شیخ علی را کرو بدهند . نواب والا کرو دادن قبول نکرده يك مرتبه " ایشان " بر خاسته گفته است باید یورش برده خانه

آدینه خان را بگیریم . محصورین هم شلیک کرده "ایشان " تیر خورده افتاد . همین که "ایشان " در هم غلطید جمعیت يموت متفرق شده . پانزده سوار یکی یکی به آق قلعه مژده آوردند که " ایشان " کشته شد سوار يموت متفرق شده توپ هم گرفته شد . فدوی نهایت خوشحال و شغف به هم رسانده قریب بیست تومان مژدگان و انعام داد . يك ساعت به غروب مانده از خود سرکار نواب هم دست خطی رسید که مرقوم داشته بودند که " ایشان " کشته شده و سوار يموت متفرق شدند .

نیم ساعت بع غروب مانده آدینه خان خود به تاخت به آق قلعه آمد که ایشان " زخمدار است هنوز نمرده است . سوار قراقچی و چاروا توپ را بسته میبرند . فدوی ناچار يك عراده توپ از برج پایین آورده چون اسب و اسباب حاضر نبود قریب نیم فرسخ طناب انداخته با سرباز پیاده برده جلو سوار را گرفته مشغول جنگ شد . بعد از آنکه چند تیر توپ به آنها زده آنها را متفرق نمود . معلوم شد که توپ را با خود " ایشان " پیش برده هزار سوار زنده در عقب مانده اند که آنها

نبردهای آق قلعه

بی مانع به منزل برسند. چون آفتاب غروب کرد دیگر ماندن در بیرون فایده نداشت مراجعت به آق قلعه نمود. چون آدینه خان و سوار آتابای زحمتکشیده بودند در ظاهر بملاحظه زحمت آنها در باطن محض دانه پاشیدن که آمد و رفت آنها مقطوع نشود و از برای آذوقه و ضروریات معطل نشویم بیست تومان هم به آنها انعام داده روانه نمود لکن از اینکه توپ را بردند نهایت اوقات تلخی حاصل نمود.

صبح روز بیست و پنجم سرکار نواب از خانه آدینه خان تشریف فرمای استرآباد شده نعش مرحوم رئیس العلما و سایر مقتولین را نیز برده . بعد از ورود به استرآباد البته مراتب را معروض داشته فرستاده اند چون از آق قلعه به استرآباد آمد و رفت نمی شود و فرستادن آدم مخصوص نهایت صعوبت دارد فدوی آدم مخصوص نفرستاد . البته بیان واقعه را سرکار نواب معروض داشته و در مقام علاج و اصلاح فتنه به این بزرگی بر می آیند . بعد از تشریف فرمائی نواب به استرآباد و بردن نعش ها و اسیر بردن چهارصد نفر متجاوز از علما و

سادات و شیخ الاسلام و اعیان و کسبه شهر شورش و اضطراب غریبی به اهل استرآباد رو داده جمعی بی اختیار روانه رکاب همایون باقی ، باقی قدرت بیرون آمدن و به دکان و بازار و پی کسب رفتن نداشتند .

ترکمانان نیز از ارتکاب چنین کاری متوحش و مضطرب شده بنای کوچیدن گذاشته از کرکان گذشتند. حتی عالیجاه آدینه خان از نرگس تپه کوچیده میخواست از کرکان بگذرد. فدوی فرستاده او را اطمینان داده به آق قلعه بیاورد. به دلایل و نصایح به او حالی کرد که کوچیدن کل بیوت در کرکان ممکن نیست اگر میتوانید همگی کوچیده به خیوق بروند. بسیار خوب بروید هر گاه طمع دارید دوباره به این یورت بیایید. غیر از خدمت کردن و مورد التفات شدن چاره نیست خصوصا تو که آدینه خان هستی از آبا و اجداد خدمت گذار و جان نثار این دولت بوده و هستی خودت هم در این مدت کمال خدمتگذاری و جان نثاری کرده همیشه مورد مراحم ملوکانه شده عبث خود را بد نام و طایفه ات را خراب مکن . خلاصه تفصیل گفتگوها را عرض کردن باعث درد سر و تطویل است . خلاصه به هر نوع او

را مطمئن و روانه نمود. خوانین و ریش سفیدان آتابای را دیده به آنها کران کرده همه آنها را جمع کرده نزد فدوی آورده همه آنها را اطمینان داده قرار دادند برون اسرانی که در دست طایفه آتابای است جمع کرده بیاورند .

دو روز قریب سی و پنج نفر اسیر که اسامی آنها تفصیل علیحده انفاذ، عالیجاه شیخ علی خان پسر محمد علی خان که زکی خان برادرش در تهران رئیس ترکمانان گروس است خدمت سرکار نواب روانه نمود. سرکار نواب هم کمال التفات و مرحمت فرموده بودند حسب الاستدعای فدوی رقم التفات آمیزی عالیجاه آدینه خان مرقوم داشته . فدوی قدری قند و چای و سرب و باروت هم از برای آدینه خان اسرای آتابای به استرآباد کاغذ به خوانین جودبای و داز و بای دوجی و بدراق نوشته بتوسط ترکمانان فرستاد . همه آنها تمکین کرده تعهد کرده بودند که اسرانیکه دارند جمع کرده بدهند. دریا قلی خان جودبای و قلیچ خواجه جودبای از جانب حاجی ملا مراد آمده اطمینان داده روانه نمود. حسن خان دوجی و رحمان خان بدراق هم آمده گفتگو کرده اطمینان کلی حاصل نموده رفتند که اسرا را جمع

نبردهای آق قلعه

کرده تسلیم عالیجاه آقاخان کتول که داروغه آنها است بکنند. شاه منکلی خان داز از هر بابت با آدینه خان موافقت دارد. عمل داز هم مثل آتابای است مگر چند خانوار که با عالیجاه خدایار خان می باشند یاغی و جلو کش ایشان اند در حقیقت جلو کش ایشان خدایار خان داز و بابا قلیچ یلقلی و قراقچی اترک نشین می باشند. علی الحساب به جهت بعضی ملاحظات اطمینانی به حضرات داده مشغول جمع کردن و دادن اسیر می باشند.

تا حال که هفتم ربیع المولود است ایشان زخمدار در خانه بابا قلیچ در ادیه یلقلی است قبل از این به آق قلعه خیلی نزدیک بودند یک فرسخ کمتر بود. سه چهار روز کوچیده یک فرسخ هم دورتر رفتند. چاروا هم کوچیده رفت بعضی که مانده اند دهم ماه خواهند رفت.

شب عید بابا شجاع الدین "ایشان" دادیه داز مرد و قریب سیصد سوار از قراقچی اترکی و غیره در پیش او بودند متفرق شده رفتند یک

عراده توپ چهارو نیم پوندی که در دست "ایشان" بود سوار قراقچی به اترک بردند دو روز است که آدم ریش سفیدان یلقلی هم آمد و رفت میکنند که اطمینان حاصل کرده اسرانیکه دارند داده اقدام به خدمت نمایند. چون اصل مقصود آنها این است که عمل داروغه کی آنها با عبدالصمد خان نباشد. هنوز فدوی این فقره را قبول نکرده است چند نفر کدخدا مشغول گفتگو هستند آنچه قرار داده شود معروض خواهد شد.

گردآورنده : موسی

پا نویس :

- ۱- صفحه ۱۷۷ منتظم ناصری و صفحه ۱۱۶ جلد دوم ناسخ التواریخ
- ۲- منتظم ناصری صفحه ۱۶۷
- ۳- باستیان ماخذ از لغت فرانسه Bastion است به معنی باروی پیش آمده که دو پهلو و دو جبهه داشته باشد" صفحه ۱۵۴ فرهنگ فرانسه فارسی نفیسی ، بنای مرتفعی که در قلعه سازند... قلعه ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند" ص ۴۵۸ فرهنگ فارسی معین.

- ۴ ناسخ التواریخ جلد سوم ص ۲۵
 - ۵ کتاب مازندران و استرآباد تالیف ه . ل . رایینو. ترجمه وحید مازندرانی ص ۱۱۹
 - ۶ تکلتو به معنی خو گیر اسب ، و این لغت ترکی است و در مصطلحات نوشته که تکلتو خو گیر اسب که آن را نمذ زین گویند. " ... چیزی که از نمذ و جز آن دوزند و زیر زین گذارند و ترمه نیز گویند تا بر پشت اسب از زین آسیبی نرسد..."
- صفحه ۸۷۶ لغت نامه دهخدا.

ادامه از صفحه ۳۳

درباره خط ...

پروران ترکمن صحرا بایستی صورت گیرد . تلاش اهل قلم و فرهنگ پروران ترکمن در ایران قابل ستایش است . آیا زمان آن فرا نرسیده است که ما به جای دلخوش کردن خود با این یا آن الفبا و ارائه احساسات و اندیشه با خطی که تنها خودمان قادر به خواندن آن هستیم ، با تلاش کران داخل هم صدا و هم 'خط' بشویم ؟ و از این طریق اندکی از بار عظیم فرهنگی که پیش روی فرهنگ ملی ماست به دوش گیریم ؟

ر . الف . جانلی

۸ اوت ۹۹

اخبار

ترکمنصحرا

پل آق قلا یکی از بناهای قدیمی در ترکمنصحرا

پل آق قلا یکی از بناهای تاریخی ترکمنصحراست و قدمت آن به دوران صفویه می‌رسد. این پل ۷۶ متر طول و ۵ متر عرض دارد و در حالت عادی ۱۱ متر از سطح آب ارتفاع دارد. پل آق قلا دارای ۴ دهانه و موج شکنهای نیمکره‌ای بسیار زیباست و تزئینات آجری آن در قسمت تحتانی و جبهه غربی آن واقع شده است. این پل به مرور زمان به علت سهل انگاری و اهمیت ندادن مأمورین دولتی زمان شاه و جمهوری اسلامی و همچنین بلایای طبیعی همچون سیل آسیب فراوان دیده و روی به نابودی گرانیده است.

هم‌اینک جمهوری اسلامی برای جذب توریست به منطقه ترکمنصحرا تصمیم به مرمت آن گرفته است. کار مرمت بدنه آجرکاری و تاج لبه‌ها و نقاط آسیب دیده از طرف اداره میراث فرهنگی انجام می‌گیرد. نباید فراموش کرد که شورای شهر که از ترکمنها انتخاب شده تصمیم گرفته است که پس از اتمام مرمت این پل فضای سبز در اطراف آن ایجاد کند.

"گارد شاهنشاهی" مزرعه در ترکمنصحرا دوباره برپا میشود

در ترکمنصحرا "گارد شاهنشاهی مزرعه" را بوجود آورد که تا انقلاب ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در ترکمنصحرا قدرت داشت و هر گونه حرکتی را سرکوب می‌کرد.

هم‌اینک جمهوری اسلامی با ایجاد "نیروی انتظامی ویژه در منطقه ترکمنصحرا" در جهت رویارویی با ملت ترکمن گام بر می‌دارد.

معاون سیاسی امنیتی استاندار گلستان می‌گوید تنوع قومیت و نژادهای مختلف، وجود سوابق درگیری‌های متعدد، نیاز به تشکیلات مستقل نیروی انتظامی دارد.

بنا به گفته این مقام مسنول نیروهای انتظامی کنونی پاسخگوی مسائل امنیتی منطقه نیست. وی قاچاق مواد مخدر و خرید و فروش کالاهای قاچاق در منطقه را از مشکلات بزرگ می‌داند. در اینباره می‌گوید:

با توجه به وجود ۲۲۰ کیلومتر مرز در مناطق کوهستانی، بیابانی، دشت و ۹۰ کیلومتر رودخانه و نیز مرز دریایی با ترکمنستان طبیعی است که در مبادی ورود و خروج استان در مناطق اینچپه برون و حوالی بندر ترکمن تردهای مجاز وجود دارد که در این تردها، تخلقات و مبادله مواد مخدر با جاسازی‌های عجیب و حیرت آور صورت می‌گیرد که با توجه به حساسیت موضوع باعث نگرانی است و نیروهای انتظامی متأسفانه فاقد امکانات مقابله با آن هستند.

"نیروی انتظامی ویژه در منطقه ترکمنصحرا" برای ملت ترکمن تازگی ندارد. شاه اسبق ایران برای حفظ زمین‌های غصبی ترکمن‌ها

مشاور خاتمی "مشکل قومی" را نفی می‌کند

مشاور رئیس‌جمهور ایران در امور سنی‌ها به ترکمنصحرا سفر کرد و در شهر آق قلا اعلام کرد که در کشور مشکلی به نام قومیت و مذهب نداریم و حرف اول را تعلق افراد به ایران و اسلام می‌زند. وی انتخاب چند بخشدار و معاون استانداری گلستان را نشانه پیاده شدن دیدگاههای خاتمی در این امور دانست. وی اشاره‌ای به خواسته‌های ترکمن‌ها در امور آموزش زبان ترکمنی در مدارس و یا دانشگاهها و یا رد استخدای ترکمن‌ها از سوی اداره‌گزینش و یا اینکه چرا مذهب شیعه تنها مذهب رسمی کشور است نکرد.

زبان کردی در دانشگاههای ایران

بنا به گزارش "صدای جمهوری اسلامی ایران" ، رییس دانشگاه آزاد اسلامی آقای جاسبی در سندج اعلام کرد که با تدریس زبان و ادبیات کردی در دانشگاههای آزاد اسلامی موافقت شده است. بنا به گفته ایشان تدریس زبان و ادبیات کردی مهمترین خواست مردم کردستان بوده و دانشگاه آزاد در این امر پیشقدم شده و زمان آن رسیده است که کردستان از این امکان بهره‌مند شود.

قابل ذکر است که زبان کردی چند سال پیش از انقلاب ۵۷ نیز در دانشگاه تهران تدریس می شد. گشایش واحد زبان کردی به معنی آموزش به زبان کردی نیست و دانش آموزان کرد همچون دانش آموزان ترکمن هنوز از تدریس به زبان مادری خود بهره مند نیستند.

گذراندن واحد زبان کردی در دانشگاههای آزاد هر چند کامی کوچک ولی دستاوردی بزرگ برای خلق کرد و برای همه ملیت های ساکن ایران است.

جمهوری اسلامی ایران به درخواست ملت ترکمن که در قطعنامه مراسم سالگرد محتمولی فراقی که در گنبد صادر شده و در آن درخواست کرده بودند که زبان ترکمنی در دانشگاههای منطقه تدریس شود هنوز هیچگونه عکس العملی نشان نداده است.

وزیر اطلاعات ایران مدیر کل اطلاعات "استان گلستان" را معرفی کرد

وزیر اطلاعات ایران در سفری به منطقه ترکمنصحرا، مدیر کل استان گلستان را نیز معرفی کرد. وی در جلسه معارفه سیاست های سازمان امنیت و اطلاعات ایران را چنین توضیح داد: "هدف وزارت اطلاعات در وهله نخست پیشگیری و در صورت وقوع نیز مهار بحران و تبدیل آن به یک فرصت است و اگر این امر میسر نشد خاموش کردن بحران است."

سیلاب در ترکمنصحرا

بارش باران شدید همراه با رگبار در ترکمنصحرا باعث آبگرفتگی خیابان های شهر های منطقه شده است. در پی این بارندگی ها و بروز سیلاب در سطح خیابان ها ستاد بحران در گرگان تشکیل شد. رییس ستاد حوادث غیر مترقبه آقای ابولقاسم صفوی می گوید: جریان سیلاب در شهر مینودشت و بخش های کلاله و کالیکش، گنبد و بخش آزادشهر، بندر ترکمن و بخش کمیش دغه سبب آبگرفتگی شدید خیابانها و اختلال در رفت و آمد شده است. جاری شدن سیل در مراوتیه باعث قطع شدن راههای ارتباطی ۱۷ روستا شده است. جمهوری اسلامی با توجه به جریان سیل سالهای قبل آمادگی برخورد با این بلایای طبیعی را نداشت و مدتهای زیادی مردم بایستی در انتظار آب آشامیدنی و ماشین آلات راهسازی برای بازگشایی این راهها می بودند.

روزنامه جمهوری اسلامی و ملیت های ایران

روزنامه جمهوری اسلامی در طی مقاله ای با عنوان "چرا ارشاد اسلامی به وظیفه خود عمل نمی کند؟" به مسئله ملیت ها اشاره می کند و می نویسد:

در کشور ما ایران قومیت های مختلفی زندگی می کنند که اسلام و بخصوص تشیع و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) همچون نخ تسبیح دانه های گرانبهای اقوام را در ایران دور هم گرد آورده و وحدت بخشیده. در جای دیگر این مقاله می نویسد: قومیت ها می توانند در چهارچوب حفظ وحدت ملی و قانون اساسی با استفاده از ابزار مختلف از جمله نشریات محلی و رسانه های ارتباطی برای اصلاح نقائص در آداب و سنت های محلی و رشد فرهنگی اجتماعی و اقتصادی مردم منطقه خود بکوشند.

در جای دیگر این مقاله آمده است: متأسفانه اخیراً پدید آورندگان برخی از نشریات، ضمن کم تجربگی و نوجوانی به خود اجازه داده اند به مسائل ناسیونالیستی دامن زده و حساسیت هانی ایجاد کنند. متأسفانه این افراد به دلیل ضعف مایه های دینی، در مسیر اصلاحات فرهنگی و نشان دادن نقاط قوت قومیت خود به راه خطا می روند که البته کمترین نتیجه را خواهند گرفت. روزنامه جمهوری اسلامی در این مقاله خواستار اقدام اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است.

هنرنامانی ترکمن ها در پنجمین جشنواره سرود و موسیقی

این جشنواره به مدت یک هفته با شرکت ۸۲ گروه از ۱۹ استان در یزد برگزار شد. هنرمندان ترکمن که در بخش موسیقی محلی شرکت کرده بودند نامل به دریافت جوایز متعددی شدند؛ ابراهیم جرجانی و طواق سعادت نوازنده دوتار از بندر ترکمن لوح سپاس و سکه بهار آزادی طواق سعادت، هسچین لوح اقتخار، تندیس جشنواره و هفت سکه بهار آزادی جایزه بهترین گروه محلی نیز به گروه موسیقی هنرمندان ترکمن تعلق گرفت.

۱۱۹ کیلو مواد مخدر در طول یکماه در مازندران و گلستان کشف شد

بنا به گزارش ایرنا ، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران ناحیه انتظامی مازندران اعلام کرد که در طی یک ماه گذشته ۱۱۹ کیلو و ۲۷۶ گرم انواع مواد مخدر در استان های مازندران و گلستان کشف شد.

بر اساس این گزارش در این ارتباط ۵۵ قاچاقچی دستگیر و ۲۲ دستگاه خودرو و چهار دستگاه موتور سیکلت نیز از قاچاقچیان توقیف شد. در این گزارش آمده است که از قاچاقچیان علاوه بر مواد مخدر ۶۰ میلیون و ۲۱۰ هزار ریال وجه نقد نیز کشف شد.

اعتراض روستای ولی آباد برای آبگیری سد گلستان

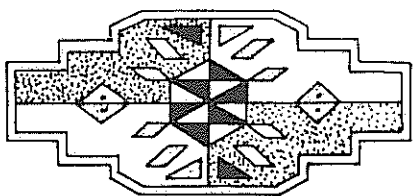
کنبد کاووس - خبرنگار ایران : مردم روستای ولی آباد گلستان نسبت به آبگیری سد گلستان اعتراض کردند. با آغاز آبگیری سد گلستان در اواخر ماه مرداد ماه، مردم روستای ولی آباد به اینکار اعتراض کردند که به دلیل واگذار نشدن زمین برای سکونت نمی توانند روستا را تخلیه کنند. روستای ولی آباد از توابع بخش مرکزی کنبد است و امکان دارد در صورت ادامه آبگیری سد گلستان زیر آب برود. محمد رضا فخره یکی از اعضای شورای اسلامی روستای ولی آباد گلستان گفت: با آغاز احداث سد گلستان در سال ۱۳۷۵ ضرورت تخلیه این روستا مسلم شد. در ماه گذشته حتی قیمت املاک روستاهیان نیز از سوی مسهلان به آنها پرداخت شد.

تیم ملی فوتبال نوجوانان ترکمنستان از تیم منتخب کنبد شکست خورد

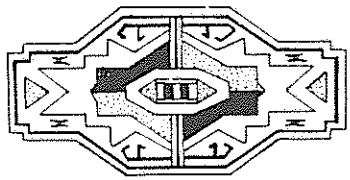
تیم ملی نوجوانان ترکمنستان با تیم های فوتبال ترکمنصحرًا مسابقه داد . در دیدار تیم نوجوانان ترکمنستان با منتخب کنبد دو بر یک شکست خورد و در یک دیدار هیجان انگیز با تیم بندر ترکمن چهار بر سه مغلوب شد. مسابقات انجام شده بخاطر هفته تربیت بدنی و ورزش بوده است.

مردم کنبد با کمبود نان روبرو هستند

مردم کنبد با گلایه از کمبود نان بویژه در روزهای گذشته خواستار رفع این مشکل از سوی مسئولان شدند. این عده با تماس تلفنی با خبرگزاری ج.ا. گفتند: کمبود نان در کنبد به صورت یک معضل جدی درآمده است و شهروندان وقت زیادی را در صف های طولیل برای تهیه آن تلف می کنند. حسینی دبیر شورای آرد و نان کنبد سهمیه آرد منطقه را ۲۴۰ گرم در روز ذکر کرد و گفت: توجه مسئولان برای تعیین این میزان سهمیه با وجود پیگیری فراوان مسئولان شهرستان افزایشی در آن داده نمی شود. یکی از دلایل کاهش شدید پخت نان و ایجاد مشکلات مردم در روزهای اخیر تغییر و تحول امور از شورای آرد و نان به اداره غله شهرستان است.



دنگوزبورون (ترکمن) ترنج
denguz burun H. -



جووال گل (ترکمن) ترنج
çuvâl gül

اخبار حوزه دریای خزر

کاهش صادرات خاویار

در نیمه اول امسال ۲۰ میلیون مارک خاویار به کشورهای اروپایی صادر شد که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۵ درصد کاهش نشان می دهد. در سال گذشته جمهوری اسلامی ایران ۱۲۰ تن خاویار صادر کرده بود و در سال جاری ۷۰ میلیون دلار درآمد ارزی داشته است. علت کاهش صادرات خاویار بنا به گفته مهندس محمد رضا حسینی به دلایل متعدد از جمله صید بی رویه ماهیان خاویاری از سوی کشورهای ساحلی دریای خزر و عدم تکثیر و رهاسازی بچه ماهیان خاویاری بویژه از سوی کشورهای ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان به دریای خزر، آلودگی، صید قاچاق، از بین رفتن محل تخم ریزی ماهیان خاویاری و وجود صید به شیوه دامکستر و کاهش میزان صید و استحصال خاویار در سالهای اخیر بویژه امسال ذکر شده است. بنا به گفته این مقام شیلات در سال های ۹۷ و ۹۸ میلادی بیش از ۲۵۰ تن خاویار قاچاق از طریق روسیه و قزاقستان بفروش رسیده است.

مسئله کاهش صید بنا به گفته این مقام

شیلات به دلیل افزایش قیمت خاویار جبران شده است. خاویار ایران از ۵۴۰ مارک در هر کیلو در سال گذشته به ۷۵۰ مارک در سال جاری رسیده است.

نسل ماهیان آزاد دریای خزر در معرض خطر است

مسئول صیدگاه رودخانه چشمه کیله تنکابن در مصاحبه ای با "همشهری" علت انقراض نسل ماهیان آزاد را چنین بر می شمارد: تخلیه فاضلاب های خانگی و صنعتی، بویژه کارخانه های تولید آسفالت باعث آلودگی این رودخانه می شود.

وی از مردم خواست حداقل تا پایان آبانماه که زمان مهاجرت آزاد ماهیان به این رودخانه است از ریختن زباله و تخلیه فاضلاب و برداشت شن و ماسه از محور رودخانه چشمه کلیه که موجب آلود شدن آب آن می شود، خودداری کنند. و اگر مشکل آلودگی بطور جدی برطرف نشود نسل آزاد ماهیان در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

دانشمندان و محققان بین المللی: دریای خزر آلوده ترین دریای جهان

گروهی از دانشمندان و محققین دنیا که از یکسال پیش درباره شرایط زیستی دریای خزر بررسی کرده اند، نتایج تحقیقات خود را در کنفرانسی در پایتخت مجارستان منتشر کردند. در این تحقیق دلایل آلودگی خزر را چنین می دانند:

ورود ۷۵ میلیون تن مواد شیمیایی و صنعتی و واد فاسداز رودخانه های منتهی به این دریا بویژه رودخانه ولگا که در روسیه واقع است.

در ضمن آلودگی منطقه وسیع باطلاقی در شمال خزر متعلق به کشور روسیه بیشتر از هر جای خزر اعلام شده است.

بنظر کارشناسان ادامه این روند دامنه این آلودگی ها به کشورهای دیگر آسیایی و اروپایی کشیده شود.

قرار داد انتقال نفت خزر به ترکیه

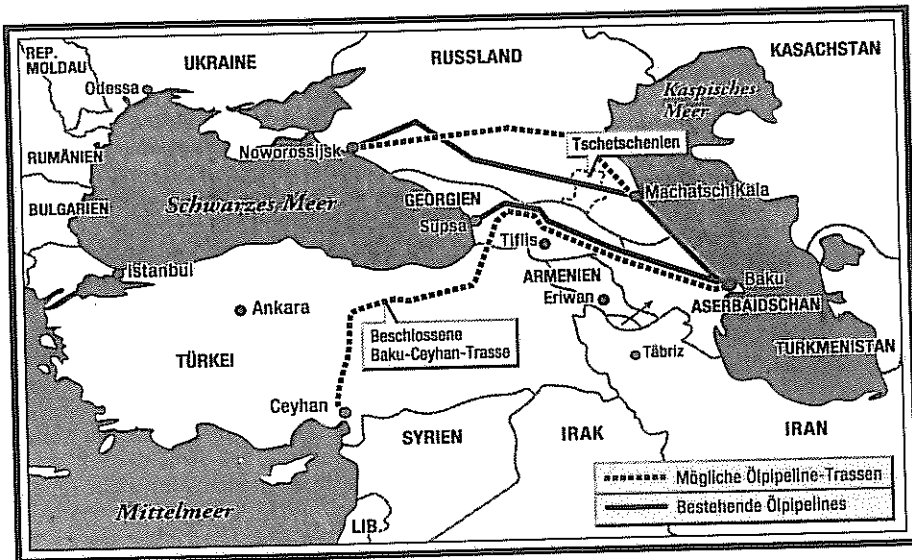
قرار دادهای مربوط به خطوط لوله انتقال نفت باکو به جیهان و بیانیه خط لوله انتقال

انتقال گاز حوزه دریای خزر به ترکیه

خط لوله سالانه ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز خود را به قیمت هر هزار متر مکعب ۷۸ دلار به ترکیه بفروشد. این قرارداد اهمیت استراتژیک برای کشورهای امضاء کننده بخصوص برای ترکمنستان دارد و از لحاظ سیاسی به استقلال این جمهوری کمک میکند و موجب رهانی این جمهوری از چنگ وابستگی به روسیه خواهد شد. مسیر جمهوری اسلامی ایران با اینکه کوتاهترین و کم هزینه ترین راه بود، بخاطر سیاست های نادرست رژیم حاکم بر ایران از سوی بسیاری از کشورهای ذینفع رد شد. مخالفت روسیه و ایران بیشتر با به بیانه قرار دادن خطر آلودگی دریای خزر مطرح است. کشورهای حوزه دریای خزر با امضای این قراردادها گام بزرگی در راه استقلال خود برداشتند.

متن نهانی بیانیه ۱۰ ماده ای انتقال گاز ترکمنستان در اجلاس سازمان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا از طرف روسای جمهور ترکیه، ترکمنستان، آذربایجان و گرجستان به امضاء رسید. بیل کلینتون و نخست وزیر نروژ، رئیس دوره ای اجلاس سازمان همکاری و امنیت اروپا نیز به عنوان ناظر این بیانیه را امضاء کردند. این طرح که حدود دو هزار کیلومتر طول خط لوله آن بر آورد شده است. به عقیده کارشناسان بین المللی نزدیک به چهار میلیارد دلار هزینه اجرا دارد. ترکمنستان قصد دارد از طریق این

گاز ترکمنستان به اروپا طی مراسمی در اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا باز طرف سلیمان دمیرل، رئیس جمهور ترکیه، حیدر علی اوف، رئیس جمهور آذربایجان، ادوارد شواردنازه، رئیس جمهور گرجستان و با حضور بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا امضاء رسید. به موجب این قرار داد این کشور ها متعهد شدند که تدابیر لازم را برای اتمام این پروژه ها تا سال ۲۰۰۴ میلادی به عمل آورند و گروههای کاری را در این زمینه تشکیل دهند. خط لوله از باکو به گرجستان و از گرجستان به منطقه جبهان ترکیه و از اینطریق به دریای مدیترانه راه خواهد یافت. ظرفیت آن در حدود ۵۰ میلیون تن در سال خواهد بود. ترکیه با بهره برداری از آن تمامی نفت مورد نیاز خود را بدون پرداخت هزینه حمل تامین خواهد کرد. هم اکنون واردات نفت ترکیه ۲۰ میلیون تن نفت در سال است که تا پایان خط لوله نفت به ۴۵ میلیون تن در سال خواهد رسید. هزینه اجرای پروژه از نظر ترکیه دو نیم میلیارد دلار است. حیدر علی اوف پس از امضای این قرارداد از آن به عنوان قرارداد قرن یاد کرد. امضای این قرارداد پیروزی سیاست های آمریکا در آسیای میانه و قفقاز است. آمریکا توانست از عبور خط لوله از روسیه و ایران جوگیری کند. کلینتون پس از امضای قرارداد گفت که این خط لوله امکان می دهد منابع انرژی و ذخایر دریای خزر از چند مسیر به بازارهای غرب برسد و فقط به یک مسیر متکی نخواهد بود.



اخبار آسیای میانه

سرقت کتاب قرآن دوره سلجوقی

یک جلد قرآن دستنوشته نفیس متعلق به قرن دهم هجری قمری از موزه توپ قاپی در استانبول به سرقت رفت. ارزش این قرآن بنا به گفته پلیس ۵ میلیون دلار برآورد می شود. قرآن به سرقت رفته متعلق به دوران سلجوقیان می باشد و در سال ۱۰۹۲ هجری از سوی عثمان الحسین خطاطی شده است. این قرآن ۲۵ ساتی متر عرض و ۲۴ ساتی متر طول دارد. پلیس استانبول برای جلوگیری از خروج قرآن یادشده از کشور، در مبادی خروجی تدابیر ویژه ای اتخاذ کرده است.

کنترل شدید در مرزهای ایران و ترکمنستان

بدنبال گسترش فعالیت نیروهای تحت حمایت وهابیون و گروههای مرتبط با طالبان و ترس از گسترش و نفوذ درگیری های کشورهای همسایه، ترکمنستان کنترل شدیدی را در مرزهای خود بویژه ایران برقرار کرده است. بدبال آن سفیر ایران در ترکمنستان از سانسیر ایرانی خواست که به قوانین و مقررات دولت ترکمنستان توجه بیشتری

کنند. وی در گفتگویی با ایرنا می گوید: لازم است کلیه مسافرانی که به ترکمنستان سفر می کنند ضمن روادید معتبر هنگام ورود به عشق آباد اقدام به ثبت مهر اداره اتباع بیگانه وزارت کشور ترکمنستان نمایند. مسافران از تردهای بی مورد و غیر ضروری در خیابان های عشق آباد پرهیز کنند و در صورت بروز هر گونه مشکلی به سفارت ایران در عشق آباد و یا کنسولگری ایران در شهر ماری مراجعه کنند.

قرار است مقامات عشق آباد اتباع خارجی بدون روادید را اخراج کنند. هم اینک خارجیانی که بدون روادید در این کشور بسر می برند برای هر روز اقامت خود یک دلار می پردازند. اتباع آذربایجان نیز بایستی ویزا بگیرند. بنا به گزارش خبرگزاری آذربرس دولت ترکمنستان اتباع آذربایجان را که فاقد روادید ورود به این کشور هستند اخراج کند.

اتوبوس و تاکسی های ایرانی در خیابان های عشق آباد

ترکمنستان ۱۰۰ دستگاه اتوبوس مسافربری ساخت ایران را خریداری کرده است. شرکت ایران خودرو که این اتوبوس ها را صادر کرده در شهر عشق آباد تاسیساتی را دابر کرده است.

بنا به گفته قائم مقام سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران آقای ابوالحسن قاشی که از عشق آباد دیدار کرد ترکمنستان از خودروهای ایران بسیار راضی است. قرار است از پانیز سال ۲۰۰۰ نیز در حدود ۲۰۰ دستگاه خودروی سواری پژو مدل ۱۶۰۰ وارد شبکه تاکسیرانی این کشور شود. بدنبال گسترش روابط اقتصادی قرار است جهاد سازندگی ایران نیز بزودی ساختمان ۶ سیلو را در شهرهای بایرامالی، آق دغه، قیزیل اروات، کولانلی، پاراخات و یاشلیق را آغاز کند. با بهره برداری از این سیلو ها ترکمنستان قادر خواهد بود سالانه یک میلیون تن کندم تولید خود را نگهداری کند.

دانشگاه مشهد و دانشگاه مختموقلی

دانشگاه مشهد و دانشگاه مختموقلی عشق آباد تنها نام ۱۰ ماده ای جهت همکاری های دو دانشگاه برای سال تحصیلی ۱۹۹۹-۲۰۰۰ میلادی امضا کردند. یکی از این تفاهم نامه ها تالیف و انتشار یک جلد کتاب آموزش زبان فارسی برای تدریس در

دانشگاههای ترکمنستان با همکاری مشترک اساتید دو دانشگاه و تبادل ۲۵ استاد و دانشجوی در رشته های تاریخ و جغرافیا دانشگاه فردوسی است. دانشگاه مشهد متعهد شد که اساتید زبان های فارسی و عربی را برای تدریس در دانشگاه مختموقلی تامین و متقابلاً دانشگاه مختموقلی نیز اساتید زبان روسی برای دانشگاه فردوسی اعزام نماید. قرار است از ترم آینده رشته زبان روسی دانشگاه فردوسی راه اندازی شود.

عفو عمومی زندانیان

بنا به گزارش خبرگزاری های غربی از ترکمنستان قرار است تا اواخر سال جاری میلادی ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر زندانی شامل عفو عمومی شده و از زندان های جمهوری آزاد شوند. بنا به گزارش خبرگزاری روسیه اینتر فاکس صفر مراد نیازوف بنا به خواهش و درخواست قوم و خوش و نزدیکان این زندانی ها دستور آزادی آنها را صادر می کند. در سال گذشته نیز بیش از ۱۹۰۰۰ هزار زندانی در ترکمنستان عفو شدند و امسال نیز بیش از ۱۲ هزار نفر زندانی مورد عفو قرار گرفتند.

مقاومت چچن ها در مقابل حملات روس ها

علیرغم اعتراض افکار عمومی جهان ارتش روسیه تاسیسات زیر ساخت و عمده از قبیل آب، برق، تلفن، راه ها و پلها و کارخانه های

جمهوری چچن را بمباران کرده و غیرنظامیان را آواره و روستاها و شهرهای چچن را ویران کرده است. روسیه توافقنامه های امضا شده با جمهوری چچن مبنی بر برقراری صلح و عدم توسل به زور را نقض کرد و از امدادسانی سازمان های بین المللی به آوارگان جلوگیری میکند.

فروش ۴۰ میگ بدون اطلاع دولت

مسئولان امنیتی قزاقستان گفتند که یک نفر را در رابطه با فروش ۴۰ جنگنده میگ به کره شمالی دستگیر کردند. فروش و تحویل این جنگنده ها بدون اطلاع مقام های دولت قزاقستان بوده است. رسیدگی به این موضوع بیشتر بخاطر تحت فشار قرار گرفتن دولت قزاقستان از جانب کره جنوبی، ژاپن و آمریکا بوده است.

اشعار خمینی به زبان آذری ترجمه شد

کتاب گزیده ای از اشعار خمینی در شهر باکو پایتخت جمهوری آذربایجان به زبان ترکی آذری به چاپ رسید. ترجمه این کتاب که "قبلة عشق" نام دارد و حاوی ۲۵ غزل، یک ترجیع بند و ۲۸ رباعی است توسط یک مترجم آذری پرفسور مبارز علی زاده انجام گرفته است.

دخالت ایران در امور داخلی جمهوری آذربایجان

بنا به گزارش خبرگزاری روسیه اینتر فاکس وزارت امنیت جمهوری آذربایجان یک گروه جنایتکار را دستگیر کرده که تلاش داشت دست به عملیات تخریبی علیه جمهوری آذربایجان بزند. رهبر این گروه تبهکار فردی است ایرانی که هنگام عبور از مرز با کلاشنیکوف و مهمات بازداشت شده و تصیم داشته عملیات تخریبی را طراحی کند. این گروه از سوی جمهوری اسلامی حمایت و تقویت شده است. سخنگوی مطبوعاتی سفارت ایران در باکو، مهدی سبحانی، در مصاحبه های مختلف اعلام کرده طرح چنین مسائلی از سوی وزارت امنیت ملی آذربایجان با استناد به اکاذیب و موهومات بوده و صرفاً برای انحراف افکار عمومی صورت گرفته و جمهوری آذربایجان از خویشتنداری جمهوری اسلامی سوء استفاده می کند.

فعالیت بزرگترین گروه تئاتر ترکمنستان در ایران

گروه تئاتر "ملانیس" برای شرکت در جشنواره استانی وارد استان گلستان شد. این گروه ۱۲ نفر عضو دارد و برای دومین بار به ایران و ترکمنصحرا سفر کرده و نمایشنامه های ترکمنی اجرا می کند. اهالی

هفته ترکمنستان در تهران

وزیر فرهنگ ترکمنستان برای افتتاح هفته فرهنگی ترکمنستان در ایران به تهران آمد. وی می گوید: "هدف از این برگزاری معرفی فرهنگ ترکمن و سطح پیشرفت آن در سالهای پس از استقلال و همچنین شناساندن ریشه های مشترک فرهنگی و هنری دولت است." یک گروه ۲۴ نفره از کارکنان موزه ملی ترکمنستان برای برگزاری مراسم هفته فرهنگی در ایران و همچنین بخشی های ترکمن به ایران سفر کردند. کارمندان موزه ملی بهترین آثار موزه را در قالب نمایشگاهی در تهران به نمایش گذاشتند.

آزادی تعدد زوجات در ترکمنستان

بنا به گزارش خبرگزاری های غربی از جمله رادیو بی بی سی (مقامات دولتی ترکمنستان قصد دارند به چند همسری جنبه قانونی دهند. صفرمراد نیازوف نیز گفته است که در جمهوری مسلمان ترکمنستان تعدد زوجات تاریخی طولانی دارد و فقط در سال های شوروی سابق متوقف شده بود. طبق قانون جدید قرار است مردان با اجازه کتبی همسر اول، همسر دیگری اختیار کند.

دخالت و تحریکات روسیه در قزاقستان

قزاقستان تنها جمهوری آسیای میانه است که ترکیب جمعیت روس ها بیشتر از سایر جمهوری هاست، و در برخی از شهرها بویژه در استان های شرقی آن افراد روسی تبار از بیشترین جمعیت برخوردار است.

روس ها پس از استقلال قزاقستان کم و بیش مسئله جدایی از قزاقستان را طرح کردند و احساسات ناسیونالیستی بویژه در استان شرقی قزاقستان میان روسها افزایش یافته است. بنا به گزارش مقامات امنیتی ۲۲ نفر را که قصد ایجاد شورش در این استان را داشتند دستگیر کرده اند. دستگیر شدگان قصد داشتند استانداری، سازمان امنیت و مقرر پلیس را به تصرف خود درآورند و مردم را به شورش دعوت کنند. بنا به گفته این مقام امنیتی ۱۲ نفر از آنان تبعه روسیه بودند و بقیه از افراد روسی تبار قزاقستان هستند. از این افراد مقادیری سلاح، نارنجک و بطری های آتشزا کشف شده است.

رهبری این گروه توسط شخصی بنام پوگاچو بوده است که پیش تر روزنامه ها نوشته بودند که ۱۵ نظامی را برای خرابکاری به قزاقستان فرستاده است.

ترکمنصحرا همچون دفعات قبل استقبال گرمی از این گروه به عمل آوردند. نمایشنامه ها بزبان ترکمنی است و در شهرهای مختلف ترکمنصحرا نیز اجرا شده است. این بار قرار است بنا به گفته تاج محمد ولی اف نمایشنامه ترکمن نامه به اجرا درآید که از کتاب معروف افسانه های دده قورقوت برگرفته شده است. این گروه که بزرگترین و بهترین بازیکنان تاتر ترکمنستان را در بردارد. نمایشنامه های معروفی از جمله "قالا" که درباره کشتار ترکمن ها توسط روس ها در کوک دفعه است در کشور ترکمنستان با استقبال زیادی روبرو شده است.

کوچ اجباری ترکمن های عراق

بنا به گفته رادیو صدای همبستگی ملی عراق، رژیم حاکم بر بغداد به تازگی اقدام به کوچ اجباری ۵۶ خانوار کرد و ترکمن از مناطق تحت سلطه خود کرده است.

ترکمن ها که ساکن کرکوک و خاتقین بودند به مناطق دیگر که خارج از سلطه رژیم عراق است کوچانده شدند. بنا به گفته رادیو ارکان الوفاق الوطنی که از کردستان عراق پخش می شود، تاکنون تعداد کل خانوارهای ترکمن و کرد عراقی کوچ داده شده از مناطق اصلی سکونت خود به ۱۵ هزار و ۵۰۰ خانوار با ۲۹۰ هزار و ۶۰۰ جمعیت می باشد.

شعر ترکمنی :

"خوش جه قال"

"ترکمنیم باردی"

سروده آقای قربان ترکمن به

آدرس ما رسید.

مقاله ترکمنی از طرف جمعی از دوستان از ترکمن به ما رسید که در این شماره چاپ شده است.

کمک مالی دوستان

سیاری از دوستان علاوه بر پرداخت آئونه نشریه، جهت حمایت از ایل کون کمک های مالی کردند. ما ضمن تشکر از این دوستان خواهشمندیم در آینده نیز ما را با هیاری و حمایت خود یاری دهند.

توضیح :

متأسفانه دنباله مطالب

۱. پاسخ به مطالبات ملی و

فرهنگی ترکمن ها از کدام راه و

با کدام وسیله ؟

۲. يك لحظه در گذر زمان

به دست ما نرسید.

از این بابت از خوانندگان پوزش

می طلبیم.

کتاب این دوستان به آدرس ایل

کون رسید:

دکتر فرامرز سلیمانی

"گشت دشت"

آقمیرات گورگنلی :

"تورکمنستانینگ تاریخی"

۱۹۱۷-۱۹۲۷

Milli Kalendar

Türkmen Tarihiniň Kronologiası

نامه یا مقاله انتقادآمیز از کتاب

موسی به قلم آقای آشور نیازی

به نویسنده کتاب داده شد.

نوشته ای تحت عنوان "پاسخ به

چه نباید کرد؟" به قلم آقای

گرگزی به آدرس نشریه رسید.

"بیانیه سازمان دفاع از حقوق

ملی ترکمن" به آدرس نشریه ایل

کون رسید. ما ضمن تشکر از

ارسال آن آرزوی موفقیت این

دوستان را داریم.

نامه های رسیده

گروهها و انجمن ها

از گروههای سیاسی، انجمن های فرهنگی و ادبی که نشریات و اطلاعیه های خود را به آدرس ایل کون ارسال کردند و همچنین از تمامی دوستان نشریه که تبریک و کتاب فرستادند متشکریم.

پست الکترونیکی این دوستان و گروهها به آدرس ما رسید:

- استاد: به مناسبت چهلمین سالگرد کنفدراسیون
- حمید : بمناسبت سفر خاتمی به فرانسه
- نشریه انقلاب اسلامی در هجرت -
- بهمن شفیق : "گلاسنوست ..."
- ناظم : مقاله

- دکتر فرزاد مرجانی: صفحه اینترنت

مربوط به ترکمنها:

<http://www.turkmens.com>

kenneth R. Timmerman

Nazar Mamet.

پرزيدنت نيازوف و ايران تورکمن لری

تورکمنیستان پرزيدنتی ساپارمیراد نيازوف (تورکمن باشی) ، به بیک فیلسوفیمیز مختومقلی پیراغی نینگ دۇغیلان کونونینگ ۲۶۶-نجی ییل دۇنیسی میناسباتینا ، آق توققایی دا توتولان دابارالی بایرامچیلنغا قوشولنپ ، اوز کزه کینده چنقنش ادیپ ، تورکمن و ایران خالقارنننگ تاریخی آراقاتناشقلاری بارادا سوزینی تاماملان سونگ ، ایران تورکمن لرینه یوزلنیپ شه یله دیدی :

پورصادتان په یدالانپ عزیز واطانداش - لاریمیز ، ایران دا یاشایان تورکمن دۇغانلارنمز ، سیزه یوزلنجک بولیارن ! ایران دؤولتی سیزینگ آتاواطاننکنز ، تورکمن دؤولتی هم سیزینگ آتاواطاننکنز ، سیز ایکی دؤولتینگ انسانی ! عزیز واطانداشلار! ایران خالقی بیلن تورکمن خالقنننگ کچمیشده کۆپ بیر اولی بیله دۇغانلق قاتناشقلارام بولان ، به بیک قان قاتنشقارام بولان . اوتونگ اوچین شو دؤولتده سیز هممه ایرانینگ به یلکی خالقاری یالی ، قانون اساسندا حوقوقلارنکنز دنگ ، اوتونگ اوچین سیزه شو دؤولتده آغزی بیر یاشامای ،

اوستونلیک قازانماغی ، میللتینگیزی ، دیلینگیزی ، دایینگیزی یتیرمانی ساقلانماغنگیزی ، قونگشی ایکینجی واطاننگیز تورکمنیستان ، اوتونگ خالقی بیلن ، دؤ-غانلارنکنز بیلن همیشه اقتصادی ، مدنی قاتناشقلاری ادیپ دورماغنگیزی ، سرحدده یونه که یلشدیریلیپ ، کچر یالی شرط دوزره دریس ، ایکی واطانینگ هم اوتوللاری بولوپ ، به بیک الله دان دیلگ ادلینگ پاراحاتچنلق یوردونگیزده بولسون ، پاراحاتچنلق اویونگیزده بولسون ، پارا-حاتچنلق ایکی دؤولتینگ هم انزندا بولسون ! عزیز دۇغانلاریمیز! ینه بیر سیزه آیتجاق زاندم : تورکمنیستانننگ خالقی ۲۱-نجی عاصرا ، اوزونینگ آلتن عاصرننا تاینللق کوزیار . آلتن عاصردا تورکمنینگ روحنی ، تورکمنینگ آنگنی ، دوشونجه - سینی ، دایینی ، دوزکونینی پاراحات خالق ، آغزی بیر خالق حوکمینده ، عاقللی خالق حوکمینده دونیا چنقارماقچی . موندا بیز تورکمنلر اوتونگ ، آتا بابالاریمیز اوز قنلنجنا ، آتننا دایانان بولسا ، ایندی تورکمنلر اوز آقتل - پایخاسی بیلن دونیا تانامالی . سیز هم شول تورکمنلرینگ بیر بولگی ! اوتونگ اوچین من یانگی دؤولت مینیستری بیلن گوررونک ادیپ ، آرادا اوز

دۇغانم ، ایرانننگ به بیک اوغلی ، ایرانننگ پرزيدنتی سیدمحمد حاتما چاقنلق اتدیم تورکمنیستانا زیارات اتسکینی . ۲۱ -نجی عاصردا تورکمن - ایران قاتناشقلارنی آلتن عاصرا ، آلتن قاتناشقلارا اوورومک بارادا ایلااشنغنگ نوسخاسننی دوزیاریس . شول ایلااشنقدا-دا تورکمنلر بیلن (ایرانلی تورکمنلر بیلن) تورکمنیستانلی دۇغانلارنکنزنگ آراسنداکی قاتناشقلاری برکلشدریمک ، آرقالاشماق ، هممه زات کوز اونگینده توتولار . من شو کونکی حاطنرا کونونده ، سوزیمی به بیک عاقلدار مختومقلی ننگ شو ستیر-لری بیلن تاماملاق ایسلیارین : ایلیمیز اولاشسن سوولماز یازا توغسان دولنپ تامام بولسن قنشنمز به بیک عاقلدارننگ آیدنشی یالی ، تورکمنیستان و ایران خالقارنننگ کلچگی عشرتلی ، دوروم -دورموشلاری همیشه آبادان بولسون ! شونام هممیز بیله - لشیپ الله تعالی دان دیلینگ ! سیز تورکمنلر ، شول آتا- بابالارنکنز یالی مردلیگی ، قایراتلنلنغی ، پایخاسلنلنغی ساقلارسننگیز دییپ اللهدان دیلگ ادیارین . هممانگیز ساغ بولننگ ، آغزی بیر بولننگ !

قاراشيار اولكام

توركنيستاننگ قاراشسزليغيننگ دونيا
دؤولته رى طاراپنندان ايقرار اديله كيننگ
بويسانجى اوچين :

اوله ديم عاجايپ كوله رى كوردوم
مونگده بير ميننتدار سانگا اي ايپام
قارنپ قوشده ك يورت آرادنم عاصرلار
ايندى قونماق اوچين باردنر هوويرتكام

انه توپراغيدا قول بولدوم يادا
آتا واطانيدا كچه ديم زادا
كوز ياش تسكين بردى يوركده اودا
اينجالنپ باشلادى يارالى سننام

اوزه ي انا انه ديديم يالانندان
داشم گولدى ايچيم دول يالانندان
قاماتم بوكولدى هيجران اينده ن
بوشلوق ! يار اوزوريليار قوللاريندا جام

حاقيقى يتيميش واطانسز انسان
بويسانچسز يوره كده دونگار اكه ن قان
دانگ دويى آغارنپ آيپليار جهان
دومانلار سزرنلنپ كينگه ليار دونيام

بير به بيك چنناردنم پالتا اوردولار
مازارندا طوى مه يليسز قوردولار
كوزه ل ايلنگ قوجاغندان سوردوله ر
بو كون قوجاق آچنپ قاراشيار اولكام

دانگ آتار

توموس ۱۹۹۲ - آشغابات

Şahyr Nesimi....

gelyänligini öňe sürenler, ony
dynsyzlykda we şerigata garşy
çykyş edýänlikde günälapdirler
Nesiminiň türkmençe, türkçe
hem parsça we arapça şygyrla-
ry bar. Aralarynda Fuzuli-da
bolan we tasawwuf meselesin-
de kelle döwen Iran hem türk
şahyrlaryna öz täsirini ýetiren
Nesiminiň şygyrlary üç diwan-
da toplanypdyr. (Meýdan La-
rousse, 9-njy jilt, Istanbul 1972
s.297)

Nesimi, çeperçilik-ussatçylygy
babatda kämil şygyrlary bilen
gündogaryň şygyr ussatlarynyň
hataryna giripdir. onuň arap di-
linde ýazyp galdyran diwany
gola salnyp bilmändir, ýöne
onuň türkmençe, türkçe we
parsça ýazan şygyrlar ýgyndy-
sy Yrak, Türkiýe, Iran we
ozalky Şurewiniň dürli jemhu-
riýetleriniň uly şäherlerinde, ine
meselem Moskow, Leningrad,
Baku, Aşgabat we Daşkent
ýaly şäherlerde saklanýar.

* * *

پرزیدنت نیازوف :

”آزادی یالی، مختومقلی

یالی آنگرسندا یاتان به

بیك شاخصیاتلاری

بارقا، سیز ایراندا

یاشایان تورکمنلر،

ایراندأکی تورکمن

واطانداشلارئمئز،

اوزینگیزه، میللتینگیزه

قوانماغا حاقئنگئز

باردئر. ..

پرزیدنت نیازوف :

”ایران دؤولتی سیزینگ

آتاواطانئنگئز، تورکمن

دؤولتی هم سیزینگ

آتاواطانئنگئز ، سیز

ایکی دؤولتینگ انسانی !

Şahyr Nesiminiň aýykybaly (2-nji bölüm)

Dr. Mehmet Kiliç

Nesimi öz eserlerini toplumyň etniki taýdan dürli-dürlüligini göz önünde tutup, üç dilde ýagni: arap, pars we türkmen dillerinde, Alyşyr Nowaýynyň sözi bilen aýdanymyzda „Türkmeni dilde“ döredipdir. Öz eserlerini ussatlyk taýdan, bu dilleriň her birinde görülyän we sanlary milýonlara baryp ýetýän adamlaryň milli şahyrlarynyň ussatlyk derejesine ýetirip bilmek yeňil-ýelpäý iş däl.

Nesimi, zehinli hem ukyply şahyrlaryň biri bolany üçin, özüniň her dildäki eserlerini, şol dilde bolan iň gowy eserleriň derejesine ýetirip bilipdir.

Wagşynyň jary-hossary köp diýilşi ýaly, azarbaýjan, arap, pars, türk, türkmen we ermeni halklarynyň hersiniň oňa öz şahyrlary hökmünde garamaklary hem hut şunuň bilen bagly bolsa gerek.

Nesiminiň wagşyçylyk bilen öldürilen yeriniň Suriýäniň Halap şäheridigi anyk belli bolsa-da,

onuň nirede dünýä gelenligi hakdaky pikirler diýseň çapraz. Onuň Bagdatda, Bagdadyň golaýyndaky Nesim obasynda, Türkiýäniň Diýarbakir şäherinde, Iranyň Şiraz şäherinde, Azarbaýjanyň Tebriz we Şirwan şäherlerinde dünýä gelenligini öňe sürýän alymlar bar. Bir rowaýata görä Bagdatda balykçy maşgalasynda, başga bir rowaýata görä hünärmend maşgalada, takmynan 1370-nji ýylda dünýä inipdir. Onuň öz dogduk mekanynda ylym-bilim alyp bilenligi we döredijilik işine-de şol yerde başlanlygy aýdylyar. Ol öz ilkinji eserini Seydi lakaby bilen ýazypdyr, soňra bolsa Mansur Hallaç ady bilen meşhur bolan filosof şahyr Abulmugys el-Hüseýni-niň, Hüseýniýe we Hallajiýe diýilip atlandyrylyan filosofik ugurlaryň birinjisine tüýs ýürekden baglanyndy, we eserlerini-de Hüseýni lakaby bilen ýazypdyr. Soňabaka Hurufizm filosofiyasynyň esasyny goýan we 1394-nji ýylda agsak Timuryň permany bilen, onuň üçünji ogly Miranşah tarapyndan wagşyçylyk bilen öldürilen Fazlullah Naimi Astrabady

bilen ýakyndan tanyşmagy, onuň ýiti täsirinde özbaşdak filosof hökmünde formirlenmegi netijesinde bolsa Nesimi lakaby bilen ýazypdyr.

Din wekilleri tarapyndan kapyrlykda aýyplanyp agyr jezalandyrylan Mansuryň we Fazlullahyň filosofik ugurlaryny özboluşly ösdüren hem kämilleşdiren Nesimi-de, ruhanylar tarapyndan yzarlanypdyr. Şonuň üçin-de şahyr, uzak wagtlap, tä ömrüniň ahyryna çenli Yragyň, Iranyň, Kiçi Asiyanyň Suriýäniň oba-şäherlerinde sergezzançylyk etmeli bolupdir. Ahyrda-da ol, Suriýäniň Halap şäherinde 1417-nji ýylda (1404-nji ýyl: Meýdan Larousse, 9-njy jilt. 1972 s. 297) diriligine dabanyndan depesine çenli derisi soýlup, derisine saman dykylyp, görene göz etmek üçin bir hepdeläp şäheriň derwezesinden asylyp goýlupdyr.

Fazlullah Naimi Astrabady (Hurufi) nyň halypasy bolan Nesimi, öz sygyrlarynda, oý-pikirlerini we tarykat ynançlaryny açyk suratda beýan edýärdi. Onuň pikirleriniň, Yslam dininiň kadalaryna ters

كوزغه آلمانی اولارغه باقنه بولدیلار. الله اولاری دوغری یولگه هدایت ابله سبز. ایندی بو سچیم دا و یا باشقه کلجاق سچیم لاردا - ترکمن ملت نینک رای نقطه ترکی - بولماسی - دنیا قاوی و اورتا یاشاماق لاری و اوزینه ایه چیقماق لاری اوچون، ترکمن ملت ینه باغلی انسان لارینگ بیریرینه بورجی دور، اول بورجی عمل غه آشیرماق غه، الله تعالی همه میزغه گویچ قایرات و صبر بیرسون . (آمین)

سیزغه باغلی دردلی لارینگ استاغی بولسه، اول یارادان و عقل بیرکان الله تعالی دین، - بو سچیم - ترکمن ملت ینه خیرلی بولماغی و خیرلی انسان لارینگ سچیلماغی و دینچ لیق و پاراختلیق بیلان باشلارینگیز دین هیچ کیمسه نینگ بُورنی داحی قانامانی گچماغی و باشینگیز دین ساولماغی دور، وبو چکجاق زحمت لارینگیز غه و یولگه دوشجاق منورفکرلی لارغه خصوصا، یاش قوچ یگیت و یاش یولبارس تکین ترکمن قیزلارینه - ساغ بولینگ و الله قوات آیدماغمیز دور- و سیزلاردین عاجزانه تیلاغمیز، ایکی لیق لاری، یالچی لیق لاری، یالانچی لیق لاری - بیرلیق، دوغرلیق ، دوغانلیق ، هامراق لیق بیلان- آرادان آیریب، شو اوزینگیز غه باغلی فکر ایه لارینی سایلاب ایبرماق لارینگیز دور.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ترکمن ملت نی دوست گورگوجی لاری توفاری

(جمعی از دوستانان مردم ترکمن)

آبان آیینینگ دوقوزی ۱۳۷۸

دوشماغی شرط دور. هیچ بولماسه هریر ملت نینگ - اینانج لارینه و اولارنینگ یازکان قانون لارینه کورا- شو حقی باردورکه اوز استادیکی و تانیدیگی و دردینی بیلگان و اوز تیلینه سوزلاکان و اوز اینانج لارینه اینانگان لارعی اوز طرفیندین ایلچی (نه یالچی) ادیب مجلس غه ایبرماغی!

ترکمن ملت نینگ قیزلاری، اوغلان لاری، اوقوچیلاری، دورلی علم عالم لاری، یاش اولی آق ساقال لاری ، یاش اولی انه لاری ، تایخان لاری، بالیق چی لاری، مالدارلاری و ایشکارلاری وهمه، یاش لارعی سچیم غه یتیشگان لاری - قهرسیز، غضب سیز، هامراق لیق یولی بیلان- فقط عقل غه دایانیب، بو سچیم لارغه - اوزیندین سچماق غه- قاتیشماق لاری - بیریرینه-، اوز دورمیش یاغدایینی اوتگاتماق غه و بارلیق لارینه ایه بولماق لیق غه بورجی دور.

ترکمن ملت باشقه، ایران ملت لاری بیلان یاشاماق غه هیچ بیر زمان قارشی دال دور، بلکه استاغی اولار بیلان برابر یاشاماق حقینه قاوشماق دور- بیر ملت اوزینه خدمت اتماغی و اوزینه ایه بولماغی، هیچ بیر فکر غه و اینانج غه قارشی دال دور، بلکه هرکیم قین لیق لارینی، دوغری نوزیک یاشاماق لارینی - اوز اویندین، ایلیندین، و ملتیندین - هرقایسی نینگ اوز جاینه کورا باشلاب تا بیر همه برابر و بیرلیق درجه سینه قاوشیانچه ، - اول بیر زمان که هرکیم اوز حقنی و جاینی بیلسه ، هرکیم اوز بارلیق لارینه ایه چقیب ارکینلیک دا یاشاسا، اول کون بیر اولکه نینگ همه یاشادیق ملت لاری بیر آبادلیق و آزادلیق غه قاوشماق دور.

بیزینگ ترکمن ملتیمز هم باشقه ایران ملت لاریندین هیچ بیر کم چیلیگی یر یوزیندا یاشاماق لیق دا یوق دور، اول اوجون اول ملت نینگ حق لاری تانیلماغی بو زمان هر بیر زمان دین ضرور دال دورمی؟! اما بیر شرط بار دور، اوز ملتیمز ترکمن غه، اول شرط دا شو دورکه ، اوینچه ترکمن ملت نینگ اوزی، اوز حق لارینی تانیماق و اونکه ایه چیتماق دور و دوغری یول لاریبیلان سس لانماق دور. کچان لاردا غیری غه سویکانیب اوزینی اوندکان لار- ال لارینه آق یالقی آلیب کزکان لار- اول حق لاری تانیماق غه آنکی بولان انسان لاری آلداب ، اولارغه قاوی کورینجاق بولیب یالچی لیق قیلیب، غیرغی اوزینگ یالقی دیب جارچکیب کزدیلار، ترکمن ملت نینگ منفعتنی-

بیزلار بولساق سانیمیز بللی بیر ملت دورس اول ایران کوب ملت لار آراسیندا
 بارلیق لاریمیز، بای لیق لاری میز بیلان داعی ینه اشاق یوقاری بللی دور، اول سبب
 لار بیلان- اوینچه اوز اومیزمیزغه دایانیب، آراز دین تیلاغ لاری اورتا قویساق بیلان و
 اونگه اوزین اوزاق زماندین یتیشماق لیق لاریمیز کیراک دور، اولدا ینه هیچ کیمسه
 نینگ بۆرنی داعی قانامانی و یا هیچ کیمسه ضرر و قین لیق چکمانی، عقل لی، کوز
 آچیق لی، دوغری توزیک، کوچ اوزیندین آلگان، هیچ کیمسه غه (اوزیندین باشقه)
 دایانمانی، هیچ بیر یرغه باقنا بولمانی، کوچ اوزینه بیرکان یول لاری بیلان، یولگه
 دوشیلماسی شو دورمیش یاغدا ایستاماق دا دور، اول یول لارینگ بیری بولسه اوز
 آرانگیز دا نیچه یل، اسلام و مسلمانچیلیق آدینه بولان دوریم دین صونگره، کچیریلگان
 شهرلار، اوبه لار شورا سچیمی دور،- اول اوجون - الینگیز دین گویجینگیزدین
 کلگانینی قیلدینگیز و اوز منورفکرلی و اوزینگه باغلی و اوز دردینی بیلگان لاری
 باشاردیق لارنگیزدین سایلاب سچدینگیز،- تانگری یالقاسین، الله قوات بیرسون-
 دردلاری درد چکگاندین باشقه بیلجاق بولماس و اونگ مرهم نینگ ایزینه دوشجاق هم
 بولماس، سیزلارغه اول دردلاری تانیب مرهم تاپماق لیق غه الله قوات بیرسون، ایندی
 بولسه اول سچیم دین چوراسی کینگ راق بولان، ایران مجلس نینگ آلتی لانجی دویر
 سچیمی آی به آی قولایلاشماق دا دور. اکر شهر لار و اوبه لار شوراسی اول یرلاری
 آباد اتماق غه کوچ قایرات صرف اتماق لاری بولسه ، مجلس غه سچیلجاق لارهم اوز
 ملت نینگ اینانج لاری، تیل، داب دستورلاری، دنیا اورتا یاشاماق کیراک لیق لاری،
 ملت اوسیشی، اوغه کیدیشی باراسیندا وهرییر ملت اوز آیاغ نینگ اوستیندا دورماغی
 و بیر توپلوم حالدا بیر یایلاق دا (ترکمن ولایتی آدینه) بولیب یاشاماق لارینی آز
 آزدین هم بولسه آچیق لاماشرط لاری بیلان، سیزلارهم اوز ملتینه باغلی و اوزایچیندین
 چیقگان و درد ایه لارینی- هیچ بیر کوچ نینگ آشاغینه دوشمانی و بوین انگمانی
 بللی ادیب ، اوز ایلچی لارینگیزی سایلاب مجلس غه ایبرمانگیز کیراک دور، وهمه
 کوچ قایرات لاراونگه بولماسی کیراک دور، اول اوجون ترکمن ملت نینگ همه سی
 اولی، کیچی دیمانی-ارکک، قیز دیمانی-یاش اولی انه، آتا دیمانی- آغزی بیربولیب،
 ایکی لیق چیقارمانی، اوزیندین باشقه غه حتی بیررای داعی بیرمانی اوغه کلیب یولگه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

"آق اوی یاساماق غه توینیک، تاریم و اووغ گیراک دور،
اُونگه عقلی، اهل و صالحی بجرگوجی اوستا تافیلینگ"

ترکمن دوغان لاریمیز

السلام علیکم ورحمه الله و برکاته

هرییر ملت اوزینه ایه چیقماسه و اوزینه باغلی و گیراک لی زاد لارینی، اوزی قوریماسه و اُونگه آرقا چیقیب، قول لاماسه، باشقه یردین کلیب، هیچ کیمسه آرقادا چیقماس و قول لاب هم دورماس، اول اوجون - کم چیلیق لاری و بای لیق لاری تافیب- کم چیلیق لاری آرادان آیرماق لیق غه و ملت نینگ بار بای لیق لارینی قوریماق غه کوچ قایرات صرف ادیلماغی ، اول ملت غه تابع و اُونگه جانی یانگان لار طرفیندین گیراک لیق لار قیلینماسی و بولماسی گیراک دور. اول بای لیق لار ترکمن ملت یندا کوپ دور، تیل بای لیگی، داب دستور لار بای لیگی، یربای لیگی، مالدارلیق بای لیگی، و هر بیر دنیا یاشاماق گیراک لیق بای لیق لاری کوپ دور، اقیش لاریندا دوشاماق غه اوزالی بیلان بجرگان کچه دور هالی لارینی- تومس لاریندا دوشاماق غه پلاس، کلیم بجرگان ترکمن- یاز بیلان گوینز گوجماغینه آق اوی ، قره کودیکما بجرگان ترکمن، چورغنی، یاغنی، اتینی اوزی اوندیرگان ترکمن، دوزلاریندا سو یوق دیب قوزیق قازیب تاش بیلان اورگان ترکمن- تیل بای لیگی مختوم قلی و..... یالی شاعرلاری و یازوچیلاری باردور ترکمن نینگ) .

ترکمن ملتی یل لارچه قین چیلیق چکیب و گوریب داعی ینه بولسه شو گون غه قدر بارلیگینی بیلدیریب، کوپ لارچه تلاش لار قیلگان دور، اول تلاش لارینگ اوستنه باشقه بارکم چیلیق لاری آرادان آیرماق غه و اوسیب اوغه کیدیش لاری کوپالدماق لاریمیز کیراک دور، اولدا دوزمیش یاغدای لاری هریر طرفنی گوزغه آلیب، مقصد غه یتیشماق اوجون ، گوز آچیق لیق لار، عقل غه دایانیق لیق لار بیلان باقماق و بارلیق لاردین دوغری توزیک ، هیچ کیمسه غه قین لیق یتیشماسیزلیگنی داعی عقل بیلان چوغلاب ، اوغه کیدیش لیق لاری و یتیشماق لیق لاری اورتا قویماق لیق بیلان دور.

ýesimiz gelse-de ony turuzan häkimiýet wekilleriniň hemmesi aradan çykdy, yöne geçmişden gelejek üçin sapak almalydyr, diýen söz, galanlaryň gulaklarynda hemişe şaňlap durmalydyr.

Türkmenistanda uruşıň izisüresi, aýdyň türkmenlere garşy Burjuaz Milletçilik aýby bilen alnyp barylan göreşler, kemsidiliş we ýanamalar hakynda soňky 10 ýylyň dowamynda ýatlamalar çap edilýär, muny gutlamak gerek. Çünki uruş toplarynyň sesi entek doly gapylmanka, türkmen alymlaryna, ýazyjy-şahyrlaryna garşy edilen hüjümlere „Burjuaz-Milletçilige“ garşy hüjüm ady berildi. Aýyplanmadyk alym, ýazyjy-şahyr galmady we hatda Türkmenistan Ylymlar Akademiýasynyň taryh, dil we edebiýat instituty, Burjuaz-Milletçilik häsiýetde uly ýalňyşlyk goýberenlikde gaty tankyt edildi.

Sowet Türkmenistany gazeti, 1953-nji ýylyň 15-nji Januaryndaky sanynda, Baýmuhammed Garriýew bilen Mäti Kösäýewi Burjuaz-Milletçi hökmünde aýyplap çykdy. Bulardan başga Rahmet Seýidow, Juma Ilmy-

radow, Gurbandurdy Gurbansähedow-da ýazgarylady. Hatda ussat Berdi Kerbabanyň üstüne-de şeýle günä ýüklendi.

Moskwanyň „Kommunist“ atly jurnaly, 1953-nji ýylyň Februryndaky sanynda, Aşgabadyň „Türkmenistan Kommunisti“ atly jurnalyny, „Sasenem-Garyp“, „Asly we Kerem“, „Saýat we Hemra“, „Gorkut Ata“ ýaly halk döredijiligi barada makalalar çap edeni üçin, bular halkyň döredijiligi bilen dahylly däl, diýen bolup, tankyt etdi.

Munuň üstäsine-de Türkmenistan Kommunistik Partiyasynyň (TKP), şol wagtky Ideologiýa boýunça Sekretary Oraz Şyhmyradow (Türkmenistanyň häzirkirki daşary işler weziri Boris Şyhmyradowyň kakasy-dädesi) Gorkut Ata dessany türkmen halkyna ýat epos, diýip onuň Türkmenistan Kommunisti jurnalynda çap edilmegini ýazgaran boldy.

2-nji jahan uruşy we ondan soňraky ýagdaýlar barada gür-rüň ediljek bolsa ol, makala däl, kitap edip çykarylmaladyr. Makalanyň ahyrynda gara günleriň izda galanlygyny we yn-

sanlygyň aýdyň gelejege tarap ugrandygy, biziň halkymyzyň-da bu kerwenden yza galmaly däldigini ýene bir gezek ýatlap, parslaryň bir sözünü gaýtalamak bilen siz gadyrly okyjylara aýdyň geljekler arzu edýärim.

زمنستان تمام شد

روسیاهی به زغال ماند.

Hormat bilen:
Dr. M. Kılıç

A	А	N	ن
B	Б	Ñ	ننگا
Ç	С	O	او
D	Д	Ö	اون
E	Е	P	پ
Ä	А	R	ر
F	Ф	S	س
G	Г	Ş	ش
H	Н	T	ت
I	И	U	او
J	Й	Ü	او
Ʒ	Ж	W	و
K	К	Y	ای
L	Л	Ʒ	ی
M	М	Z	ز

IKINJI JAHAN URUŞY WE TÜRKMENISTAN

Bilişiniz ýaly 2-nji jahan uruşy-ozalky Şurewide aýdylşy ýaly edip aýtsak Beýik Watançylyk Uruşy, 1939-njy ýylyň 1-nji Septemberinde, Hitler Alman-ýasynyň Polşa (Lähistan) çozup barmagy bilen başlanypdy. Şol, 1939-njy ýylyň 17-nji Septemberinde Şurewiniň Gyzył Goşuny-da uruşa gatyşyp başlady. Şonda Stalin bilen Hitle-riň arasynda 23-nji Septemberde, çozmazlyk barasynda gelen ylalaşygyň bir bölegi bolan yaşryn protokolda nazarda tutulşy ýaly, Lähistany yok etmek maksat edilipdi. Polşa döwleti yok edilip onuň topraklary bölünüşip alnandan soň, 1939-njy ýylyň 28-nji Septemberinde, ýene bir Stalin-Hitler ylalaşygyna gol çekildi. Bu gezekki ylalaşyga Dostluk We Araçakler Barasyndaky Şertnama diýilýärdi. Şondan soňra Şurewi, öňi bilen Estoniýa, soň Latwiýa we Litwa döletlerine özara kömek barasynda ylalaşyk baglaşmaklygy teklip etdi we ylalaşyklary baglanyşyldy. Şondan soňra (1940-njy ýylyň

June aýynda) bu üç Baltik döwletini, hamana diýersin, gazanylan şertnamalara laýyklykda öz üstlerine alan borçlaryny (beren sözlerini) yerine yetirmänlikde aýyplap, olary basyp aldy.

1939-njy ýylyň 12-nji Oktoberinde Stalin, hut şeýle bir şertnama baglaşmaklygy Finlandiýa hökümetine-de teklip etdi, ýöne olar bu teklibi kabul etmediler. Muňa gahary gelen Stalin, şondan 1,5 aý soňra Gyzył Goşuny Finlandiýanyň üstüne ýollady. Munuň üçin Şurewi ýurtbasar döwlet hökmünde Milletler Ligasyndan çykaryldy. Şeýlem-de bolsa Şurewi täze topraklar basyp almak hyýalyndan dänmedi we Romanýa döwletine bir ultimatum berip Beserabiýany we Demirgazyk Bukowiany talap etdi. Talap edeni-de şol, derrew Gyzył Goşuny ýollap, şol topraklary basyp aldy. Hut şol wagtlar (40-njy ýylyň 22. June) Fransa, Hitler Almanýasyna teslim boldy. Şonuň önüsyrasy bolsa, Iñlis goşunlary MANŞ bogazyndan kowlup çykaryldy. Şondan soň Hitler, Stalin bilen el-ele berip görüşmeklige

hajat galmady. Tersine, şol wakalardan bir ýyl geçer-geçmez Hitler Almanýasy, Şurewiniň üstüne çozup bardy we Beýik Watançylyk Uruşy diýilen uruş başlandy. Şonuň alyp gelen netijeleri Şurewiniň ilatyna şol sandan Türkmenistan ilatyna-da mälimdir.

Mälim bolşy ýaly, Türkmenistandan uruşa äkidilenlerden 50 müň (belkem-de ondan-da köp) adam öz măriban watany Türkmenistana gaýdyp gelmedi. Olaryň ata-enelerini, aýal, oğlan-uşaklaryny, dost-ýarlaryny-da nazara alanynda görüň ol nähili uly pajyga, näçe yüz-münleriň ykbalyna öz täsirini yetirendir. Olara, ençeme onmünlerçe ýaralananlary, maýyp-çolak bolanlary-da goşmak gerek.

Hawa taryhda deňi-taýy görülmedik we başlananyňa şu ýyl edil 60 ýyl dolan uruşda heläk bolan, ýa-da esir düşen ildeşlerimiziň köpleri henizem „Dereksiz Ýitenleriň“ hasabynda durýar. Bu ýagdaý ýeke bize däl, uruşa gatnaşdyrylan beýleki halklar üçin-de şeýle.

Bu ýerde, şeýle uly pajygaly uruşy turuzanlar utansynlar di-

Biz näme üçin Türkmenistanda düzülen Latyn ýazuwyny ulanmaly?

1997-nji ýylyň Ýanuarynda häzirki II-Gün neşriyesiniň müdüriýetiniň oturyşlygy geçirilip, „neşriýede türkmen dilinde ýazyljak ma-kalalary haýsy ýazuwda çapa çy-karsak ýagşy bolar?“ diýen sorag ara atylyp, maslahatlaşyldy we şeýle oýlanyşyklar orta çykdy:

Türkmen dil-edebiyaty we türkmen halkynyň oýlanyş, düşündiriş we aragatnaşyk serişdeleriniň biri bolan türkmen ýazuwy bilen baglanyşykda biziň durmuşymyzy ölçerip göreniňde iki mesele, beýleki temalary öz içine alyp, birinji orna eýe bolup durýar.

Olaryň biri Türkmenistanyň dominant rolydyr. Biz her bir ýazuwy özümize mynasyp bilsek-de Türkmenistanyň ýazuwyny, onuň türkmen dil we edebiyatynda bolan ägirt roly üçin, öwrenmeli bolarys. Ol, oň şeýledä, geljekde-de şeýle bolup galar.

Ikinji ähmiýetli mesele Europada ýaşayan türkmen ýaş nesliniň ene diline uýmagydyr. Täze nesiller bilen aramyz kesilmez ýaly, olaryň düşüniş biljek hatynda ýazyp-pozmak, olara tarap köpri gurup ýol açmak, häzirki durmuşda iň uly borçlarymyzyň biridir.

Şeýle bolsa Türkmenistandan gözbaş alýan, latyn hatynda çapa çykýan, eserleri özümüz düşünişmek üçin arap hatyna öwürüp-de, soň ýene çagalarymyza ýetirmek üçin latyn harpyna öwürmek, çöregi ýeňsedem iýmek bolar.

Galyberse-de Türkmenistanyň latyn ýazuwyny öwrenmek, dünýäniň ähli künjeklerinde önüp-ösen, aýry dillerde okap-ýazmak öwrenen we häzir dürli ýurtlarda ýaşap ýören türkmen nesilleriniň ýazuw meselesinde ulaşyp, utgaşmaklarynyň we birek-birege düşünişmekleriniň şertlerini döred.

Ine şeýlelikde Türkmenistanyň latyn ýazuwy agramly bolup durýar. Elbetde biz iki hatdan hem peýdalanyp bileris. Ýöne oňa birinji, ýazylan ýazgylaryň kime gönükdirilenligini göz önünde tutmaly bolar.

Sözümiziň soňunda türkmen dil we ýazuwyny öwrenmekligiň ähmiýetini ýene bir gezek ýaňzýdyp geçmekçi. Biziň Europada ýaşayan menikli türkmenlerimiz, Europanyň çylşyrymly dillerini öwrenip bilişleri ýaly, azda-kem zaman sarp etseler, ene dillerini-de birkemsiz öwrenmäge ukyp-lary bardygyna ynanýaryn. Oňa her bir dili öwrenmekde aýdylyş ýaly, türkmençe oýlanyp bilmek gereklidir. Bu ýol agyr-da bolsa, aşylmalydyr.

Bu söziň soňuna şahyr Daňatar-yň şu bendi gelşip dur:

Çalynmasa sazlar,
eştmesem aýdym,
Sözler gara geýer,
gan aglar bendim.

Enemiň hüwdülän,
dilin harlasam,
Şol gün agajata,
minendir meýdim.

* * * * *

Şowly

Görogly rowaýatyndan türkmen halk aýdymy:

Bardyr

Gülaýym jan, çandybilin

Çar pasyl baglary bardyr,

Syýagatly, üsti garly,

Haýbatly daglary bardyr.

* * *

Biri-birine ulaşan

Bulaklary dolup-daşan,

Kükräp, bugra dek dalaşan

Ýolbars, gaplaňlary bardyr.

* * *

Çandybildir mardın jaýy,

Ýigitleri bar sypaýy,

Görogly bag patyşahy,

Gaýym galalary bardyr.

* * *

Perizatlar gezer her ýan,

Göyä diýr sen hüýr gulman,

Ýigitleri derde derman,

Sen kibi ýarlary bardyr.

* * *

Bedewleri oýnap durar,

Çapylsa baýragyn alar,

Guş salsalar awun alar,

Awlakly çölleri bardyr.

* * *

Arhasan diýr ýagşy jaýdyr,

Aldynda tylla saraýdyr,

Agäyunus saňa taýdyr,

Ajaýyp ýerleri bardyr.

باردئر

گول آينم جان چاندى بيلينگ

چار پاصنل باغلارى باردئر .

، سنياغاتلى اوستى قارلى ،

هايياتلى داغلارى باردئر .

، بيري - بيرينه اولاشان ،

بولقلارى دولنپ داشان ،

، كوكراپ بوغرا دك دالاشان ،

يولبارس قاپلانكلارى باردئر .

، چاندى بيلدير مردينگ جايى ،

، بيگيت لرى بار سنپايى ،

، كوزاوغلى بگ پادشاهى ،

، قاينم قاللارى باردئر .

، پريزادلار كرز هر يان ،

، كؤيا دير سن حوير قولمان ،

، بيگيت لرى درده درمان ،

، سن كيبي يارلارى باردئر .

، بدولرى اويناپ دورار ،

، چاپيلسا بايراقتن آلار ،

، قوش سالسالار آوون آلار ،

، اولاقلى چوللرى باردئر .

، ارحاسان دير ، ياغشى جايدير ،

، آلدنكدا طنلا سارايدير ،

، آغا يونوس سانگا تايدئر ،

، آجايىپ يرلرى باردئر .

mukam düzüp bolýarmy. Häzirki siziň eşidip ýören „Hajygolak“ diýen sazyňyzy Kel bagşy birbada başarman, Güni guşluk edýär. Ahyram“Maňa „Hajygolagyň“ yzyny tapmak başartjak däl-ow“ diýip, dutaryny dula söýäp, daş çykýar. Ýaz çykyp barýanam bolsa, aňňat-aňňat gum depeleriniň üstünden aşyp gelyän şemal yüzüňi-gözüňi ýalpap-ýalpap geçýärdi. Kel bagşy şemala tarap yöräp başlaýar. Ep-esli yöränden soň, bir gum depesiniň gapdalynda säginýär. Töweregine ser salýar. Ululy-kiçili gum gerişleriniň üstünden aşyp gelyän şemalyň sazак-çetilere degip, zaryn-zaryn ses edýänini Kel bagşy eşidýär. onuň şol pikir derýasyna gark bolup durşy. birdenem Kel bagşynyň gulagyna zalym hanyň haýbatly sesi eşidilen ýaly bolýar. „Haji sazanda, bu çalyň sazalaryň däl. Men edil ýaňyja çalan sazyňy eşitmek isleýärim. Tüket. Sendenem bir sazanda bormy.

Bir hanyň göwnüni awlap bilmeseň... „

- Kel bagşy tisginip tisginip gidýär. Onuň gözünüň önünde Hajy sazandanyň saz çalyň barmaklary gana bulaşyp ýatan ýaly bolýar. Kel bagşy hanyň Hajy sazanda soňlatmadyk mukamynyň yzyny tapjak bolup, ýene birneme şemala tarap yöreýär. Birdenem hyrra yzyna öwrülip, gaty-gaty ädimläp, agşamky ýatan kepbesine gelyär. Gele-gelmäne-de dutaryna ýapysýar. Ol ýaňy kellesine gelen täsin owazlary yetişibildigidinden dutaryň diline geçirmek üçin azap çekýär. Ilki „Hajygolagyň“ öňki çalyşyny çalyň görýär. Soňam ýaňyja tapan tapyndysyny sepleýär weli, bir kemsiz saz bolýar duruberýär. Öň eşidip ýören bolaýmasaň, täze tapyndy diýer ýaly däl.

- Kel bagşy ýene „Hajygolagy“ tapyndysy bilen çalyň görýär.“ Şuňa-ha gysga saz diýip bolmaz“ diýenem şol welin, ony ýene toý ýerine

çagyryrlar. Toýa ýyganan adamlary görüp, Kel bagşy turubaşdan belent sazalary çalyň başlaýar. Ol bir meýdan saz çalandan soň „Hajygolaga“ yazýar. Asyl saz gutarmaly ýerinde gutarmandyr. Ahyry sazanda çalyň oturan sazyny gutardym edip maňlaýyndaky der damjalaryny ýaglygy bilen süpürmäge durýar. Toýa ýyganan adamlaryň ählisi bir agyzdan: -ylhamyňa bereket!

- -zehiniň egsilmesin, sazanda!- diýip, bagşynyň berekellasyňy yetiripdirler.

Dowamy bar

Yusup Berdiyewiň „Halypalar“kytabyndan, Aşgabat, „Türkmenistan“, 1985.

Kel bagşy

Hawa, onsoň Kel bagşynyň toýa geljegini eşidip, märeke bary ýygnanypdyr. Onuň şägirtlerem Täçmämmedir Mylly saz çalyp, oglan bagşy adyny göterip ýören Sahy bagşam şol toýda aýdym aýtdy. Gije ýarymdan agansoňam Kel bagşynyň beýleki bagşy-sazandalardan esasy aýratynlygy bardy. Olam bolsa toýa çagyrylanda başardygyndan eşdilmelik sazy aňynda jemläp barardy. Kel bagşy bilýän sazlarynyň ahlisini çalyp, toýçularyň berekellasyny alyp oturyşyna, bir saz ýazdy. Ol şeýle bir çalyrdy welin, märeke bir gulaga öwürülipdi. Daňam atypdy. Ýöne, ynha, birdenkä Kel bagşy del deňi soňlaman saklandy duruberdi. Saz diňläp oturanlardan „Kel-ä sazyň yzyny tapmady-ow“ diýenlerem boldy. Soň görüp otursak, Kel bagşy sazyň yzyny tapman däl-de, bir topar gyzyň suw almak üçin çeşmä gitmän, ýaýdanjyrap saz diňläp durandygyny gören bolsa nätjek. Kel bagşy ýanyndaky oturana: „Bar, zalywat, ýet, ol gyzlar beýdişip durmasynlar.

Olar bu sazlary diňläp, dünýäni unudan bolmaga çemeli-diýenden töweregimize seretsek, bir topar gyza gözümüz düşdi. Sazyň arasyna gürrüň düşeni sebäpli, ýaňky gyzlaryň her haýsy bir tarapa zym-zyýat boldy. Şonda saz diňläp oturanlardan biri örturup, Kel bagşydan ýaňky soňlaman goýan sazyň tazededen çalyp bermegini hem sazyň adyny aýtmagyny haýyş etdi. Göreniňem Kel bagşy, ençeme toý-meýlisleri sowan adam. Ol adamlaryň haýyşyny kanagatlandyrmak üçin, dutaryny tazededen düzüp çalmaga başlady. Ol çalyp oturan sazyň gutaryp, sazyň adyny aýtman, dutaryny bir gapdala söýedi. Äwmezlik bilen maňlaýynyň derini sylady. Soňam sazyň muşdaklaryna ýüzlendi:

- Halaýyk, şu täze eşiden sazyňyza „Gyz durdy“ diýseňiz ýalňyşmarsyňyz-diýdi. Balaka aga sözüne dyngy berdi. Ol dutaryny bykynyna gysyp, bir salym oýa batdy. Birdenem başyny dik tutup, gürrüňini dowam etdirdi:

„Size ýalan, maňa çyn. Kel bagşynyň bu jelegaýlarda dutary-

nyň şirin owazyny eşitmedik oba ýok bolsa gerek. Bilen bolsaňyz, Kel bagşyny Kazy diýen oýa toýa çagyryrlar. Kel bagşy sözünde tapylmagy halaýan adam bolansoň, çagyrylan ýere barýar. Hormatly myhmany gumlylar uly şowhun bilen garşylap, törden orun berýärler. Dem-dynjyny alandan soňam sazandanyň sazyň diňlemekçidiklerini aýdýarlar. Kel bagşy mukamlaryň näýbaşy-laryndan çalmaga başlaýar. Sazanda mukam yzyna mukam çalyp, bir gijesini geçirýär. Şonda Kel bagşa:

- Bu çalyan sazlaryň haýsysy has uzynrak diýenler. Kel bagşy „Hajygolak“ diýen sazyň, uzakrakdygyny, ertesini şol sazy doly çalyp berjegini aýdýar-da, ýatmakçy bolýar. Emma ukusy tutmaýar. Gözüne çiş kakylan ýaly. Şol agdarynyň ýatyşyna-da daň saz berýär. Ol ýerinden turup, eline dutaryny alýar. Ol şeýdip ýeke özi säher bilen saz çalyar. Soňam toýçulara „Hajygolagy“ doly çalyp bermek üçin beýnisine agram salyp başlaýar. Ussat bolanynda-da bir bada täze

holmagy hem-de siýasy gözýetiminiň giňelmegi diýmekdir.

Türkmen halkynyň öz milli kimligini has aýdyň tanatmak, basgylanan milli buýsanjyny gaýtadan direltmek hem-de milli düşüncesini giňeltmek arkaly, özüne bolan ynamyny we watana söýgüsini has ýokary götermek, garaşsyzlygyň iň esasy daňanjydyr. Bu ugurda-da garaşsyzlykdan bári örän oňaýly hem umydlandyryjy işler edildi. Türkmen dili döwletiň resmi dili hökmünde kanunlaşdyryldy we ony doly durmuşa geçirmek ugrunda talaş edilýär. Türkmen ýazuwunda reform geçirilip latyn elipbiýiniň esasynda täze elipbi döredildi. Munuň özi garaşsyzlygyň bir simboldyr. Prezident Niýazofyň baştutanlygynda ;Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar (ynsansöýer) Birleşigi; döredildi. Bu birleşigiň işlerine Türkmenistan jemhursynyň daşyndan-da dünýäniň dürli ýurtlarynda ýaşayan türkmenler, şol sanda Eýranda we Owganystanda ýaşayan türkmenler hem gatnaşar.

Türkmenistan prezidentiniň tarapyndan yglan edilen ;On ýyllyk Milli galkynyş; esasynda türkmen halkynyň taryhyny hem edebiýat taryhyny gaýtadan ýazmak, sungatyň dürli görnüşlerini milli öwüşgünde we folklorik temalaryň esasynda ösdürmek ugrunda-da guwanarlyk işler edildi we edilýär. Mysal üçin 1993-nji ýylda Aşgabatda ;Türkmen

halkynyň gelip çykyşy, Dünýä ýaýraýsy hem-e onuň Döwlet meselesi; adynda üç temany öz içine alýan halkara ylmy konferans geçirildi. Bu konferansa dünýäniň köp ýerlerinden, şol sanda Fransadan, İfilisden, Türkiýeden we orsýetden köp sanly alymlar gatnaşdy. 1999-njy ýylyň Maý aýynda türkmenistan alymlarynyň we Septambr aýynda bolsa daşary ýurtly alymlaryň-da gatnaşmagy bilen, türkmen halkynyň we bütin türk dünýäsiniň milli eposy bolan ;Korkut Ata;nyň 1500 ýyllygy adynda ylmy konferanslar geçirildi. Şonuň ýaly-da prezident Niýazof ;Ruhnama; adynda uly bir eser döredilmegi hakda karar çykaryp özüniň hem onuň ýazylmagyna gatnaşjakdygyny yglan etdi. Halkymyzyň taryhyny, bütin ruhy baylyklaryny, däpdessurlarydyr milli häsiýetlerini öz içine almasyny göz önünde tutulýan bu kitabyň ýazylmagyna bütin türkmen alymlaryny, şol sanda şu ýylyň maý aýynda Aktokaýda milli şahyrymyz Magtymgulynyň ýadigärliğini açmak dabarasyna gatnaşan wagty, Türkmen-sähra türkmenlerini-de oňa gatnaşyp öz goşantlaryny goşmaga çagyrdy.

Biz bütin bu oňaýly öňe gidişlere wagtlaýynça daşary ýurtlardan syň edýän türkmenler hökmünde tüýs ýürekden guwanmak bilen bir wagtyň özünde, bar bolan käbir yktysady, siýasy we jemgîyetçilik durmuşyn-

daky kynçylyklaryň, ylaýta-da daşarydan aralaşan neşekeşlik pajygasynyň dowam etýändigine-de örän gyňanýarys we olaryň ýakyn geljekde halk bilen döwletiň agzybirligi hem arkadaşlygy bilen ýeňilip geçilmesini arzuw edýäris.

Biz, prezident kabinetiniň ýanyndaky ;Demokrasýany öwrenmek we ony Türkmenistan şertlerine uýgunlaşdyrmak; ugrunda iş alyp barýan merkeziň oňaýly hem ýurdyň bähbidine laýyk netijeler çykaryp, ýurdyň senagatlaşmasy we jemgîyet gatnaşyklarynyň özgerip synpylaşmasynyň netijesinde ýüze çykjak dürli guramalarydyr partyýalaryň azat hereket edip bilmesini kanunlaşdyrmak we şonuň ýaly-da ynsan haklaryny giňeldip kepillendirmek ýaly döwriň talabyna laýyk çäreleri geçirilmek arkaly, Ata watanymyzyň dünýäniň iň ösen ýurtlarynyň sepgidine ýetmesini tüýs ýürekden umyt etmek bilen bir wagtyň özünde elimizden gelen arkadaşlyga taýýardygymyzy-da yglan edýäris.

Türkmenistan jemhursynyň garaşsyzlygynyň 8-nji ýyl döwürini, Başda prezident Saparmyrat Niýazoglu, döwlet admlaryna we bütin türkmen halkyna ýene bir gezek tüýs ýürekden gutlamak bilen, alyp barýan mukaddes işlerinde günsaýyn artýan uly üstünlikler arzuw edýäris.

Türkmenistan Jemhurysynyň Garaşsyzlygynyň 8-nji ýyl dönümi Gutly bolsyn

Ençe müň ýyl taryhy arka atan we dünýä medeniýetiniň ojagy hasaplanýan Ata watanymyz türkmenistan 1881-nji ýyldan başlap keseki basypalyjylaryň tarapyndan erkinligi bozylýp taryhynyň çekip jydardan agyr iň garaňky hem kemsidiji döwrini başdan geçirenden soň, özbaşdak hem garaşsyz döwlet hökmünde gaýtadan dikeldilmesi, türkmen milliýeti we her bir türkmen üçin, ömrüniň iň dabaraly, iň buýsançly hem tolgundyryjy günleridir. Sebäbi, bu ajaýyp günlere ýagny garaşsyzlyga hem-de syýasy, yktysady we jemgyýet gatnaşyklarynyň hem düzgünleriniň düýpgöter özgermesine gerekli tejribe hem taýýarçylyga eýe bolmadan giren milletimiziň dürli maddi we ruhy kynçylyklara sezewar bolmagyna garamazdan, türkmen baýdagynyň Birleşen Milletler guramasynda parlamagy örän uly taryhy ähmiýete eýedir. munuň özi türkmen halkynyň bütin milli karakteri bilen dünýä halklarynyň tarapyndan doly resmîýete tanaldygy we oňa doly deň hukukly hem egindeş millet hökmünde baha berildi diýmekdir. Bu bolsa örän gadymy hem

medeniýetli halkymyzyň hakyky hem kanuna laýyk ornudyr.

77 ýyl bári pars şowinizminiň agalyk sürme-gi zerarly dürli kemsidilmelere sezewar bolup, dilimiziň we döp-dessurlarymyzyň yok edilmegi netijesinde, bir millet hökmünde taryh sahnasyndan hemişelik ýitip gitmek howpy bilen eýranda gözguna ýaşayan biz türkmenler, özbaşdak döwlet bolup ýaşamagyň nädereje bagt hem mukaddeslikdigine has gowy düşüňäris. Türkmenistanyň prezidenti Saparmyrat Türkmenbaý her gezek eýrana baranda bütin Türkmenistana aýaga galyp onmüňlerçe türkmeniň ony uly şowhun hem dabara bilen garşy almaklary munuň aýdyň şaýadydyr.

Türkmenistan döwleti bütin tejribe yetmezçiligine we dürli kynçylyklaryna garamazdan geçen 8 ýylyň dowamynda hem yktysady ösüş hem-de milli oýanyş ugrunda görnükli ädimler ätmeği başardy.

Aşgabat we beýleki şäherlerdir şäherler arasy ýollary şu günki dünýä standartlaryna uýgunlaşdyrmak ugrunda, gaýtadan gurmak we modernleşdirmek işi uly depgin bilen durmuşa geçirildi hem geçirilýär. Ençeme modern egirmedokma fabrikleri gurulyp işe başlady we öndürülýän

pagtanyň epesli bölegi bu fabriklerde dürli matalar hem egin-eşik görüsinde halka hödürlenip ýa-da daşary ýütlara eksport edilip başlady. Ekerançylykda bolsa Türkmenistan geçmişdäki diňe ham madda hökmünde pagta öndürýän ýurt ýagdaýyndan çykyp dürli önümler öndürilip başlady hem belli derejede ýer-suw reformalary geçi-rildi, söňky iki ýylda halkyň iýjek bugdaýy modern tehnoloji arkaly içerde öndürildi. Türkmenistan özüniň tebigy baýlyklaryna milli eýeligini ýöredip, olary önderip dünýä bazarlaryna çykar-mak üçin dünýäniň dürli ýurtlarydyr halkara konsorsyomlary bilen deň hukukly we özbaşdak döwlet ornunda ençeme ylalaşyklardyr şert-namalara gol çekişdi. Türkmenistanyň bitaraplyk statusy birleşen milletler tarapyndan ykrar edildi hem-de daşary syýasatda özboluşly garaşsyz pozisyasyny eýeläp, Hazar deňziniň hukuky ýagdaýy we owganystan konflikte ýaly kâbir halkara meseleleriniň çözülmesinde öz täsirini duýduryp başlady.

Bularyň hemmesi, Türkmenistanyň daşy gabawly unudylan ölkä ýagdaýyndan çykyp dünýäniň ähli ýurtlary bilen dürli yktysady, siýasy we medeni gatnaşyklara girmegi, netijede bolsa tutuş halkyň dünýäniň bütin aktuwal meseleleri bilen tanyş

Bu sanda:

***Türkmenistan Jemhurysynyň Garaşsyzlygynyň 8-nji ýyl dönümi Gutly bolsun!**

***Biz näme üçin Türkmenistanda düzülen latyn ýazuwyny ulanmaly?**

***Ikinji Jahan Uruşy we Türkmenistan**

***Şahyr Nesiminiň aýy ykbaly**

***Halk aýdymy „Bardyr“**

***Kel bagşy**

و یه نه:

* پرزیدنت نیازوف و ایران
تورکمن لری

* قاراشیار اولکام (قوشغی)

* آق اوی یاساماق غه ...
اوستا تافایلینگ



برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی :

E-Mail: ilguen@geocities.com

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

- برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .
- بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .
- مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمایید .